

کوروش کمپانی

ترازی برای عیار پول پرستی!

تبرها

نگاهی به پرونده پرابهام
حبیب ثابت پاسال؛
ترکیب یهود و بهائیت
در ایران



۱۶

نگاهی به آمارهای منتشر شده از
نمایشگاه مجازی کتاب ۱۴۰۲
آمار بازی
با محبوب بهاره!

چند وقت پیش کتابچه ای
با نام «اطلاعات بخش مجازی
سی و چهارمین نمایشگاه کتاب
تهران» منتشر شد.



۱۹

شاخه های تنومند
درخت «رشد» در شبکه
نشر کتب آموزشی

جشنواره ملی کتاب رشد در حالی هر
سال با حضور ناشران کتب تربیتی
و آموزشی برگزار می شود که خود را
مقید به یک جشنواره ندانسته و هدف
متعالی خود را اعتمادسازی در ارائه
معتبرترین منابع آموزشی می داند.

۳۰

الگوی سوم واقعیت
یا انتزاع

گزارش نشست تأملی بر
بیانات رهبری حول هویت زن
در انقلاب اسلامی

۳۳

پیگیری ایران جمعه درباره
گلایه و شکایات شهروندان
از خدمات دهی این روزهای
دیجی کالا از مسئولان این
سکوی فروش

رضایت مورد نظر
در دسترس نمی باشد

۳۴

گزارشی از جوانان درباره برنامه شان
در این یک ماه تا پایان سال
چطور آماده می شوی
برای تحویل سال؟



۳۵

تسویه تا دلار آخر

پردامنه ترین
اختلاسی یک دهه اخیر
به بیت المال بازگشت

اموال بایک زنجانی که در
خارج از کشور شناسایی
و به تهران منتقل شد
تکافوی بدهی ها و خسارات
اورا می دهد به طوری که
با در نظر گرفتن اموال
بازگشته قبلی، اضافه
می آید؛ البته قرار شده
است که باز هم کارشناسی
در این خصوص صورت
بگیرد



۲۶

زندگی

ساعتی نو حال نو

گزارشی از جوانان درباره برنامه شان در این یک ماه تا پایان سال

چطور آماده می شوی برای تحویل سال؟

سمیه ملاتبار
نویسنده



سحر گفت مناسبیت‌ها را دوست دارم. هر مناسبیتی که من را از زندگی عادی خارج کند و باعث بشود به خودم توجه کنم را دوست دارم. می خواهد فصل بهار باشد یا روز جوان. اگر شرایط اقتصادی ام اجازه بدهد ترجیح

شما به عنوان جوان، در این یک ماهی که به بهار مانده، به کدام کار عقب مانده می رسید؟ به نظر شما این یک ماه زمان مناسبی است برای چه کاری که سال را با رضایت بیشتری تحویل دهید؟



ترجیح می دهم از شلوغی اسفند و بازار عید و مد روز به دور باشم، ساده بگیرم، قدردان باشم و آرام تر بمانم و به خودم برای استراحت از سفرها، درسها، سفر هدیه دهم و نهایتاً موهایم را برای نوشدن فصل، رنگ جدیدی کنم

نیست، باید همین کوچک‌ها را مراقبت کرد و دید که چطور می شود ادامه داد. من همیشه به خودم می گویم اگر هستی، باش، حتی کم، حتی ضعیف، ولی باش. مهدیه گفت چه سؤال جالبی، واقعاً تا به حال به آن فکر نکرده بودم که چه کار کنم تا سال را با رضایت بیشتری به بهار تحویل دهم. فکرم حسابی مشغول شده که اصلاً آماده تحویل سال هستم یا نه؟ راستش یک سری موضوعات در روزمره‌هایم وجود دارد که من تعریف کاملی از آنها ندارم. مفهوم شان را می دانم ولی برایم معنا شناخته شده‌ای ندارند، مانند عشق، عزت نفس و معنویات، این موضوعات در زندگی شخصی و خانوادگی ام خیلی تأثیر مثبتی دارند و اگر تعداد تصمیم‌ها و انتخاب‌های اشتباه زندگی ام به دلیل درست نبودن این مفاهیم بیشتر شود، باعث کند شدن روند پیشرفتم می شود و نخواهم گذاشت که زمستانم بدون کاشتن بذر آگاهی به بهار برسد. برای همین تلاش می کنم آگاهی و علمم

می دهم از شلوغی اسفند و بازار عید و مد روز به دور باشم، ساده بگیرم، قدردان باشم و آرام تر بمانم و به خودم برای استراحت از درسها، سفر هدیه دهم و نهایتاً موهایم را برای نوشدن فصل، رنگ جدیدی کنم. جوانی نباید پر باشد از میل به اینکه به بقیه نشان دهیم که ما قربانی هستیم و بقیه بد هستند و جواب خوبی ما را نمی دهند. من امیدوارم و تلاش می کنم که سال جدید را با مثبت اندیشی بیشتری شروع کنم. چون اصولاً در لحظه سال تحویل، آدم به این فکر می کند که این یک سال را چطور گذرانده بود و چقدر به اهدافش نزدیک شد و یا بهشان رسید. اگر آن دقایق آخر سال برای پیشرفت خودت وقت گذاشته باشی، باعث حس بهتری در سال جدید می شود. به قانون ۲۱ روز اعتقاد دارم که عادت مثبت را اگر این مدت رعایت کنم، نهادینه می شود و حس نوشدن هم به خودمان دست می دهد. تلاش می کنم کنارش پخت دو سه غذای جدید و ساده را هم امتحان کنم. در این دنیا چیز زیاد با بزرگی برای داشتن



گاهی که می توانم شاد باشم و از فرصتم استفاده بکنم می گویم این شادی مشکوک است. یعنی حتی به شادی هم مشکوک می شوم

معمولاً آخر سال ما آدم‌ها فاز مرور رفتارمان را داریم. من هم الان بیشتر درگیرش هستم که کجا رفتارم اشتباه بوده است. در این مقطعی که الان هستیم دلم می‌خواهد فقط به چهار پنج ارزش اصلی زندگی ام بپردازم



را نسبت به این مفاهیم بیشتر کنم. حالا که می‌خواهم به خاطر سؤال شما، یک برنامه‌ریزی هم برای خودم بنویسم، باید بگویم که اول سعی می‌کنم هر روز خودم را خوشحال کنم. مثلاً بروم کتابفروشی و بگویم کتاب خیلی خوبی که ارزان هم باشد معرف کنند، بعد برای کتابم، لباس بخرم، از این جا کتابی‌ها که در کیف می‌گذارم، یا روی آستین لباسم چند گل بیاکم، یک سخنرانی خوب درباره تغییر و طراحی زندگی که پدرم فرستاد را گوش کنم. در هوا آفتابی پیاده روی داشته باشم و کارهای باز و ناتمام را تا جایی که می‌توانم ببندم، چون پرونده‌های باز از آدم انرژی روانی ثابت می‌گیرد، یا حداقل تعداد این کارهای ناتمام را کم کنم چون کمترین کسی می‌تواند بگوید که من

آزدم را ببختم و الکم را اویختم، چون زندگی همیشه با خودش پرونده‌های باز و نیمه‌باز می‌آورد. این حس آزاد شدن ذهن ولی خوب است.

حسین می‌گوید اینکه در این یک ماه مانده به بهار، دوست دارم چه کارهایی انجام دهم، بستگی به این دارد که چقدر پول داشته باشم و خب من دوره کارآموزی می‌روم و ترم دوم حسابداری هستم، هنوز پول خاصی ندارم ولی اگر داشتم، خودم را ملزم می‌کردم که حتماً باها به مشاوری بروم چون واقعاً به آن نیاز دارم. به نظرم سلامت روان خیلی مهم است. بهار و سال جدید هم بهتر است که بارون و فکرنو و بهتری شروع بشود. گرچه یک ماه، زمان کمی به حساب می‌آید ولی باز هم می‌شود آدم‌ها به چیزهایی که می‌خواهند و می‌نویسند برسند.

اگر تصمیم گرفته بشود به شروع یک عادت خوب و ترک یک عادت بد، تأثیر خوبی دارد و می‌تواند در همین روزهای آخر سال هم تبدیل به عادت بشود. مثلاً از همین امروز شروع کنم به نیم‌ساعت ورزش در روز، خواندن دو کتابی که نیمه‌کاره رها شده است، مادر و خواهرم را بدون خجالت و راحت در آغوش بگیرم، با بچه‌های فامیل بازی‌های حرکتی داشته باشم که کمتر به سمت گوشی بروند، حداقل وقتی که من هستم.

من از پدرم یاد گرفتم که در حال بد نمانم و از داخلش بیرون بیایم، از مادرم هم یاد گرفتم که خودم حال خودم را خوب کنم و منتظر اتفاق یا فردی نمانم. فرهنگ‌های حول عید هم که با معاشرت کردن سر و کار دارد، به نظرم بهتر است که از این فرصت برای تعامل و معاشرت‌های باکیفیت



این یک ماه مثل کارآگاه بالا سرم بایستم و هر کجا دیدم که دارم خودم را به ندیدن می‌زنم و برای فرار از کار مهمی خودم را با موبایل سرگرم می‌کنم، همان لحظه مچ خودم را سفت بگیرم و از سیاه‌چاله کار عبث بیرون بکشم و بروم برای یک ماه کارآگاهی

اقتضات سن و دلهره و استرس‌هایش، خیلی از وقت‌های این دوران جوانی را به شادی نمی‌گذرانیم.

هر روزی که با مشکلاتم کنار می‌آیم و به خودم می‌گویم که: «به تصمیمات احترام بگذار، حتی اگر به اشتباه بوده‌اند و از آن اتفاق‌ها درس بگیر و تجربه کسب کن»، آن روزم را توانستم با انرژی به کارهای درسی و هنری ام بپردازم. کاش همیشه کسی باشد که این حرف‌ها را به آدم بزند تا کمی بار برخی از سرزنش‌هایی که به واسطه جوانی انجام داده‌ام و می‌دهم، کم بشود.

گاهی که می‌توانم شاد باشم و از فرصتم استفاده بکنم می‌گویم این شادی مشکوک است. یعنی حتی به شادی هم مشکوک می‌شوم.

بزرگ‌ترین باگ زندگی ام این است که در هر شرایطی سعی می‌کنم خودم را شاد نگه دارم. خلاف قانون خوابگاه عمل کردن، اذیت کردن بچه‌های خوابگاه، جشن پتو برای نوعروسان خوابگاه، رفتن به شهر بازی و سوارشدن بروسایل پرهیجان، با دوستان به رستوران و کافی‌شاپ و حتی پیاده‌روی رفتن و در اکثر موارد، آشپزی کردن از جمله فعالیت‌های شاد و پرهیجانی‌ست که زندگی ام را به خودش اختصاص داده است. شاد بودن کار چندان سختی نیست. شاد کردن آدم‌های اطرافمان هم، فقط باید بخواهیم و از فرصتی که در اختیارمان است، نهایت استفاده را داشته باشیم.

گوش دادن به موزیک جزو فعالیت‌هایی‌ست که در راه دانشگاه و خانه و خرید و روزمرگی‌هایم، مدام همراهم است و جزو واجباتم. به قول عزیز: «گوش دادن به آهنگ گردی، حتی می‌تواند راهم زنده می‌کند.» آتقدر زندگی ام با موزیک و موسیقی اخت شده است که برای شرکت در کنسرت‌ها، مسیری

را تا شهر دیگری طی می‌کنم.

کجا رفتارم اشتباه بوده است. در این مقطعی که الان هستیم دلم می‌خواهد فقط به چهار پنج ارزش اصلی زندگی ام بپردازم. این احساس وصل بودن به ارزش‌ها شخصی، معنا و غنا بیشتری به جوانی ام می‌دهد.

حمید می‌گوید: زندگی و فصل‌ها برای جوان جنوبی، طور دیگری جریان دارد. ما اساساً زمستان خاصی نداریم. فقط بین بهار و تابستان در تردد هستیم. بهار هم برای من تاریخ دقیق تقویمی ندارد ولی این روزها آماده هستم برای جمع بندی سالی که گذشت، اینکه این روزهای تا فصل جدید به چه دردی می‌خورد باید بگویم شروع کمک از متخصصان سلامت و روان، دوست شدن با بدن و نیازهای همیش، ترمیم یک رابطه عزیز آسیب دیده، ادامه دادن تلاش‌هایی که صرفاً برای پول نبوده و نیست، تمرین شنیدن آدم‌های نزدیک که با ما کم‌تر حرف می‌زنند، کنار همه کارهای عادی روزمره می‌تواند مهم و تأثیرگذار باشد. الان برای خود من زمان این است که ارزایی یک سال گذشته‌ام را داشته باشم که کجاها گیر افتاده بودم تا در سال جدید با شتاب و دقت بیشتر و تلفات کمتری برنامه‌ها را جلو ببرم و خط هدفم را دنبال کنم. اشکال‌ها را پیدا کنم: ساعت خواب نامنظم، خستگی، برنامه‌ریزی غیرواقع‌بینانه و بیایم به جای زل زدن و حرص و جوش خوردن، به سراغ مدیریت هر روزه شرایط محیطی مثل تنظیم رطوبت و نور و دما بروم. علاوه بر اینها، وضعیت خواب شبانه، آب خوردن، مدیتیشن و مدیریت گفت‌وگوهای درونی هم به صورت روزانه انجام دهم.

این یک ماه مثل کارآگاه بالا سرم بایستم و هر کجا دیدم که دارم خودم را به ندیدن می‌زنم و برای فرار از کار مهمی خودم را با موبایل سرگرم می‌کنم، همان لحظه مچ خودم را سفت بگیرم و از سیاه‌چاله کار عبث بیرون بکشم و بروم برای یک ماه کارآگاهی و نجات دنیا.

وحیده می‌گوید: چقدر گاهی یادمان می‌رود که جوانی و سلامتی، خودش دلیل بزرگی برای شاد بودن است ولی خب ما همیشه قدر نمی‌دانیم و به خاطر

من از پدرم یاد گرفتم که در حال بد نمانم و از داخلش بیرون بیایم، از مادرم هم یاد گرفتم که خودم را خوب کنم و منتظر اتفاق یا فردی نمانم، می‌خواهم همین‌ها را تمرین کنم





خانه تکانی ماهانه

جایگزینی برای اهداف سالانه و فراموش کردن آنها در میانه مسیر ۱۰ کار ماهانه برای بهبود شرایط زندگی

علیرضا طباطبایی

نویسنده



اگر یک هدف ۱۲ ماهه تعیین کنید و در پایان دوره به آن فکر کنید، ممکن است متوجه شوید که یک سال تمام به دنبال هدف اشتباهی بوده‌اید

یک ماه جدید می‌تواند شروعی تازه باشد و به عنوان یک تنظیم مجدد کوچک عمل کند. این شروع مجدد کوچک می‌تواند کل زندگی شما را تحت تأثیر قرار دهد زیرا برخلاف سال، ماه دوره بسیار خوبی برای مکت، تأمل، جمع‌آوری بازخورد و اصلاح مسیر زندگی تان است. اغلب آدم‌ها در پایان سال به دنبال اهداف جدید برای سال جدید هستند. ماه آخر سال را کاملاً بی‌ارزش می‌بینند و همه اهداف را

برای سال بعد برنامه‌ریزی می‌کنند. اما موضوع مهم این است که اگر یک هدف ۱۲ ماهه تعیین کنید و در پایان دوره به آن فکر کنید، ممکن است متوجه شوید که یک سال تمام به دنبال هدف اشتباه با استراتژی اشتباهی بوده‌اید. با این حال، اگر آن را به ماه‌ها تقسیم کنید و هر ماه را به عنوان یک شروع جدید ببینید، می‌توانید خطر اتلاف وقت خود را به حداقل برسانید.

فقط به این دلیل که در ابتدای سال یک هدف تعیین کرده‌اید به این معنی نیست که باید آن هدف را برای ۱۲ ماه دنبال کنید. گاهی اوقات متوجه می‌شوید که خواسته‌ها و اولویت‌هایتان تغییر کرده و بر همین اساس باید برنامه‌ها و عادت‌هایتان را تغییر دهید و واقعیت این است که به هر حال تغییرات مهم یکباره اتفاق نمی‌افتد. در طول زمان اتفاق می‌افتند.

زندگی شما با انجام پراکنده بعضی کارها و تصمیمات تغییر نخواهد کرد. با این حال، اگر ماه‌ها یا سال‌ها در انجام کاری یا تصمیمی استمرار داشته باشید، می‌توانید تغییرات شگفت‌انگیزی را تجربه کنید.

در اینجا ۱۰ کار کوچک وجود دارد که می‌توانید در پایان هر ماه انجام دهید تا بهترین استفاده را از زمان خود در طول سال ببرید:

۱. یک نمای کلی: پایان هر ماه باید برنامه ماه بعدتان را تنظیم کنید

اگر تقویم یا برنامه‌ریزی خود را به روز نگه دارید، این کار چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد، اما به شما کمک می‌کند تا وضوح ذهنی داشته باشید و به خوبی آماده

شوید برای دوره بعد.

برای به دست آوردن یک دید کلی از ماه آینده، نگاهی انتقادی به همه رویدادها، قرارها و جلساتی که در هفته‌های آینده رخ می‌دهد داشته باشید.

بررسی کنید که آیا قرار ملاقات‌ها هم‌پوشانی دارد یا خیر و آیا رویدادهای مهمی را که ممکن است بزودی رخ دهد نادیده گرفته‌اید؟

اگر به ضرب الاجلی نزدیک می‌شوید، می‌توانید برای مثال، روزهای خاصی را در تقویم خود خالی بگذارید تا مطمئن شوید که زمان کافی برای آن پروژه اختصاص می‌دهید و آن کار به خوبی انجام می‌شود.

اگر با نگاهی سریع به تقویم ماه آینده متوجه شدید که تولدها یا سالگردهای مهم نزدیک است، می‌توانید کارت‌های تبریک آماده کنید یا برای هدایایی که می‌خواهید برنامه‌ریزی کنید تا بعداً نگران نباشید و به محدودیت زمانی بپردازید.

از طریق این سیاهه (چک لیست) سریع، می‌توانید در طول ماه آینده در زمان و انرژی زیادی صرفه‌جویی کنید.

۲. به خودتان اجازه دهید زندگی را جشن بگیرید

اغلب اوقات، ما آن قدر در زندگی روزمره خود محو می‌شویم که فراموش می‌کنیم پیروزی‌ها و نقاط عطف خود را جشن بگیریم. به همین دلیل است که باید در پایان هر ماه کمی وقت بگذارید و به خاطر همه چیزهایی که به دست آورده‌اید به خود افتخار کنید. به تقویم و لیست کارهای گذشته خود نگاهی بیندازید و از تلاش‌های خود قدر دانی کنید. علاوه بر این، لحظه‌ای به تمام اتفاقات خوبی که در طول ماه رخ داده است فکر کنید:

شاید با کسی که برای تان مهم است تماس تلفنی خوبی داشتید؟

شاید به این افتخار می‌کنید که چند بار ورزش کرده‌اید؟

یا شاید به این افتخار می‌کنید که به رغم مشکلات فراوان، این ماه را پشت سر

گذاشته‌اید؟ این موضوع را اصلاً کوچک و ساده فرض نکنید. این روزها فشارهای کوچک و بزرگ زیادی روی همه ماست که ممکن است ظرف تحمل یا صبر ما را به شکلی بپرکند که همه آن فشارها را به شکل عصبانیت یا خشم روی عزیزانمان یا حتی خودمان بروز دهیم و اینکه توانستیم یک ماه را با وجود مشکلات و مسائل و فشارها به پایان برسانیم و باعث هیچ فاجعه‌ای نشدیم، خودش برد بزرگی محسوب می‌شود.

همیشه چیزی هست که بتوانید به آن افتخار کنید. فقط باید برای تصدیق پیروزی‌های کوچک و زیبایی‌های نه چندان آشکار زندگی تان وقت بگذارید. پایان یک ماه بهترین زمان برای انجام این کار است.

۳. نعمت‌هایت را بشمار

مشابه برده‌های تان، می‌توانید همه چیزهایی را که برای شان شکرگزار هستید، یادداشت کنید.

بیشتر اوقات، ما زندگی و نعمت‌های خود را بدیهی می‌گیریم و به جای قدر دانی از داشته‌هایمان، بیشتر می‌خواهیم.

پایان یک ماه زمان بسیار خوبی برای فکر کردن به همه افراد، چیزها و فرصت‌هایی است که بابت آنها شکرگزار هستید.

پس یک تکه کاغذ بردارید و تمام چیزهایی را که نمی‌خواهید در زندگی خود از دست بدهید، یادداشت کنید و اگر نمی‌دانید چه بنویسید، با چیزهایی شروع کنید که ما اغلب آنها را به شکل پیش فرض یا بدیهی می‌بینیم؛ برای خانه، سلامتی و توانایی خود در تنفس، فکر و حرکت شکرگزار باشید.

هنگامی که شروع به نوشتن کنید، به سرعت متوجه خواهید شد که چیزهای بسیار دیگری وجود دارد که می‌توانید بابت آنها شکرگزار باشید.

۴. امور مالی خود را بررسی کنید

اگر اهداف مالی برای سال دارید، پایان ماه فرصتی عالی است تا ببینید آیا در مسیر رسیدن به آن اهداف هستید یا خیر. بررسی

خودت را دوست بدار





زندگی

هرآنچه که در رابطه با زندگی می خواهید بدانید

**همیشه چیزی هست که بتوانید به آن افتخار کنید. فقط باید برای تصدیق پیروزی های کوچک و زیبایی های نه چندان آشکار زندگی تان وقت بگذارید**

منظم امور مالی به شما کمک می کند تا بدانید که آیا در حد توان خود زندگی می کنید یا بالاتر از بودجه خود.

علاوه بر این، به شما کمک می کند مسئولیت پذیرتر باشید، بنابراین در پایان سال با یک شگفتی تکان دهنده مواجه نشوید.

بررسی مالی ماهانه شما به اهداف مرتبط با پول شما بستگی دارد؛ می توانید در مورد هزینه های خود فکر کنید و ببینید که آیا بیشتر از حد لازم پول خرج کرده اید یا می توانید روی درآمد خود تمرکز کنید. مخصوصاً اگر خوداشتغال هستید یا مشغله های جانبی دارید، بررسی درآمدها برای دیدن میزان خریدهای تان باشد. البته، شما همچنین می توانید این دور را با هم ترکیب کنید و یک بررسی مالی کلی انجام دهید. بسته به یافته های خود، می توانید قوانینی را برای ماه آینده تعیین کنید (مثلاً محدود کردن خرید اقلام خاص) تا اطمینان حاصل کنید که به اهداف مالی بلندمدت خود می رسید.

۵. اولویت بندی کنید

کلید یک زندگی موفق، اولویت بندی برنامه های شما نیست، بلکه برنامه ریزی برای اولویت های تان است.

گاهی اوقات آن قدر درگیر وظایف و کارهای روزانه خود می شوید که فراموش می کنید مکث کنیم و در مورد اینکه واقعاً به کجا می رویم فکر کنیم.

اگر یک تا سه اولویت خاص دارید، اعتبارسنجی میزان پیشرفت شما در طول ماه بسیار مؤثر است. علاوه بر این، تعیین اولویت های ماهانه به شما کمک می کند تا از هدر دادن وقت خود برای وظایف، روابط یا پروژه هایی که به رضایت کلی شما کمک نمی کنند، جلوگیری کنید.

۶. ذهن خود را دوباره تنظیم کنید

پایان یک ماه زمان بسیار خوبی برای خلاص شدن از شر افکاری است که ممکن است شما را از مسیر خود خارج کند.

یک راه ساده و در عین حال قدرتمند برای از بین بردن این افکار محدودکننده این است که ذهن خود را خالی کنید و همه چیزهایی را که در هفته های گذشته نگران آن بوده اید یادداشت کنید. نوشتن آنها به شما کمک می کند تا آن افکار را از ذهن خود خارج کنید و پردازش و حذف آنها را آسان تر می کند.

علاوه بر این، از بین بردن این ترس ها و افکار منفی به شما کمک می کند فضایی برای احساسات و تجربیات مثبت بیشتری ایجاد کنید.

۷. برای روابط شخصی تان زمان بگذارید

وقتی مشغول هستیم، اغلب تقویت روابط شخصی را نادیده می گیریم به همین دلیل است که باید یک برنامه منظم ایجاد کنید تا مطمئن باشید که در طول ماه با کسانی که برای شما مهم هستند در ارتباط هستید. این ایده ممکن است ابتدا اغراق آمیز به نظر برسد، اما این کار در زندگی فشرده و پرمشغله امروزی بسیار مهم است. گاهی ممکن است با وجود میل زیاد ماه ها با مادر بزرگ تان صحبت نمی کنید یا به دیدنش نمی روید. ارتباط با عزیزان علاوه بر خوشحال کردن آنها برای خودمان هم اثرات خوبی به دنبال دارد.

در پایان هر ماه از خود بپرسید که آیا افراد مهمی وجود دارند که مدتی با آنها صحبت نکرده اید؟

هنگامی که فهرستی از نام ها داشتید، تاریخ خاصی را انتخاب کنید که در آن واقعاً با آنها تماس بگیرید یا ملاقات کنید.

حتی اگر قصد دارید با خواهر یا پدربزرگ تان تماس بگیرید، آن را در تقویم خود طوری برنامه ریزی کنید که گویی یک قرار کاری مهم و جدی است. اگر این کار را نکنیم، اغلب این فعالیت هایی را که در واقع برای شادی و رضایت کلی ما مهم هستند، به تعویق می اندازیم.

۸. خانه تکانی ماهانه

در طول ماه، ممکن است اغلب آن قدر مشغول انجام کارها باشید که دیگر زمانی برای مرتب کردن خانه و تمیز نگه داشتن آن باقی نماند.

با این حال، واقعیت این است که اگر خانه تان به جای شلوغی، تمیز و مرتب باشد، کارها بهتر انجام می شود و زندگی شادتری خواهید داشت. به همین دلیل است که پایان ماه فرصتی عالی برای انجام یک دور سریع تمیز کردن و بازگرداندن خانه خود به مسیر درست است. در طی این فرایند، می توانید از شر چیزهای قدیمی که دیگر استفاده نمی کنید خلاص شوید و برای ماه جدید فضای بیشتری ایجاد کنید.

۹. یک عادت کوچک را انتخاب کنید که ممکن است زندگی شما را تغییر دهد

یک ماه جدید فرصتی عالی برای شروع یک چالش کوچک ماهانه و ایجاد یک عادت کوچک و در عین حال مفید است. اکثر مردم در ایجاد عادات قدرتمند شکست می خورند زیرا آنها با جاه طلبی های بسیار بزرگ شروع می کنند. می خواهند بدون مدتی، مدتی، دوش آب سرد بگیرند، هر روز یک نوشیدنی سالم بنوشند، هفته ای یک کتاب بخوانند، سریال های روز را دنبال کنند و همه را با هم شروع کنند. دقیقاً به همین دلیل است که شکست می خورند.

با این حال، اگر به درستی انجام شود، عادات کوچک در واقع می توانند زندگی را تغییر دهند یا حداقل زندگی را بهبود بخشند. با این حال، مؤثرترین راه برای ساختن آنها شروع کوچک است. در پایان هر ماه، می توانید عادات فعلی خود را بررسی کنید و تصمیم بگیرید که آیا می خواهید یک عادت جدید را امتحان کنید یا خیر. در بهترین حالت، روال جدید شما باید آن قدر ساده باشد

که شروع آن بیش از ۱۰ دقیقه در روز طول نکشد. چند عادت کوچک که می توانید فوراً شروع کنید عبارتند از: مدیتیشن، یادداشت روزانه، انجام حرکات کششی، مطالعه، تمرینات تنفسی، و یا خوردن غذاهای سالم بیشتر (مثلاً با میان وعده میوه یا سبزیجات).

۱۰. آرام باش

در بیشتر ماه ها، آن قدر مشغول هستیم که اغلب فراموش می کنیم مکث کنیم و نفس بکشیم. ما با عجله از یک قرار به قرار دیگر می رویم، لیست کارهای بی پایان داریم، سعی می کنیم در جمع عزیزان مان حاضر شویم، اما اغلب خودمان را فراموش می کنیم. گاهی اوقات، تنها چیزی که نیاز داریم این است که یک ساعت را صرف خواندن یک کتاب عالی کنیم در حالی که نوشیدنی مورد علاقه مان را می نوشیم یا به پیاده روی طولانی برویم. بنابراین مطمئن شوید که برای انجام کارهایی که به شما کمک می کند آرام شوید زمان بگذارید، استراحت کنید و از خودتان مراقبت کنید. مهم نیست که ماه پیش رو چقدر شلوغ به نظر می رسد، واقعیت این است که همیشه زمانی برای نفس کشیدن وجود دارد، اما این به شما بستگی دارد که آن را در اولویت قرار دهید.



اگر به

ضرب الاجلی

نزدیک می شوید،

می توانید برای

مثال، روزهای

خاصی را در

تقویم خود

خالی بگذارید تا

مطمئن شوید که

زمان کافی برای آن

پروژه اختصاص

می دهید و آن کار

به خوبی انجام

می شود

شکرگزاری



ملاقات با عزیزان



ذهن آگاهی (mindfulness) چیست و چه تأثیری بر زندگی مادارد

می دونی الان کجای زندگی هستی؟

نوشین تقی‌بی
نویسنده

دنیا امروز، دنیا درگیری‌های ذهنی بی‌شمار است. ما حتی در لحظات استراحت خود در حال فکر کردن به مسائل مختلف هستیم.

مسائلی از قبیل مشکلات شغلی، تحصیلی، مالی، خانوادگی، مرور خاطرات خوب و بد گذشته، نگرانی برای آینده و اضطراب کارهایی که باید انجام دهیم. با وجود این همه درگیری ذهنی عملاً قدرت تمرکز روی لحظه و حال را از دست داده‌ایم.

یک روز عادی را تصور کنید. صبح که از خواب بیدار می‌شویم، اولین چیزی که به آن فکر می‌کنیم مشکلاتی است که طول روز باید با آنها سرو و کله بزنیم. تا آخر شب، فقط به بعد فکر می‌کنیم.

مدام منتظریم تا ظهر شود و وقت نهار برسد، ساعت ۵ شود و ساعت کاری به اتمام برسد، ترافیک روان شود تا به خانه برسیم و در خانه هم به جای استراحت کردن در حال فکر کردن به اتفاقات طول روز و مسائل روز آینده هستیم. قطعاً نمی‌شود به این مشکلات و مسائل فکر نکرد.

نمی‌توان به کسی که صبح روز بعد چک دارد و حسابش خالی است گفت استرس نداشته باشد. ولی بسیاری از اوقات ذهن ما درگیر مسائلی است که نشخوار ذهنی مداوم آنها هیچ چیزی را تغییر نمی‌دهد.

خب، باید چه کنیم تا از این چرخه درگیری ذهنی شبانه‌روزی خلاص شویم؟ پاسخ یک کلمه است: ذهن آگاهی.

این یک کلمه کاملاً ساده است. یعنی ذهن شما به طور کامل به آنچه در حال رخ دادن است، به کاری که انجام می‌دهید، به فضایی که در آن در حال حرکت هستید توجه دارد. ممکن است بی‌اهمیت به نظر برسد، ولی واقعیت این است که ما اغلب از آن چیزی که در حال رخ دادن است دور می‌شویم.

ذهن ما به همه جا پرواز می‌کند، ارتباط خود را با بدنمان از دست می‌دهیم، درگیر افکار و سواسی درباره اتفاقی که به تازگی رخ داده است می‌شویم یا نگران آینده هستیم. این مسأله ما را مضطرب می‌کند. با این حال، مهم نیست که چقدر دور شده‌ایم، تمرین ذهن آگاهی و تمرکز حواس کمک می‌کند تا ما را به جایی که هستیم و آنچه انجام می‌دهیم و احساس می‌کنیم بازگرداند.

ذهن آگاهی به زبان ساده

ذهن آگاهی یعنی زندگی در لحظه حال. اساساً به معنا آگاه و هوشیارتر بودن در هر لحظه و درگیری کامل با اتفاقاتی است که در اطراف شما رخ می‌دهد، با پذیرش کامل و بدون قضاوت.

ذهن آگاهی، از جمله توانایی‌های بنیادی انسان برای حضور کامل در لحظه است. آگاهی از اینکه کجا هستیم و چه کاری انجام می‌دهیم.

ذهن آگاهی چیزی است که هر انسانی در حال حاضر دارای آن است. یعنی این چیزی نیست که شما آن را در خود ایجاد کنید، فقط باید یاد بگیرید که چگونه به آن دسترسی داشته باشید.

تفاوت بین ذهن آگاهی و مدیتیشن چیست؟

شاید با چیزهایی که راجع به ذهن آگاهی گفتیم، آن را با مدیتیشن اشتباه بگیرید. اما ذهن آگاهی و مدیتیشن دو موضوع کاملاً متفاوت و در عین حال به هم متصل هستند. ذهن آگاهی مدیتیشن را تقویت می‌کند و مدیتیشن ذهن آگاهی را تغذیه می‌کند. به عبارت دیگر، در حالی که ذهن آگاهی را می‌توان در هر موقعیتی و انجام هرکاری (غذا خوردن، راه رفتن، ورزش کردن) انجام داد، مدیتیشن عموماً در شرایط و مدت زمان مشخصی انجام می‌شود. علاوه بر این، ذهن آگاهی به معنا آگاه بودن و هماهنگ بودن با آنچه در درون و اطراف فرد می‌گذرد است ولی مدیتیشن به معنا متوقف کردن کاری که انجام می‌دهید و تلاش برای فکر نکردن به هیچ چیز است.

مثال‌های رایج و ساده ذهن آگاهی

۱. ذهن آگاهی می‌تواند به معنا آگاهی از نفس کشیدن خود باشد. توجه به تغییرات در ناحیه شکم به هنگام دم و بازدم، احساس ورود هوا به ریه‌ها و خروج آن از بدن.

۲. تمرکز و توجه به غذایی که می‌خورید نمونه دیگری از ذهن آگاهی است. یعنی کاملاً به دما آن، تردی و نرمی یا طعم آن توجه کنید. چشمان خود را ببندید و پخش شدن طعم‌ها را روی زبان خود

ذهن آگاهی چیزی است

که هر انسانی در حال

حاضر دارای آن است.

یعنی این چیزی نیست

که شما آن را در خود ایجاد

کنید، فقط باید یاد بگیرید

که چگونه به آن دسترسی

داشته باشید.

ذهن آگاهی یعنی زندگی

در لحظه حال. اساساً به

معنا آگاه و هوشیارتر بودن

در هر لحظه و درگیری

کامل با اتفاقاتی است

که در اطراف شما رخ

می‌دهد، با پذیرش کامل و

بدون قضاوت



حس کنید. یکی از دشمنان ذهن آگاهی، نگاه کردن به تلویزیون یا گوشه هنگام غذا خوردن است. زمانی که شما بر آنچه که می‌خورید تمرکز نمی‌کنید، خیلی دیرتر متوجه احساس سیری می‌شوید و ناخودآگاه پرخوری می‌کنید.

۳. هنگامی که در حال راه رفتن هستید به احساسات خود توجه کنید. آیا سنگینی کوله‌پشتی که روی دوشتان است را روی شانه‌ها یا کمرتان حس می‌کنید؟ آیا عجله دارید و ضربان قلبتان تندتر از زمانی است که آرام راه می‌رفتید؟ آیا خیابان ساکت است یا پرسر و صدا، خالی است یا پر از مردم؟ در مسیری که می‌روید درخت یا گل کاشته شده؟

به طور کلی می‌توان گفت که ذهن آگاهی را می‌توان در هر کاری که انجام می‌دهید پیدا کرد، به شرطی که تلاش کنید تا از بدن، احساسات و محیط اطراف خود آگاه باشید.

اثرات مفید ذهن آگاهی

۱. ذهن آگاهی خواب را بهبود می‌بخشد
تأثیر ذهن آگاهی بر کیفیت خواب توسط تعداد زیادی از پزشکان بررسی شده است. به عنوان مثال در مقاله‌ای که در ژورنال بین‌المللی طب رفتاری منتشر شده است، اثبات شده

که کاهش استرس مبتنی بر ذهن آگاهی (MBSR)

منجر به بهبود کیفیت خواب در میان مبتلایان به

سرطان می‌شود. بیشتر ما عادت کرده‌ایم که قبل

از خواب به مشکلاتی که طول روز داشته‌ایم فکر کنیم.

این مسأله به حدی روی مغز و کیفیت خواب ما تأثیرگذار

است که همواره وقتی صبح بیدار می‌شویم احساس می‌کنیم

حتی خسته‌تر از شب گذشته هستیم. انجام تمرین‌های

ذهن آگاهی پیش از خوابیدن، مانند مدیتیشن و تنفس

عمیق، می‌تواند به کاهش استرس و اضطراب

کمک کنند. در واقع شما با تمرین ذهن آگاهی

می‌توانید درگیری‌های فکری خود را کنترل

و با آگاهی بیشتر ذهن خود را مدیریت

کنید. در نتیجه راحت‌تر به خواب عمیق

فرو می‌روید و کیفیت خواب شما بهبود

پیدا می‌کند.

با ذهن آگاهی می‌توانید وزن کم کنید

شاید این موضوع به نظرتان عجیب باشد، ولی

تأثیر ذهن آگاهی بر کنترل وزن و لاغری در دنیا پزشکی

اثبات شده است. در واقع زمانی که مردم حواسشان کاملاً

به چیزی است که می‌خورند، راحت‌تر غذا خوردن خود

را کنترل می‌کنند.

همچنین ذهن آگاهی می‌تواند به شما کمک کند تا به طور

دقیق‌تر احساس گرسنگی و سیری خود را درک کنید. بسیاری از

مواقع ما گرسنه نیستیم و احساس خستگی، اضطراب یا غم را با

خوردن سرکوب می‌کنیم. این امر می‌تواند در مدیریت خوردن به

اندازه و مناسب و جلوگیری از افزایش وزن به ما کمک کند. همچنین

زمانی که در حال غذا خوردن هستید، اگر تمرکزتان کاملاً روی کاری باشد

که در حال انجام آن هستید، فرمان سیری سریع‌تر به مغز شما ارسال می‌شود.

ذهن آگاهی افکار منفی را از شما دور می‌کند

اینکه همه ما در زندگی روزمره خود دچار مشکلات و چالش‌های زیادی هستیم قابل انکار نیست. ولی اگر به افکار خودمان دقت کنیم، می‌بینیم که بیشتر اوقات در حال فکر کردن به مسائل و مشکلاتی هستیم که اتفاق نخواهند افتاد! ذهن آگاهی در اینجا هم به کمک شما می‌آید تا بتوانید افکار منفی خود را کنترل کنید. در واقع ذهن آگاهی می‌تواند به افراد کمک کند تا بیشتر و عمیق‌تر به احساسات خود توجه کنند و با آگاهی از احساسات منفی به محض بروز آنها، به جای تمرکز بر این افکار و احساسات، به روش‌های از بین بردن آن بپردازند.

به عنوان مثال یک روز صبح از خواب که بیدار می‌شوید احساس

می‌کنید که کمی بیحال هستید. بلافاصله با خود فکر می‌کنید

که ای وای حتماً آنفلوآنزا گرفته‌ام! حالا چه کاری باید انجام

دهم؟ اگر بچه‌ها هم مریض شوند چه؟ اگر سرکار نزوم

کارهایم روی هم تلنبار می‌شود.

ممکن است رئیس از دستم عصبانی شود و ده‌ها

جمله منفی دیگر. برائراین افکار حتی احساس

بی‌حالی‌تان تشدید می‌شود. ولی با تمرین ذهن

آگاهی، می‌توانید این افکار را کنترل کنید و به

فکر راه حل باشید.



به طور کلی می‌توان
گفت که ذهن آگاهی
را می‌توان در هر کاری
که انجام می‌دهید
پیدا کرد، به شرطی که
تلاش کنید تا از بدن،
احساسات و محیط
اطراف خود آگاه باشید



ذهن آگاهی سطح استرس را کاهش می‌دهد

در جامعه امروزی، زندگی بدون احساس استرس کار سخت و حتی ناممکن است. اما شما با تمرین ذهن آگاهی می‌توانید تا حد زیادی این استرس را کنترل کنید. همان‌طور که می‌دانید احساس اضطراب ناشی از ترشح هورمونی به نام کورتیزول است. وقتی شما بابت چیزی نگران هستید یا در یک شرایط پرچالش گیر افتاده‌اید، مغز دستور انتشار این هورمون را می‌دهد. اما جالب است بدانید که آزمایش‌های پزشکی انجام شده نشان داده‌اند که ذهن آگاهی باعث کاهش انتشار این هورمون در بدن می‌شود.

تمرکز و هوشیاری شما با ذهن آگاهی افزایش می‌یابد

یکی از معضلات زندگی‌های شلوغ امروزی، کاهش تمرکز است. ما تقریباً توانایی تمرکز روی کارهایی که انجام می‌دهیم را از دست داده‌ایم. در حال درس خواندن هستیم ولی صدها فکر مختلف در سرمان می‌چرخد. می‌دانیم که باید روی پروژه‌ای که انجام می‌دهیم تمرکز کنیم ولی مدام پرش افکار داریم. بر اساس پژوهشی توسط متخصصان اعصاب انجام شده است، حتی انجام یک مدیتیشن سریع ۱۰ دقیقه‌ای می‌تواند تمرکز شما را تا حد زیادی بالا ببرد. در نتیجه افزایش تمرکز، بازدهی شما نیز افزایش قابل توجهی خواهد داشت.

ذهن آگاهی هوش هیجانی را ارتقا می‌دهد

از آنجایی که هسته اصلی تمرین ذهن آگاهی این است که افراد به احساسات و عواطف خود آگاه می‌شوند، ذهن آگاهی به طور طبیعی با درک بیشتر احساسات و توانایی استفاده عاقلانه‌تر از آنها همراه است. با بهبود هوش هیجانی شما در تمام جنبه‌های زندگی می‌توانید پیشرفت کنید. اگر بتوانید هیجانات و عواطف خود را مدیریت کنید و در مسیر درست از آنها استفاده کنید، چه در زندگی شخصی و چه در محل کار تأثیر آن را خواهید دید.

سخن آخر: ذهن آگاهی فقط در ذهن شما نیست

هنگامی که در مورد تمرکز حواس و مراقبه حرف می‌زنیم، چیزی که به نظر می‌سد این است که فقط باید افکارمان را کنترل کنیم. یعنی قرار است کاری در مورد آنچه در سرمان اتفاق می‌افتد انجام دهیم. انگار این بدن‌هایی که ما داریم، کیسه‌های پر در در سری هستند که مغزمان آنها را هدایت می‌کند. اما اینطور نیست. مدیتیشن در بدن شروع می‌شود و به پایان می‌رسد. ذهن آگاهی یعنی وقت گذاشتن برای توجه به اینکه کجا هستیم و چه اتفاقی در حال رخ دادن است، و این با آگاهی از بدن ما شروع می‌شود. همین کار می‌تواند آرامش بخش باشد، زیرا بدن ما ریتم‌های درونی دارد که اگر به آنها فرصت بدهیم، قطعاً به آرامش ما کمک می‌کنند.



در جامعه امروزی،
زندگی بدون احساس
استرس کار سخت و
حتی ناممکن است.
اما شما با تمرین ذهن
آگاهی می‌توانید تا حد
زیادی این استرس را
کنترل کنید

درباره شناخت و نگهداری گیاه بگونیا

گل هزارفرقه

نسرین تقی خانی

مهندس کشاورزی و مشاور نگهداری گیاهان آپارتمانی



۱۰۰۰ گونه از گیاه

بگونیا در جهان

هست که براساس

نوع گل، برگ، ساختار

ریشه و نحوه تکثیر

دسته بندی های

متفاوتی دارد

اگر دنبال گیاه همیشه سبز هستید، گیاه بگونیا گزینه مناسب برای نگهداری در آپارتمان است. این گیاه بومی مناطق حاره ای آسیا، آفریقا و آمریکا است. گیاه بگونیا به دلیل برگ های زیبایش مورد توجه قرار گرفته است. این گیاه دارای هزار گونه در جهان است که براساس نوع گل، برگ، ساختار ریشه و نحوه تکثیر دسته بندی های متفاوتی دارد. از انواع بگونیا می توان به بگونیا برگی رکس، بگونیا تکمه ای، بگونیا عروس، بگونیا ببری، بگونیا هلندی یا هیمالیس و بگونیا مخملی اشاره کرد؛ بگونیا برگی رکس دارای برگ های بزرگ قلبی شکل با حاشیه هایی به رنگ سفید، سیاه، سبز و... است. بگونیا تکمه ای دارای ساقه های ضخیم و گوشتی و گل هایی با انواع رنگ ها است. بگونیا عروس را از ساقه های قرمز و برگ های براق و چرمی اش می شناسند؛ این گونه گل هایی به رنگ صورتی، قرمز یا سفید دارد. وجود لکه های سبز روشن روی برگ هایی با رنگ سبز تیره، تضاد رنگی زیبایی به بگونیا ببری داده که به پوست ببر شبیه شده است. در این گونه، برگ ها در لبه خود دارای دندان های ریز و کرکی شکل هستند. بگونیا هلندی؛ ساقه ای قرمز با برگ های چرمی و براق و لبه های دندان دار دارد. در بگونیا مخملی ساقه ها گوشتی و خزنده و برگ ها ضخیم و بزرگ و مخملی هستند.

گیاه بگونیا براساس نوع گونه اش درخواست شرایط محیطی مناسب می دهد، به عنوان مثال برخی از انواع بگونیا در نور آفتاب و برخی دیگر در سایه بیشترین رشد خود را دارند. به طور کلی اگر بگونیا از انواع برگ رنگی یا گل دار باشد به نور بیشتری برای رشد نیاز دارد.

در انواع بگونیا گل دار، گاهی می توان علت عدم گلدهی را کمبود نور برآورد کرد.

بگونیا برای رشد به مکان پر نور احتیاج دارد، پس اگر محل نگهداری بگونیا محیط خارج از آپارتمان (حیاط یا بالکن) است، باید به طور کامل شرایط دریافت نور خورشید را داشته باشد تا در دوره رشد بگونیا خللی وارد نشود. خاک مناسب برای بگونیا، خاک سبک با زهکش مناسب است. پس ترکیب مساوی از کوکوپیت، پرلیت و پیت ماس یا ترکیب خاک برگ و پیت ماس برای بگونیا مناسب است. اگر برای نگهداری بگونیا از خاک سنگین مثل رس استفاده شده یا خاک زهکش مناسب نداشته باشد، در آبیاری های مکرر، پوسیدگی ریشه و مرگ گیاه اتفاق خواهد افتاد. برگ های زیبای بگونیا و ساقه آن قابلیت نگهداری آب به مدت طولانی را دارند. برای تعیین زمان آبیاری بگونیا، توجه به میزان خشک بودن خاک و دیگر شرایط محیطی اهمیت دارد. بسته به دمای محیط می توان بگونیا را هفته ای یک بار آبیاری کرد؛ به تدریج با گرم شدن هوا، میزان آبیاری باید بیشتر شود و همچنین با سرد شدن فصل، دفعات آبیاری باید کاهش یابد. آبیاری کم باعث بی حالی و پلاسیده شدن برگ های بگونیا می شود و آبیاری بیش از حد هم زردی و پوسیدگی بگونیا را به همراه دارد.

نکته مهم در آبیاری بگونیا این است که در زمان آبیاری باید خاک مرطوب باشد چرا که در صورت خیس شدن و خیس ماندن برگ های گیاه، خیس بودن زیاد به مرور باعث ایجاد کپک شده و سوختگی برگ ها را به همراه خواهد داشت. محدوده دمایی مطلوب برای نگهداری این گیاه زیبا، ۱۸ تا ۲۵ درجه سانتی گراد است. ۱۵ درجه سانتی گراد کمترین دمای است که گیاه

می تواند تحمل کند و اگر بگونیا در محیط، در دمای پایین تر از ۱۵ درجه سانتی گراد قرار گیرد، آسیب می بیند. نگهداری بگونیا در محیط آپارتمان توجه به این نکته را می طلبد که بگونیا با توجه به فصل نگهداری اش، در مقابل وسایل سرمایشی و گرمایشی قرار نگذرد تا رشد آن متوقف نشود. بگونیا عاشق رطوبت است؛ پس برای تأمین شرایط رطوبت برای گیاه می توان از ظرف پر از سنگ ریزه که روی آن با آب پوشانده شده است، استفاده کرد؛ در این روش باید توجه داشت تا انتها گلدان در آب قرار نگیرد و باید روی سنگ ها باشد. اگر انتهای گلدان مستقیم با آب در تماس باشد، آب جذب ریشه شده و پوسیدگی ریشه را به دنبال دارد. برای تقویت خاک و گیاه و تشویق به رشد بیشتر می توان از کودهای تقویتی استفاده کرد. می توان بسته به دیگر شرایط محیطی یا نوع بگونیا هر دو یا سه هفته یکبار به بگونیا کود ۲۰:۲۰:۲۰ که نسبت مساوی از عناصر نیتروژن، فسفر و پتاسیم دارد، داد.

جهت گلدهی باید هفته ای یک بار کوددهی با کود ۱۲:۱۲:۳۶ انجام گیرد. این میزان کوددهی در زمستان که خارج از فصل رشد گیاه است باید کاهش یابد. توجه شود که استفاده بیش از حد و بی برنامه از کودها هم باعث سوختگی گیاه و آسیب به آن خواهد شد.

برای تکثیر این گیاه از روش های متفاوتی می توان استفاده کرد از قبیل: قلمه ساقه، قلمه برگ، تقسیم بوته و کشت بذریا غده.



گیاه بگونیا براساس

نوع گونه اش

درخواست شرایط

محیطی مناسب

می دهد، به عنوان

مثال؛ برخی از انواع

بگونیا در نور آفتاب و

برخی دیگر در سایه

بیشترین رشد خود

را دارند

تأملی درباره شناساندن ائمه به کودکان با کتاب لازم است امانداریم

الهام اسماعیلی
نویسنده



**شخصیت
ائمه
قابلیت این
را دارد که به
عنوان**

**یک پکیج
کامل از
ویژگی های
انسان کامل**

**به کودک
و نوجوان
ارائه شود،
فقط کافی**

**است دست
از نوشتن
روایت های
تکراری**

**برداشته،
به منابع
مختلف که
برای بیان**

**ابعاد مختلف
زندگی ایشان
وجود دارد،
رجوع کنیم**

بهترین زمان تکثیر برای بگونیا، بهار و تابستان است. برای تکثیر به روش قلمه ساقه، ابتدا باید بستر کشت با خاک سبک (پرلیت و پیت ماس) آماده کرد؛ سپس باید یکی از شاخه های گیاه (بدون گل) را به طول تقریبی ۱۰ سانتی متر به صورت اریب برش داد. برگ های انتهایی قلمه ساقه حذف شده تا انرژی گیاه صرف ریشه دهی شود. بهتر است قلمه انتخابی دارای حداقل دو گره (محل اتصال برگ به ساقه) باشد.

پس از قرار دادن قلمه در بستر کشت، باید در محیط نیمه سایه قرار گیرد؛ همچنین توجه به تأمین رطوبت به ریشه زایی بهتر بگونیا کمک خواهد کرد.

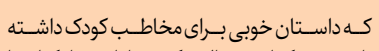
ذکر این نکته حائز اهمیت است که این روش تکثیر بیشتر در گونه های بگونیا با ساقه های ایستاده و ساقه دار مثل هیمالیسی و عروس جواب می دهد.

قلمه برگ برای انواع بگونیا های خزنده با برگ های کوتاه مناسب است، مثل بگونیا مخملی یا رگس. برای این کار برگ هایی با عمر متوسط انتخاب شده و روی بستر کشت (کوکوپیت و پرلیت) قرار می گیرد. پس از آن بهتر است سطح گلدان با پلاستیک سوراخ دار پوشانده شده تا رطوبت خاک از دست نرود. بهتر است در طول این ۳ الی ۴ هفته تا ریشه دهی، محیط نگهداری گرم باشد. پس از ریشه دهی و تشکیل گیاهچه می توان گیاهچه را به گلدان منتقل کرد.

تقسیم بوته با ریشه را معمولاً در هنگام تعویض گلدان انجام می دهند و بیشتر در گونه های بگونیا رگس، مخملی و ببری مورد استفاده است. از عارضه های نگهداری بگونیا، پلاسیده شدن و بی حالی برگ ها است که می تواند به علت کمبود یا بیش بود آبیاری باشد، در صورت آبیاری کم باید آبیاری کامل صورت گیرد به طوری که آب از زیر گلدان خارج شود (در غیر این صورت فقط سطح خاک مرطوب می ماند که این موضوع به مرور باعث پوسیدگی ریشه و مرگ گیاه خواهد شد)؛ در صورت آبیاری بیش از حد هم باید اجازه داد تا خاک گلدان کاملاً خشک شده و بعد با یک برنامه آبیاری منظم شرایط گیاه را تغییر داد.

زرد شدن برگ های بگونیا؛ گاهی با توجه به تکمیل دوره رشدی گیاه صورت می گیرد و طبیعی است و گاهی هم آبیاری زیاد یا کمبود مواد مغذی خاک این عارضه را ایجاد می کند. کود دهی بیش از حد و خشک بودن هوای محل نگهداری بگونیا می تواند باعث ایجاد لکه های قهوه ای و سوختگی برگ ها باشد. از آنجایی که بگونیا به نور زیاد برای رشد و زندگی اش نیاز دارد، کمبود نور یا قرار گرفتن در محیط های تاریک رشد گیاه را متوقف می کند. از آفاتی که ممکن است زندگی بگونیا را تهدید کند، شته، شپشک آردآلود، کنه عنکبوتی، پشه سیاه و... است.

شته با مکیدن شیره گیاه، آن را ضعیف کرده و به تدریج از بین می برد. شپشک آردآلود مانند تکه های پنجه به ساقه و محل اتصال برگ به ساقه و حتی زیر برگ ها می چسبند و با مکیدن شیره گیاه ضعف و به دنبال آن توقف رشد گیاه را به همراه دارد. کنه تار عنکبوتی باعث چروک شدن برگ های بگونیا می شود؛ این نوع حشرات با چشم به راحتی قابل تشخیص نیستند اما با تغییرات گیاه می توان به وجود این نوع آفت در گیاه پی برد. برای از بین بردن این آفات در قدم اول باید اقدام به حذف بخش های درگیر کرد و عوامل بیماری و آفت را از گیاه دور کرده و سپس از سموم آفت کش و حشره کش که از جمله آن می توان به سم مالاتیون اشاره کرد، استفاده کرد.



زمان هایی که مادر بزرگ، پدر بزرگ ها برای بچه ها قصه می گفتند تا آنها را سرگرم کنند و با قصه ها برایشان رؤیا بسازند؛ مثل این روزها نبود که همه سواد خواندن داشته باشند، کتاب کودک را بشناسند و به قوی داستان مناسب را بخوانند.

از افسانه ها و اسطوره ها که به صورت شفاهی و سینه به سینه بین شان رد و بدل شده بود، برای بچه ها قصه می گفتند. با انقلاب اسلامی و فراگیر شدن جلسه های قرآنی و روضه ها بود که قصه های قرآن و پیامبران جای افسانه ها را گرفت. داستان های پیامبران نیز کم اعجاب آور نبودند. مادر بزرگ ها با آب و تاب و اشک چشم آنها را برای نوه های گفتند. از کارهایی که پیامبرها برای معرفی خدا، دین و ایمان آورن قوم شان می کردند. هبوط آدم، شکستن بت، سرد شدن آتش، ساخت کشتی و سوار شدن تمام موجودات، شکافتن دریا، دمیدن روح در گل، معراج، شکاف قمر و هزارها داستان متفاوت که آنها را با دین آشنا می کرد و البته برای کودک سرشار از شگفتی بود. روان شناس ها می گویند شنیدن قصه ها موجب می شود که بچه ها با روند کارها در بزرگسالی آشنا شده و به شرایط بحرانی که برای قهرمان قصه پیامبر خدا پیش آمده فکر کنند، تاب آوری شان به مرور افزایش یابد و با اتفاق های مختلف در آینده دچار فروپاشی روانی در نوجوانی یا بزرگسالی نشوند. از طرفی هم شنیدن قصه زمینه سازی برای آشنایی کودک با مفهوم دین، پیامبر و امام بود. کودک در یک جامعه دینی زندگی می کرد و این آشنایی کودک در زمان رسیدن به سن تکلیف شرعی با پیش زمینه روانی که از شنیدن داستان هریک از امام ها دارد، خود را آماده پیوستن به قهرمان آن قصه ها می کرد که در راه دین خدا فداکاری کرده بودند.

قصه کارکردهای مثبت زیادی دارد که یکی از آنها کمک به ساخت جهان ذهنی کودک است. خانواده ها با سطح متفاوت پایبندی به دین می توانستند از قصه و نمایش به عنوان ابزاری برای ایجاد علاقه به دین در کودک شان استفاده کنند تا او در قصه های مختلف به همذات پنداری با شخصیت های متنوع بپردازد. فرصت ناب ارتباط بی واسطه با امام از طریق شنیدن یا خواندن داستانی تاریخی بود.

اما حالا این روزها با انواع نظریات کارشناسی و تنوع فراوان در انتشار کتاب کودک روبه رو هستیم. والدین احساس نیاز به بررسی های همه جانبه کتاب و محصولات فرهنگی قبل از رسیدن به دست و اندیشه کودک می کنند.

نگران مواجهه کودک با انواع ناهنجاری ها متناسب با فرهنگ شان و تبدیل آنها به آسیب هستند و تا حدی مانع شنیدن آن قصه ها در کودکی می شوند. با گذشت سن و بزرگ تر شدن بچه ها آنها با این حجم از تنوع محصولات کمتر سراغ کتاب و آن هم با موضوعات دینی می روند. پیدا کردن کتاب دینی

که داستان خوبی برای مخاطب کودک داشته باشد، نیز کم است، البته که تیراژ انتشار کتاب با موضوع مذهبی از سایر موضوع ها بیشتر است ولی پیدا کردن قصه ناب که شامل تمام عناصر داستان بدون نتیجه گیری و پندآموزی باشد، در این آشفته بازار سخت است. اکثر داستان های مذهبی و مرتبط با ائمه، داستان هایی از کرامت های ایشان در حق مردم یا دادن پندهای خیلی خاص به افراد در طول حیات شان بوده که کاربردی برای کودک یا نوجوان امروزی ندارد. گاه نوجوان آن را چون یک افسانه از سرزمین اعراب می خواند. کودک و نوجوان تشنه خواندن یا دیدن آنها در مדיوم سینما است. شخصیت ائمه قابلیت این را دارد که به عنوان یک پکیج کامل از ویژگی های انسان کامل به کودک و نوجوان ارائه شود، فقط کافی است دست از نوشتن روایت های تکراری برداشته، به منابع مختلف که برای بیان ابعاد مختلف زندگی ایشان وجود دارد، رجوع کنیم. این امر نیاز به یک محقق نویسنده دارد که تمایل به ساده سازی مطالب برای کودک و نوجوان داشته باشد و به ارائه تصویری جذاب از امامان برای زندگی در این عصر دیجیتال علاقه مند است.

حال از هر سو که به کتاب نگاه می کنیم، برای شناخت امامان و ساخت ارتباط شخصی با ایشان، ابزار مطمئنی است. در خواندن کتاب و شنیدن قصه است که کودک می تواند تصویر خاص خودش از امام و جهان ذهنی با ولایت ایشان را بسازد. وقتی که تصویر شخصی ساخته شد، حالا قلاب رابطه هم ایجاد می شود، قصه هایی که بزرگنمایی زندگی از این ارتباط ها ساخته می شود که این پیوند را محکم می کند. کتاب خوب می تواند اطلاعاتی در باب زندگی فردی، اجتماعی امامان دهند. کودک با خواندن داستان ارتباط عاطفی، معنوی، با امام می سازد که در آینده موجب الگوسازی درست و اخلاق مدار در زندگی او خواهد شد.

البته با خواندن کتاب است که نگاه تاریخی نسبت به دین در او شکل می گیرد. درست است که کودک و نوجوان این عصر اهل تصویر و رسانه است و کمترین میزان توجه در سال های اخیر را به کتاب دارد. ولی خوب است به او یادآوری کنیم که برای ساخت یک انیمیشن، بازی، فیلم یا هر محتوا تصویری دیگری به یک طرح نوشته شده نیاز داریم.

برای ساخت اثری تصویری از امامان و آشنا کردن کودک عصر دیجیتال با ایشان، نیاز به یک فیلمنامه، بازینامه یا یک متن تأیید شده هستیم. یعنی از هر طرف که نگاه کنیم پایه هر کدام از این موارد، داستان یا محتوا ممتنی است که از سوی یک نویسنده آشنا با هر دو فضای یعنی رسانه و ذهن کودک نوشته شده باشد. روایت یک قصه صادقانه و محققانه می تواند در باور پذیر کردن شخصیت و ارتباط با امامان بسیار مؤثر باشد.



**پیدا کردن
کتاب دینی
که داستان
خوبی برای
مخاطب**

**کودک داشته
باشد، نیز
کم است،
البته که تیراژ
انتشار کتاب**

**با موضوع
مذهبی
از سایر
موضوع ها**

**بیشتر است
ولی پیدا کردن
قصه ناب
که شامل**

**تمام عناصر
داستان بدون
نتیجه گیری
و پندآموزی**

**باشد، در این
آشفته بازار
سخت است**

آموزش پخت یک میان وعده ترد و کم شیرین

کوکی کره‌ای دیاموند

یا شیرینی الماس نشان



فائزه صدیقی

نویسنده



از عوامل موفقیت در اندازه‌گیری عدم تبدیل واحدها و استفاده از ابزار گفته شده در دستور منبع است، پس برای این دستور از ترازوی آشپزخانه استفاده کنید

کوکی کره‌ای دیاموند (diamond cookie) شیرینی کره‌ای، ترد، کم شیرین و بسیار خوش مزه است که طرز تهیه آسانی دارد. خمیر این شیرینی ماندگاری بالایی دارد و شما می‌توانید از هفته‌ها قبل آن را آماده کنید و به همین دلیل یک گزینه مناسب برای پخت شیرینی‌های عید نوروز است.

مواد لازم (هم دما محیط)

کره ۱۰۰ گرم
پودر قند ۴۰ گرم
زرده تخم مرغ یک عدد
آرد ۱۳۰ گرم
وانیل یک چهارم قاشق چای خوری
پسته ۴۰ گرم (قابل حذف)
شکر سفید (برای غلظاندن) ۱۰۰ گرم

چند نکته در خصوص مواد اولیه

از عوامل موفقیت در اندازه‌گیری عدم تبدیل واحدها و استفاده از ابزار گفته شده در دستور منبع است، پس برای این دستور از ترازوی آشپزخانه استفاده کنید.

پسته در این دستور قابل حذف است یا می‌توانید از همین مقدار شکلات چیپسی، بادام درختی، بادام زمینی، بادام هندی، فندق، گردو، کرنبری، قیصی یا برگه زردآلو استفاده کنید. همچنین برای تنوع بیشتر می‌توانید خمیر را دو قسمت کنید و برای هر قسمت بیست گرم خشکبار متفاوت در نظر بگیرید.

برای این دستور می‌توانید از کره حیوانی (کره صبحانه) یا کره گیاهی سوپرمارکتی (مارگارین) یا مخلوط هر دو استفاده کنید. دقت کنید که برای این دستور کره سنتی، کره لاکتیکی، کره کم چرب، روغن جامد و روغن صاف قابل استفاده نیستند. آرد را اندازه‌گیری کرده، الک کنید و کنار بگذارید. الک کردن به بهتر شدن بافت نهایی کوکی کمک می‌کند.

طرز تهیه کوکی کره‌ای دیاموند

کره هم دما محیط و پودر قند را در کاسه تمیزی ریخته، اول چند ثانیه با کندترین دور همزن برقی هم بزنید تا پودر قند در هوا پخش نشود، سپس مواد را سه دقیقه با دور متوسط هم بزنید تا به شکل کرمی در بیاید. دقت کنید که در این کوکی نیازی به هوادهی مواد نداریم پس مواد را با سرعت بالا یا به مدت زمان زیاد هم نزنید.

نکته: در صورت استفاده از همزن ایستاده از سری پدالی استفاده کنید.

در ادامه زرده تخم مرغ را به همراه وانیل اضافه کرده، در حد مخلوط شدن با دور متوسط همزن برقی هم بزنید. آرد را در دو مرحله به مخلوط اضافه کنید و با کندترین دور همزن برقی، فقط و فقط تا مرحله‌ای هم بزنید که آرد به شکل گلوله‌ای شکل در بیاید، هم زدن بیشتر باعث به روغن افتادن خمیر



برای این دستور می‌توانید از کره حیوانی (کره صبحانه) یا کره گیاهی سوپرمارکتی (مارگارین) یا مخلوط هر دو استفاده کنید. دقت کنید که برای این دستور کره سنتی، کره لاکتیکی، کره کم چرب، روغن جامد و روغن صاف قابل استفاده نیستند

برای سینی دونگته وجود دارد، اول اینکه به هیچ وجه سینی را چرب نکنید، چربی موجود در سینی باعث پیشروی کوکی‌ها و پهن و دفرمه شدن آنها می‌شود، پس به جای چرب کردن از کاغذ روغنی، ورق نسوز یا مت سیلیکونی استفاده کنید. نکته دوم اینکه سینی شیرینی پزی که در لوازم قنادی‌ها با جنس آلومینیومی، گالوانیزه یا نفلون به فروش می‌رسد را تهیه کرده و از سینی خود فر استفاده نکنید. این را بدانید که فقط در چند مارک خاص فر، امکان استفاده از سینی خود فر برای شیرینی پزی وجود دارد.

کوکی‌ها را از فریزر خارج کرده، روی سینی شیرینی پزی بچینید و به همان شکل یخ زده در فر گرم شده قرار دهید. سپس آنها را به مدت پانزده دقیقه بپزید، بعد سینی را روی توری خنک کننده قرار دهید و تا خنک شدن کامل به کوکی‌ها دست نزنید زیرا تا قبل از سرد شدن شکننده هستند.

نکته مهم: حتماً و حتماً قانون دو کوکی را اجرا کنید. یعنی قبل از پخت کل سینی، همان طور که کوکی‌ها در فریزر قرار دارند، دو کوکی را با دما ۱۸۰ و زمان ۱۵ دقیقه بپزید، اجازه دهید دو کوکی به دما محیط برسند و سپس آنها را تست کنید و در صورت نیاز زمان پخت را سه دقیقه کمتر یا بیشتر کنید.

شرایط نگهداری

در صورت خنک بودن دما منزل، کوکی‌ها را در ظرف دربسته، در دما محیط نگهداری کنید و در صورت گرما هوا، در ظرف دربسته در یخچال بگذارید. ماندگاری کوکی‌ها یک هفته است.

از اینکه این آموزش را تا انتها با من همراه بودید از شما سپاس گزارم. امیدوارم لحظات شیرین زندگیتان هر روز بیشتر از روز قبل باشد.

و خراب شدن آن می‌شود. مواد را با نوک انگشتان تا جایی ورز دهید که به شکل خمیری شکل در بیاید و در صورت تمایل، خشکبار را به خمیر اضافه کنید و تا حدی خمیر را ورز دهید که خشکبار در خمیر پخش شود. دقت کنید که زیاد ورز دادن خمیرهای کره‌ای باعث چربی پس دادن و خشکی نهایی کوکی‌ها می‌شود.

خمیر را به شکل لوله‌ای با قطر چهار سانتی متر فرم دهید و دور آن را سلفون (محافظ غذا) بکشید و به مدت حداقل چهار ساعت و حداکثر دوازده ساعت در یخچال قرار دهید. دقت کنید که با گذاشتن خمیر در یخچال، سطح مماس با طبقه یخچال صاف شده و گردی خمیر از بین می‌رود و شکل نهایی خمیر دیگر زیبا نیست، برای جلوگیری از صاف شدن خمیر، بعد از سلفون کشیدن، خمیر را در لیوان گرد یا لوله دستمال توالت قرار دهید و بعد در یخچال بگذارید.

بعد از استراحت اول، خمیر را از یخچال خارج کرده، سلفون را باز کنید، در بشقابی شکر سفید بریزید و خمیر را در شکر بغلتانید. سپس خمیر را روی یک سینی گذاشته و آن را برش‌های یک سانتی بزنید. برای اینکه فشار چاقو خمیر را مسطح نکند و از زیبایی خمیر کم نشود، بعد از هر بار برش زدن کمی خمیر را بچرخانید. کوکی برش زده را روی یک تخته کار بچینید و به مدت یک ساعت در فریزر بگذارید تا کاملاً سفت شود.

نکته: برای شیرینی پزی نوروزی می‌توانید خمیر را تا این مرحله آماده کنید، روی کوکی‌ها سلفون (محافظ غذا) بکشید و در فریزر بگذارید و در روز قبل از عید آنها را بپزید. خمیر کوکی به شرطی که خوب پیچیده شده باشد و بوی ناخوشایندی نگیرد تا دو ماه در فریزر ماندگاری دارد.

فر را روی ۱۸۰ درجه سانتی گراد معادل ۳۵۰ درجه فارنهایت روشن کنید تا گرم شود. اگر فر گازی دارید برای مطمئن شدن از دما فر و تنظیم آن، از دماسنج فر مارک خوب استفاده کنید. کوکی‌ها را روی توری در طبقه وسط بپزید. اگر از فر برقی استفاده می‌کنید بسته به مارک فر، یکی از گزینه‌های کانوکشن، کانوکشن بالا و پایین، یا المنت بالا و پایین را انتخاب کنید. در فر برقی پخت را در طبقه دوم (از پایین) انجام دهید و دما را حدوداً

بیست درجه کمتر از فر

گازی قرار دهید.

سینی شیرینی پزی

را آماده کنید.





درباره مواجهه مجردها با مسائل ازدواج در شبکه‌های اجتماعی

با اجازه، فضا مجازی

سارا مؤمنی
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

من: آن کاربری که پاسخ

می‌دهد

خودمان را جای کسی ببینیم که این سؤالات را در شبکه اجتماعی دیده و می‌خواهد پاسخ بدهد. نادیده نگرفتن و پاسخ ندادن اومی تواند دلایل مختلفی داشته باشد، به طور مثال با هدف جلب کاربران دیگر و کسب محبوبیت و بیشتر شدن فالوور پاسخ خنده‌دار بدون هدفی بدهد، یا مغرضانه اما رسمی پاسخی جدی بدهد و دیگران را گمراه کند، یا واقعاً مسأله خودش را در سؤال مطرح شده ببیند و در عین دادن پاسخ‌های دیگران رانیز ببیند و با آنها هم وارد گفت‌وگو شود. اگرچه علت آخر می‌تواند یک هم‌فرازی میان کاربرانی که دور این سؤال جمع شده‌اند ایجاد کند، چون سؤال درباره یک مسأله شخصی، انتزاعی و خاص است، کارکرد خاصی که موتور محرکه او برای انتخاب یک رفتار باشد، ندارد.

من: آن کاربری که سکوت می‌کند

مسأله اصلی من این گروه است. گروهی گسترده، خاموش و ساکن ماریچ سکوت که اغلب زمان و توجه‌شان در فضای مجازی است، از آن اثرمی گیرند و اغلب سعی در تعامل یا پاسخ ندارند. فردی که در این گروه کاربران است، سؤال رامی ببیند، به فکر فرومی رود، بدون پاسخ دادن، یا پاسخ بقیه کاربران رامی ببیند و وفاداری توجه‌اش به مسأله به قدری زیاد می‌شود که ساعت‌ها درگیر آن شده و از ترس، نگرانی و اضطراب حتی اگر تصمیمی هم برای زندگی خود گرفته باشد، آن را عقب می‌اندازد یا حتی لغوش می‌کند. این همان خطری است که شبیه یک موج نامرئی، بخش زیادی از کاربران را با خود برده و جریان را خاموش از افراد غرق شده در مسائل چالشی روزمره می‌کند و وفاداری توجه آنها به آن مسأله کوچک و گاهی نامرتب باعث شده که آن مسأله در ذهنشان تبدیل به یک چالش و بحران بزرگ شود و فراموش می‌کنند که تفاوت موقعیت و ویژگی‌های هر فرد درباره یک مسأله (اینجا ازدواج) نتایج متفاوتی دارد؛ قرار نیست همه به یک سرنوشت دچار شوند، قرار نیست یک نسخه برای همه پیچیده شود و برای همه جواب بدهد و قرار نیست سؤال و پاسخ‌های آن نقش مهمی در انتخاب و زندگی ما ایجاد کند.

سرعت گیر و سراب‌های مجازی را بشناسیم

ما هنوز هم می‌توانیم جزو هیچ کدام از این سه گروه بویژه گروه سوم نباشیم، اما همچنان کاربران مختلفی هستند که جزو گروه اول یا دوم هستند. از راهکارهای مهم برای مواجهه با آنها، کارهای کوچک اما اثرگذاری مانند نادیده گرفتن، پاسخ ندادن، پسند (لایک) نکردن سؤال و پاسخ، کنترل زمان برای حضور در شبکه، پیگیری پاسخ‌ها نبودن و در یک کلام گذر کردن است.

شبکه اجتماعی شبیه جاده‌ای است که مبدأ و مقصد آن خود ما هستیم. جاده‌ای که سرعت گیر و سراب‌های متعدد دارد. برخی اخبار، مسائل و سؤالات مطرح شده در آن شبیه سرعت گیری هستند که باید آنها را دید، به آنها توجه کرد و آرام از آنها گذشت و برخی سراب‌هایی است که باید زود متوجه آنها شد و از آنها گذشت.



«توجه» وفادار ما به شبکه‌های مجازی

یک مبحث نظری در علوم ارتباطات و رسانه به نام «اقتصاد توجه» وجود دارد و من کلمه «وفاداری توجه» را از آن گرفتم. «سایمون» از نظریه پردازان مهم علوم اجتماعی است که ایده کلی اقتصاد توجه را مطرح کرد. رسانه‌ها محتوا محورند و محتوا به خودی خود ارزش اقتصادی ندارد اما چون محتوا توجه و زمان انسان‌ها را مصرف می‌کند، بنابراین رسانه‌ها بویژه رسانه‌های جدید برای موفقیت‌شان در رقابت و تلاشند که توجه و زمان بیشتری از مخاطبان بیشتری را جلب خود کنند. منظور من هم از وفاداری توجه، بیش از اندازه بودن توجه یک فرد به یک مسأله است. همین مسأله انتشار سؤال و نوشته‌های کوتاه در شبکه‌ها را در نظر بگیرید؛ عادت روزمره به نوشتن یا خواندن آنها و نشان دادن واکنش در طولانی مدت، بخش زیادی از زمان و توجه ما را به خود جلب کرده که این وفاداری توجه ما به آن، فایده چندانی هم بر ایمان ندارد.

من: آن کاربری که مسأله را منتشر می‌کند

خود را جای کسی ببینیم که این سؤالات را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کند. علتش ممکن است دلایل مختلفی مانند فالوور گرفتن بیشتر، محبوبیت بیشتر یا حتی واقعاً رسیدن به پاسخ باشد. مجال صحبت درباره دو علت اول در این یادداشت نیست؛ اما علت سوم که اتفاقاً مهم‌ترین علت است، قابل توجه و بحث است. در گذشته کم و کیف بسیاری از مسائل مرتبط با ازدواج منحصراً در اختیار خانواده بود و برای همین بسیاری از مسائل بدون توجه به عمقی که داشتند، در قالب حرمت، احترام، فرمانبری از بزرگ‌ترها و غیره در کوتاه‌ترین زمان حل می‌شدند. آرام آرام خانواده هسته‌ای از خانواده گسترده جدا شد و پس از آن گروه دوستی بیشترین اثر را در تصمیمات جوانان برای کم و کیف ازدواج داشتند، کمی جلوتر فقط خود دوزخ ماندند و تصمیمات‌شان؛ اما انگار انسان نمی‌تواند از اجتماعی بودن خودش دست بکشد، پس به اجتماع بازگشت. نه آن اجتماع تعمیلی، بلکه اجتماع جدیدی که خود انتخابش کرد؛ حضور در شبکه مجازی و گفت‌وگو با افرادی که ممکن است هیچ وقت در جهان بیرون آنها را ملاقات نکنند. بنابراین فرد با تصور اینکه می‌تواند بدون بازخواست شدن یا مورد نقد قرار گرفتن یا محدود شدن، مسائل مختلفش را با شبکه در میان بگذارد، مشورت بگیرد و بر مبنای آن تصمیم بگیرد، شروع به طرح مسائل مختلف ناملموس می‌کند، غافل از اینکه نه تنها پاسخ و اثر آن انتشار برای هر فرد متفاوت است، بلکه پاسخ‌هایی که دریافت می‌کند هم متناسب با موقعیت خودش نیست و حاصل هر دوی این‌ها، سردرگمی، اضطراب، نگرانی و ناتوانی در انتخاب درست و تصمیم درست است.

مسائل مختلف زندگی از قاب رسانه‌ها کامل نشان داده نمی‌شوند؛ یعنی ابعاد ناملموس اما مهم‌شان که تصویری ندارند، قربانی ابعاد ملموس و قابل مشاهده آنها می‌شود. به طور مثال «ازدواج» آنچه را که رسانه از ازدواج به شما ارائه می‌دهد، در نظر بگیرید.

لباس عروس، داماد، ماشین عروس، دسته گل، تالار، شیرینی، طلا و جشن آن بخش‌های ملموسی از ازدواج هستند که تصویر دارند و قابل مشاهده هستند.

و بر مبنای این تصاویر کلماتی مانند خوشبختی، آینده،

جوانی و زندگی در ذهن ما نقش می‌بندد. اما بخش‌های ناملموس ازدواج پشت این تصاویر پنهان می‌شود؛ به طور مثال «تفاهم» و «درک» را در نظر بگیرید؛ رسانه‌های چاپی و تصویری مختلف ساعت‌ها و روزها درباره این دو کلمه برنامه تولید می‌کنند و در نهایت این مفاهیم انتزاعی تصور متفاوتی در ذهن هر کدام از ما دارد.

حالا شبکه‌های اجتماعی این امکان را فراهم کرده که این بخش ناملموس از هر مسأله در قالب کلمات، گفت‌وگو و قابل لمس شود. اما همیشه این اتفاق، یک امکان و فرصت نیست و گاهی تبدیل به تهدید شده و آسیب‌زایی غیر قابل جبران دارد.

مواجهه مجردها با مسائل ازدواج در شبکه اجتماعی

همیشه اینطوری نیست که شبکه‌های مجازی شبیه یک مشاور مهربان کنار ما باشند و ما را از تبعات تصمیم‌های مان آگاه کنند. اینطوری هم نیست که زمان زیادی داشته باشیم و به خودمان اجازه جبران بدهیم. اتفاقی که می‌افتد، مواجهه خود و دیگران با مسأله‌ای است که به واسطه شبکه اجتماعی ناخواسته زیادی بزرگ و مهم و اثرگذار شده است.

حتماً شما هم با این مسأله در شبکه اجتماعی مواجه شدید که کاربران سؤالات مختلف و مسائل مختلفی را کوتاه اما اثرگذار مطرح می‌کنند و نظر دیگران را در این باره می‌پرسند.

اینجا مشخصاً منظورم افراد مجرد جامعه و مسأله ازدواج است. مثلاً این سؤال «آه خونه نداشته باشه، زنش می‌شی؟»، «آه که قدش بلند نباشه باهاش ازدواج می‌کنی؟»، «آه فلان ماشین رونداشت چی؟»، «آه خواست باهاش مهاجرت کنه چی؟» و بسیاری اگرهای دیگر که هر کدام جهانی را در ذهن خود نویسنده و دو دسته مخاطبانش ایجاد کرده و آنها را دچار چالش می‌کند.

این مسأله سه سردارد، یک سرکاربرانی هستند که به هر دلیلی چنین سؤالاتی مطرح می‌کنند.

یک سرکاربرانی هستند که سؤالات آنها را می‌بینند و پاسخ می‌دهند و یک سرهم کاربرانی هستند که سؤالات آنها را می‌بینند، اما سکوت می‌کنند.

نمی‌خواهم به طور کلی این نوع تعامل و مصرف شبکه‌های اجتماعی را مضربدانم، بلکه در اینجا فقط از مضرات آن و آن هم درباره یک گروه خاص و یک مسأله خاص صحبت می‌کنم.

اگرچه آسیب این آگاهی سطحی مجازی شاید در ابتدا چنین ارتباطات اجتماعی، معمولی، ساده و روزمره به نظر برسد؛ اما «وفاداری توجه ما» به آنها می‌تواند اثر طولانی مدتی روی ما، تصمیمات، انتخاب‌ها و سبک زندگی ما بگذارد.

گزارش

موفقیت تاریخی، دستاوردهای ناوگ ۸۶



کنعانی: مأموریت بی نظیر و موفقیت آمیز ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش متشکل از ناوشکن دنا و ناوبندر مکران در مأموریت ۳۶۰ درجه‌ای به دور کره زمین که حدود هشت ماه به طول انجامید، نقطه عطفی در تاریخ دریانوردی، نیروی دریایی کشور و حضور مقتدرانه و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، امنیت ساز جمهوری اسلامی ایران در آب‌های بین‌المللی است

بلند جمهوری اسلامی را در دریا به دنیا نشان داد تا برای نخستین بار ایران در باشگاه قدرت‌های بزرگ دریایی جهان قرار بگیرد.

وی ادامه داد: امروز بیشترین منبع غذا، بیشترین مواد خام برای تولید و... همگی از دریاست و بنا بر تأکید قرآن باید آنها را از دریاها استخراج کنیم. ذوالقدر با تأکید بر اینکه کشتی‌های بزرگ همچون کوه و حرکت آنها آیه و نشانه الهی است و این کشتی‌ها از نعمت‌های خداوند است، گفت: در روایات اهل بیت هم همچون آیات قرآن درباره دریا و لزوم استفاده از آن سخن گفته شده است. وی خاطر نشان کرد: پیامبر اکرم (ص) زمانی که می‌خواهد درباره اهل بیت مثال بزند از کشتی نام می‌برد: «اهل بیت من همچون کشتی نوح است، هرآنکه سوار بر این کشتی شود نجات پیدا می‌کند و هرآنکه دوری کند غرق خواهد شد.»

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه غربی‌ها از نعمت کشتی به خوبی استفاده کردند، گفت: در دوران استعمار غربی‌ها بر کشتی‌ها سوار شدند و بر دیگر کشورها تسلط پیدا کردند. در دوران معاصر آمریکا تحت تأثیر نظریه‌ای در مورد قدرت دریایی، با تشکیل ناوگان‌های بزرگ بر اقیانوس‌های بزرگ مسلط شد؛ البته بعد از آنها کشور چین هم با استفاده از ظرفیت دریایی خود از طریق بنادر توانست یک جهش اقتصادی در کشورش ایجاد کند.

ذوالقدر تأکید کرد: ایران چه در گذشته و چه در سال‌های بعد از انقلاب گرفتار غفلت تاریخی شد و از این موضوع مهم با وجود ظرفیت‌های بزرگ بهره کافی نبرد.

وی بیان کرد: اخیراً با توصیه و تأکید رهبر معظم انقلاب، سیاست‌های توسعه دریامحور ابلاغ شد و این امر مبنای کار جمهوری اسلامی برای توسعه قرار گرفت، لذا در همین سیاست‌ها ذکر شده است که برای ۱۰ سال، رشد اقتصاد دریا باید دو برابر رشد اقتصادی کشور باشد. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد: امیدواریم با پیاده شدن این سیاست‌ها، تلاش دولت و دستگاه‌ها، این غفلت تاریخی و عقب‌ماندگی جبران شود و از ظرفیت دریاها برای توسعه کشور استفاده کنیم. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر اینکه پیش‌نیاز توسعه دریامحور امنیت دریایی است، گفت: در بستر امنیت است که پیشرفت و توسعه حاصل خواهد شد، چراکه در خصوص توسعه دریامحور بی‌واسطه با تهدیدات دشمنان و رقبا مواجه هستیم.

نیروی دریایی ایران قدرت اول در منطقه است

وی عنوان کرد: امروز حریف ما نیروی دریایی کشورهای منطقه نیستند، زیرا قدرت اول در منطقه نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران است و ما قدرت‌های بزرگ را حریف خودمان

محمد حسین طارمی

نویسنده

همایش ملی تبیین ابعاد و دستاوردهای ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش که پس از ۸ ماه دریانوردی با هدف طی یک دور ۳۶۰ درجه‌ای دور کره زمین در اردیبهشت سال جاری در اسکله بندرعباس پهلوگیری کرد، با حضور مسئولان لشکری و کشوری در مرکز همایش‌های کوثر سازمان عقیدتی-سیاسی ارتش برگزار شد.



و ایجاد اشتغال و در نهایت رشد اقتصادی خواهد شد. فرمانده نیروی دریایی ارتش با تأکید بر اینکه اقتصاد دریامحور و توسعه آن برای کشور ما بسیار پراهمیت است، اظهار کرد: به معنای جامع کلمه، نگاه امروز ما به اقتصاد باید اقتصاد اقیانوسی باشد و برای رسیدن به آن تلاش کرده و این امر مهم را هدف‌گذاری کنیم.

امیر ایرانی خاطر نشان کرد: اکثریت کشورهای نگاهشان به اقتصاد اقیانوسی است چراکه این امر سبب شکوفایی خواهد شد و کشورهای در حال توسعه می‌توانند از این امر در راستای شتاب‌دهندگی کشور استفاده کنند. وی افزود: اقتصاد اقیانوسی موضوعی است که امروز گفتمان اقتصاد دریا را برای کشورهای پراهمیت کرده است و در ۲۰ سال آینده همه موضوعات را پوشش خواهد داد. فرمانده نیروی دریایی ارتش در پایان با اشاره به فرماندهی رهبر معظم انقلاب در مورد اهمیت دریا گفت: ما نباید از سایر کشورهای عقب بمانیم، لذا اگر آنها در حال توسعه هستند ما هم باید به رشد بسیار بالا برسیم.

پیش‌نیاز توسعه دریامحور، امنیت دریایی است

دکتر محمد باقر ذوالقدر، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در این همایش ضمن قدردانی از نیروی دریایی ارتش در راستای برگزاری این همایش گفت: نیروی دریایی ارتش با این اقدام بزرگ موقعیت نذاچارا در سطح دنیا به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی مطرح کرد و دست

ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش متشکل از ناوشکن تمام‌ایرانی دنا و ناوبندر مکران پس از ۸ ماه دریانوردی و طی بیش از ۶۵ هزار کیلومتر مسیر دریایی که با هدف طی یک دور ۳۶۰ درجه‌ای دور کره زمین بود، پهلوگیری کرد.

این ناوگروه پس از اعزام به مأموریت دور کره زمین از مبدأ بندرعباس، در نخستین ایستگاه در بندر بمبئی هند توقف کرد و سپس با عبور از خلیج بنگال و تنگه مالاکا در جاگارتا پایتخت اندونزی پهلو گرفت.

پس از این توقف، ناوگروه با ادامه مسیری به سمت دریای جاوه و عبور از تنگه ماکاسار و دریای سلبس، برای نخستین بار در تاریخ دریانوردی نظامی ایران پا به عرصه وسیع و پهناور اقیانوس آرام گذاشت و با عبور از بیشترین عرض اقیانوس آرام و گذر از کنار جزایر میکرونزی و پولینزی به سمت تنگه ماژلان در جنوب قاره آمریکا حرکت کرد و با عبور از این تنگه وارد اقیانوس اطلس جنوبی شد و سپس با حرکت به سمت شمال و عبور از سواحل شیلی، آرژانتین، اروگوئه و برزیل، نهایتاً در بندر ریودوژانیرو نیروی برزیل پهلوگیری کرد که این پهلوگیری مصادف با یک صد و بیست و یکمین سالگرد برقراری روابط ایران و برزیل بود.

ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش پس از توقف چند روزه در ریودوژانیرو با عبور از عرض اقیانوس اطلس در شهر کیپ‌تاون آفریقای جنوبی پهلوگیری و در این شهر نیز چند روزی توقف کرد و پس از آن طی یک دریانوردی حدوداً ۴۰ روزه، در بندر صلاله عمان پهلوگیری کرد.

صلاله آخرین ایستگاه ناوگروه ۸۶ نذاجا پیش از رسیدن به ایران بود و دریادلان ایرانی پس از جدا شدن از اسکله صلاله به سمت کشورمان حرکت کردند و نهایتاً ظهر چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه سال جاری وارد آب‌های سرزمینی کشورمان شدند. ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش پس از ۸ ماه دریانوردی و کسب یک موفقیت تاریخی برای کشورمان در اسکله بندرعباس پهلوگیری کرد.

اقتدار جهانی با همت ایرانی

به همین منظور همایش ملی تبیین ابعاد و دستاوردهای ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش با شعار «اقتدار جهانی با همت ایرانی» با حضور مسئولان لشکری و کشوری از صبح شنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۴۰۲ در مدت ۲ روز در مرکز همایش‌های کوثر سازمان عقیدتی-سیاسی ارتش جمهوری اسلامی برگزار شد. این همایش با هدف روشنگری، گفتمان سازی و بصیرت‌افزایی مأموریت ناوگروه ۸۶ نذاجا برگزار شد. ابعاد تجربیات و دستاوردهای راهبردی، سیاسی، امنیتی و دیپلماسی دریایی؛ تجربیات و دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی؛ تجربیات و دستاوردها در حوزه هدایت و راهبری؛ تجربیات و دستاوردها در حوزه دانش و تحرک؛ تجربیات در دستاوردهای



اکثریت کشورها نگاهشان به اقتصاد اقیانوسی است چراکه این امر سبب شکوفایی خواهد شد و کشورهای در حال توسعه می‌توانند از این امر در راستای شتاب‌دهندگی کشور استفاده کنند

امیر دریادار ایرانی: در همان مقطعی که این ناوگروه در سواحل امریکا و جهان پرچم ما را به اهتزاز در آورده بود، جایگاه ایران را به عنوان یک قدرت بزرگ در جهان اسلام و منطقه به تثبیت رساند



به زودی با تکمیل فرایند پیش تولید و تکمیل فیلمنامه، کار ساخت فیلم سینمایی فاخری را برای این حماسه بزرگ آغاز خواهد کرد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: در حوزه موسیقی نیز قرار است یک سمفونی ویژه درباره این حماسه تولید و در سالگرد این حرکت ملی ارائه شود. محمد مهدی اسماعیلی تصریح کرد: اقدام غرور آفرین ناوگروه ۸۶ زمانی رخ داد که دشمنان این مرز و بوم در راهبرد کلان خود، اقدام به پشیمان سازی و ندامت از گذشته افتخار آفرین و ناامید سازی نسبت به آینده ای غرور آفرین کرده بودند؛ در چنین فضای است که اقداماتی نظیر سفر ناوگروه ۸۶ به دور دنیا معنا و جلوه بیشتری پیدا می کند. وی با اشاره به فعالیت های نظامی در دوره سیاه رژیم گذشته تأکید کرد: نزدیک به ۶۰ هزار مستشار امریکایی، همه حوزه های نظامی ما را در آن دوره در اختیار گرفته بودند و فرزندان غیور ایرانی را حداکثر در مناصب پایین و حاشیه ای به کار گرفته و با نگاه تحقیر به آنان می نگریدند.

محمد مهدی اسماعیلی با بیان اینکه انقلاب اسلامی ایران و نهضت بزرگ امام راحل، فضای نوینی را پدید آورد، گفت: در بخش نظامی، فرزندان غیور این مملکت با دستان خالی توانستند هشت سال در برابر همه دنیای استکبار و استعماری ایستادگی و مقاومت کنند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: دشمن یعنی از همه امکانات، تجهیزات نظامی، جاسوسی، بمب های ممنوعه و حمایت های نظامی غرب و شرق برخوردار بود؛ اما جوانان ایرانی در این جنگ با رشادتهای خود اجازه ندادند که حتی یک وجب از خاک ما از دست برود و مسیر افتخار آفرینی آنان همچنان نیز ادامه دارد که اکنون نیز جمهوری اسلامی ایران در حوزه ادوات نظامی و ساخت تجهیزات دفاعی جزو کشورهای انگشت شمار در دنیا در حوزه فناوری های نوین است. وی در پایان با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران، قدرت برتری است که بسیاری از قدرتهای برتر سنتی و مدرن دنیا محتاج تعاملات نظامی و دفاعی با ما هستند، گفت: با تغییر فضای فکری فرزندان این مرز و بوم و شکل گیری تفکر «ما می توانیم»، اقدام ناوگروه ۸۶ و فرماندهان شجاع نیروی دریایی ارتش، یکی از این نمونه اقدامات مهم در راستای اقتدار آفرینی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی هستند که تحت تدابیر داهیانه مقام معظم رهبری، برگ زرینی را به کتاب قطور افتخارات جمهوری اسلامی اضافه کردند.

نبود، اگر نگویم بیشتر هم بود». وی ادامه داد: ارکان و مؤلفه ها و عناصر قدرت ملی وابسته به یکدیگرند و پیشرفت و تقویت هر کدام از آنها علاوه بر تأثیر در دیگر مؤلفه ها، موجب تقویت کلیت نظام و جایگاه کشور در عرصه نظام بین الملل خواهد شد. کنعانی ادامه داد: دیپلماسی دفاعی با فعالیت ها و تلاش های متنوع، یکی از مهم ترین ابزار دولت ها در راستای رسیدن به اهداف مطلوب، بدون بهره گیری از نیروی قهریه نظامی است.

وی افزود: اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی، اکنون پشتوانه ای محکم برای دیپلماسی همسایه محور، متوازن و پویای دولت است و در عین حال نیروی بازدارنده در مقابل چالشگران متجاوز، طمع کار و بی منطقی است که سودای تعدی به منافع و امنیت ملی ایران و ایرانیان را دارند.

سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: هم اکنون وابستگی نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سفارتخانه های ما در تعداد قابل توجهی از کشورهای دنیا حضور داشته و عضو مؤثری از تیم دیپلماسی خارجی توسعه محور و صلح جوانه جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود.

تولید آثار سینمایی در راستای نمایش دستاوردهای ناوگروه ۸۶

دکتر محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در همایش ملی تبیین ابعاد و دستاوردهای ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش، ضمن تبریک به مناسبت ایام ماه شعبان و اعیاد بزرگی که در این ماه قرار دارند، با اشاره به تلاش های مجموعه نیروی دریایی ارتش در شکل گیری سفر تاریخی ناوگروه ۸۶ به دور دنیا گفت: افتخاری که ناوگروه ۸۶ طی سال جاری برای کشور عزیزمان آفرید را باید به عنوان یک حماسه ماندگار بزرگ در تاریخ جمهوری اسلامی ایران ثبت کرد.

دکتر محمد مهدی اسماعیلی با این بیان اینکه کارگروهی در مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در راستای پوشش و ثبت این حماسه ملی تشکیل شده است، افزود: به دلیل اهمیت بالای این اقدام و ضرورت در ثبت آن، با همکاری شورای فرهنگ عمومی کشور، روزی را در تقویم رسمی نامگذاری کردیم و تلاش کردیم تا این اتفاق مهم را وارد زندگی رسمی و روزمره همه مردم ایران بکنیم. وی با اشاره به اقدامات دیگری که در راستای تبیین دستاوردهای این حرکت بزرگ در حال انجام هستند، گفت: سازمان سینمایی

پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در جمع افتخار آفرینان غیور نیروهای مسلح بویژه نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران هستیم. وی افزود: ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران همواره به شجاعت ها، دلوری ها و دستاوردهای نیروی مسلح و بویژه دریادلان ارتش افتخار می کنند. کنعانی ادامه داد: مأموریت بی نظیر و موفقیت آمیز ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش متشکل از ناوشکن دنا و ناو بندر مکران در مأموریت ۳۶۰ درجه ای به دور کره زمین که حدود هشت ماه به طول انجامید، نقطه عطفی در تاریخ دریانوردی، نیروی دریایی کشور و حضور مقتدرانه و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، امنیت ساز جمهوری اسلامی ایران در آب های بین المللی است. وی افزود: همان طور که فرماندهی معظم کل قوا فرمودند، این کار شما مصداق آیه شریفه «واعداوالم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل» بود.

سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران علاوه بر حراست و حفاظت از مرزهای آبی کشور، مأموریت حفاظت از امنیت و منافع ایران در دریاهای آب های بین المللی را نیز بر عهده دارد و شما دریادلان با انجام چنین مأموریتی نشان دادید که نه تنها در آب های خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر بلکه در هر نقطه ای از دنیا از خلیج عدن تا دریای کارائیب آمادگی دفاعی از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را دارید.

وی ادامه داد: مأموریت موفق ناوگروه ۸۶ در عین صلح جوانه بودن و ارسال پیام های دوستی به بسیاری از کشورهای در طول مسیر و نیز نمایش توانایی و آمادگی جمهوری اسلامی ایران در کمک به صلح و امنیت بین المللی، در عین حال به کشورهای سلطه جو و زورگوشان داد که دست اندازی به منافع جمهوری اسلامی ایران در هر نقطه از دنیا بی پاسخ نخواهد ماند و نیروی مقتدر دریایی ارتش در کنار و دوشادوش سایر قوای مسلح جمهوری اسلامی ایران، هر اقدامی را که علیه منافع ملی کشور باشد، بی پاسخ نخواهند گذاشت.

سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: آمادگی، اقتدار و نمایش قدرت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نه تنها در عرصه نظامی بلکه در عرصه دیپلماسی، تولیدکننده قدرت و ظرفیت ملی و موجب عزت و اقتدار میهن اسلامی می شود و باز همان گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: «ارزش سیاسی کار شما از ارزش نظامی اش کمتر

در حوزه تخصصی خود یک فرمانده کاملاً مردمی و دوست داشتنی میان آحاد کارکنان نیروی دریایی است که با گوشت و پوست و استخوان خود تخصص دریانوردی را لمس کرده است و احساس مشترکی با نیروهای خود دارد. سخنگو و دبیر هیأت دولت ادامه داد: مسأله دوم که مقام معظم رهبری هم به آن اشاره کردند «نگاه ما می توانیم» بود؛ حتی بعضی از دوستان با تردید به طرح مأموریت ناوگروه ۸۶ نگاه می کردند اما نگاه ما می توانیم که یکی از دستاوردهای خیلی خوب این حرکت بزرگ و در امیر دریادار ایرانی و تک تک اعضای ناوگروه ۸۶ کاملاً مشهود بود، موجب انجام این مأموریت بزرگ شد. خیلی جالب است آن روزی که توفیق داشتم و میهمان کارکنان ناوگروه ۸۶ بودم، کارکنان ناوگروه خیلی علاقه مند بودند عملیات های بزرگ تری را انجام دهند. نگاه ما می توانیم امروز در مجموعه های مختلف کشور بویژه در نیروهای نظامی زنده شده و یکی از الگوهای ما می توانیم در نیروی دریایی ارتش کاملاً مشهود است. بهادری جهرمی اظهار داشت: مسأله سوم و وحدت کلمه است. وقتی عزیزان نیروی دریایی را در مجموعه های مختلف و به طور خاص در ناوگروه ۸۶ می دیدیم، ناظر بیرونی احساس می کند داخل یک خانواده رفته و این مسأله بسیار باارزشی است؛ مجموعه های نظامی معمولاً صرفاً با شاخصه های اقتدار، توان رزمی، انضباط نظامی و وجاهت رسمی شناخته شده اند که در کنار همه اینها که مجموعه نیروی دریایی در حد اعلا آن برخوردار هستند، رسمیت ها و جدیت های نظامی هرگز مانع وحدت، مودت، دوستی، عطف و رفاقت خانواده نیروی دریایی نشده است و تصور نمی کردم که وقتی وارد یک یگان نظامی بشوم با چنین رفاقت و نزدیکی ای مواجه شوم. وی اظهار داشت: این دوره ۲۳۲ روزه یک دوره تعلیم و تربیت و یک دوره رشد فضایل اخلاقی برای اعضای ناوگروه بود که به واسطه حس مودتی که بین کارکنان ناوگروه ایجاد شده حتی کسانی که در طول مأموریت دچار کسالت شده بودند علاقه داشتند به مأموریت ادامه بدهند.

اقتدار دریایی، پشتوانه محکمی برای دیپلماسی متوازن دولت

دکتر ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز در این همایش، گفت: بسیار خرسندم که در روزهای فرخنده اعیاد شعبانیه و عید چهل و پنجمین سالگرد

می دانیم. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام بیان کرد: توانمندی های نیروی دریایی ارتش در امنیت کشتیرانی در دریای عمان و بالای مدار ۱۰ درجه و در اقیانوس هند و سایر اقیانوس ها بسیار پراهمیت بوده، همچنین حضور در دریای سرخ برای مقابله با دزدی دریایی که به یک معضل بین المللی تبدیل شده بود با حضور نیروی دریایی ارتش حل شد و همچنان این حضور باقی است.

ذوالقدر خاطر نشان کرد: انجام مأموریت های جسورانه و شجاعانه توسط نیروی دریایی ارتش از جمله برگزاری رزمایش های مشترک با قدرتهای دریایی بزرگ همچون روسیه و چین و نیز سفر افتخار آمیز ۳۶۰ درجه با ناوگروه ۸۶ برای نخستین بار، همگی نمایانگر تغییر و ارتقای تراز قدرت دریایی جمهوری اسلامی است. وی با اشاره به اینکه باید با حضور در دنیا توسعه قابلیت های ساحلی خود را با اجرای سیاست های توسعه دریامحور اثبات کنیم، گفت: دریا و اقیانوس ثروت عمومی و خدادادی است و همه ملت ها و کشورها بویژه کشورهای ساحلی از آن برخوردار بوده و باید به آن دسترسی داشته باشند. این ثروت برای قدرت های استکباری نیست و برای همه ملت هاست.

ذوالقدر در پایان تصریح کرد: مأموریتی که شما آغاز کردید در اوج نابوری نه تنها از سوی دشمنان که از سوی خودی ها هم کسی باور نمی کرد این امر به سرانجام برسد. سفر دور دنیا هم با یک ناوگروه با تراز پایین که شدنی هم نبود، اما شما دلاور مردان نیروی دریایی با همه سختی ها و در اوج نابوری آن را اجرایی کردید.

«ما می توانیم» یکی از دستاوردهای ناوگروه ۸۶ بود

دکتر علی بهادری جهرمی سخنگو و دبیر هیأت دولت در همایش ملی تبیین ابعاد و دستاوردهای ناوگروه ۸۶ نداجا با بیان اینکه توفیق پیدا کردم کمتر از یک شبانه روز میهمان ناوگروه ۸۶ باشم و غیر از گزارش هایی که شنیده بودیم و خوانده بودیم، خیلی روز خاطره انگیزی بود و نکاتی به ذهن من رسید که چه عواملی باعث شد ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی از این مأموریت سخت و مهم که دور زدن به دور دنیا بود و حدود ۸ ماه به طول انجامید سر بلند بیرون آید، به بررسی نکاتی در این زمینه می پردازم. وی گفت: نکته اول، فرماندهی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران است که در عین تخصص، تجربه و پیشکسوت بودن



تاریخ



انتخاب خرازی
آغاز تحویلی بزرگ
در جنگ بود، او با
احداث خط دفاعی
شیر، از نفوذ دشمن
از طریق کارون
جلوگیری کرد

فتح قله‌های افتخار و شرف

نفسه‌زاری
نویسنده و پژوهشگر



آغاز جنگ تحمیلی آن‌هم برای یک انقلاب تازه نفس بسیار دشوار بود، خیلی از تحلیلگرهای سیاسی و بین‌الملل در مصاحبه‌های مطبوعاتی و تلویزیونی شان معتقد بودند این ضربه نهایی برای فروپاشی یک نظام نوپا خواهد بود اما ابتکار عمل رزمندگان اسلام و ایجاد خط مقاومت در منطقه جنوب کشور که مورد سخت‌ترین تهاجم دشمن بعثی‌ها قرار داشت در مدت زمان نه‌چندان طولانی ورق را به نفع ایران برگرداند. شاید کمتر کسی بداند که او لیسین و پایدارترین مقاومت‌های جنوب، ابتکار عمل علمدار لشکر امام حسین شهید حاج حسین خرازی باشد.

تیپ به‌طور کامل در جزایره تار و مار شدند.

دست در دست خدا

سقوط خرمشهر داغ بزرگی بر جان ایران بود، خرازی و نیروهایش در عملیات بیت‌المقدس سهم به‌سزایی در تحقق رؤیایی آزادی خونین شهر داشتند، سپهبد شهید صیاد شیرازی سال ۷۱ و در سالگرد آزادسازی خرمشهر درباره شهید خرازی می‌گوید: در قرارگاه صدای شهید خرازی را از بی‌سیم شنیدیم که می‌گفت اجازه بدهید با یک گردان وارد خرمشهر شویم اما به وی گفتیم، مگر می‌شود با یک گردان چند لشکر روبه‌رو شد. به هر صورت او اصرار می‌کرد، ناخودآگاه به او اجازه دادیم، پس از ساعتی دوباره وی با بی‌سیم گفت، عراقی‌ها تسلیم شدند و ما باورمان نمی‌شد، زیرا واقعاً این کار باورکردنی نبود که انجام دادند.

تبدیل ناممکن‌ها به ممکن

اسکله نفتی الامیه مقرر صدور نفت عراق در خلیج فارس بود، با فشار بر شاه‌رگ‌های اقتصادی دشمن می‌شد جلوی پیشروی اش را گرفت، عملیات کربلای سه برای تصرف این اسکله صورت گرفت، یک گردان غواصی و یک گردان سوار شناور تحت فرماندهی حاج حسین در شب و در میان امواج و جزر و مد آب‌های خلیج همیشه فارس دست به عملیات زدند و پس از سه روز نبرد، بالاخره با انهدام اسکله به سواحل وطن بازگشتند شهید خرازی در سخنرانی درباره این عملیات دشوار و پیچیده این‌گونه گفت: ما آمدیم از اسلام دفاع کنیم اگرچه همه ما شهید شویم، ما نیامدیم پیروز بشویم، ما آمده‌ایم به تکلیف عمل کنیم ما همین امروز آماده‌ایم.

شهادت هنرمردان خدا

حسین خرازی سرانجام در منطقه عملیاتی شلمچه و نهر جاسم در منطقه عمومی عملیات کربلای

از کردستان به جنوب ایران

با شروع جنگ خرازی که برای آرام کردن غائله کردستان به آنجا رفته بود عازم جنوب شد و از سوی سردار رحیم صفوی به فرماندهی منطقه عملیاتی دارخوئین منصوب شد. انتخاب خرازی آغاز تحویلی بزرگ در جنگ بود، او با احداث خط دفاعی شیر، از نفوذ دشمن از طریق کارون جلوگیری کرد، مجله نصر اصفهان درباره نقش او در جبهه دارخوئین این‌گونه می‌نویسد:
حسین خرازی فرمانده جبهه دارخوئین و هم‌زمان او در عملیاتی برنامه‌ریزی شده در طول چندین ماه سرانجام موفق شدند مواضع لشکرزهی در شمال منطقه سرپل، نیروهای بعثی عراقی در شرق جاده اهواز به آبادان را درهم بشکنند و حماسه‌ای به وجود آورند که نقش بسیار مؤثری در روند سیاسی و نظامی آن مقطع جنگ تحمیلی ایفا کرد. در این عملیات خرازی به‌عنوان فرمانده در نوک حمله قرار گرفت و تا زمان شهادتش همیشه خط شکن بود. این عملیات باعث افزایش آموخته‌های سلسله عملیات الگو شد، به عبارت دیگر این عملیات زمینه‌ساز عملیات ثامن الائمه و شکست حصر آبادان شد.

ابتکار جنگی در تیپ امام حسین (ع)

حسین خرازی با تشکیل تیپ امام حسین (ع) و حضور مؤثر این نیرو در عملیات طریق‌القدس اثبات کرد در میدان ابتکار بر هر چیزی می‌چربد، در عملیات مولای متقیان رزمندگان این تیپ، پس از ۱۴ روز مقاومت سخت از منطقه جزایره حفاظت کردند، قدرت فرماندهی حسین خرازی در جزایره چنان مؤثر بود که خالد حسین النقیب یکی از افسران ارشد عراقی در جزایره می‌نویسد: در آن موقعیت آرزوی مردم به‌جای مرگ تدریجی یک‌بار و برای همیشه از دنیا بروم. درصحنه رویارویی تیپ‌های ویژه با نیروهای ایرانی، متجاوز از ۱۰



سردار رحیم صفوی: این برادر عزیزمان حسین، ۲۳ بهمن آمد به کمیته دفاع شهری اصفهان و من به او گفتم نگهبانی بلدی و او گفت من سربازی هم رفته‌ام به هر حال او از یک روز بعد از انقلاب فعالیت نظامی خود را شروع کرد و در جنگ‌های گنبد، کردستان و سپس سراسر جنگ تحمیلی با حضور مؤثر خود، تعیین‌کننده بود



سردار شهید حاج حسین خرازی در کنارت امام محمد رضا مهدوی کنی در حاشیه یکی از بازدیدهای ایشان از جبهه‌های جنگ

در قامت یک مسلمان

میل به مسائل دینی حسین را با اسلام ناب شیعی و مبارزه آشنا کرد و با حساسیت در شرایط خفقان دوران پهلوی کتاب‌های اسلامی را مطالعه می‌کرد، وقتی دیپلمش را در اصفهان گرفت کنکور داد و در دانشگاه شیراز قبول شد اما به خاطر وضعیت مالی و شرایط بد اقتصادی نتوانست ادامه تحصیل بدهد بنابراین مجبور بود مثل همه پسرهای عازم سربازی شود، قوچان مقصد خدمت بود.

حسین آنجا راحت‌تر از هر جایی به تحصیل علوم قرآنی پرداخت و با بچه مذهبی‌ها و کسانی که مثل خودش بودند حشرونشر پیدا کرد، طولی نکشید که حکومت وقت او را به همراه عده‌ای دیگر و با زور و اجبار به نبرد ظفار در عمان فرستادند. حسین که می‌دانست این جنگ، جنگ ناحقی است که در سایه ابرقدرت‌های آن دوره برپا شده است بسیار ناراحت بود و تمام آن مدت نمازهایش را کامل ادا می‌کرد، وقتی دوستان و هم‌خدمتی‌ها از او علتش را پرسیدند پاسخ داد: این سفر، سفر معصیت است و باید نماز را کامل خواند.



سردار شهید حاج حسین خرازی در حال سخن گفتن برای عده‌ای از رزمندگان لشکر پیاده امام حسین (ع) اصفهان

لیبک به مراد

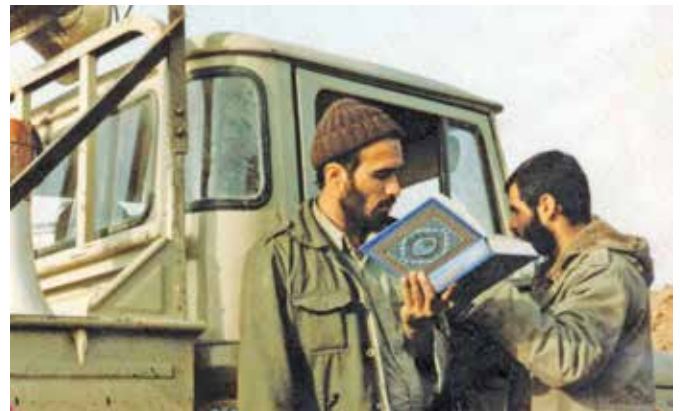
سال ۵۷ وقتی شعله‌های خشم مردم از تبعیض، فساد، جبر و وطن‌فروشی پهلوی بالا گرفت، امام خمینی (ره) فرمان داد تا سربازها از یادگان‌ها و سربازخانه‌ها بیرون بیایند و دیگر زیر پرچم ظلم خدمت نکنند، حسین آن روز با برادرش از خدمت فرار کرد و دائم در تکاپوی انقلاب بود و انقلاب اسلامی را به مثابه حکومت عدل می‌دانست و امام برایش مظهر پیرو مراد بود از همین رو بود که از همان ابتدای پیروزی لباس خدمت به تن کرد و بدون هیچ چشم‌داشتی به عضویت کمیته دفاع شهری اصفهان درآمد.

حضور در غائله گنبد و ترکمن صحرا در همان ابتدای سال ۵۸ که نهال انقلاب نیاز به حفاظت داشت، ایجاد گردان ضربت در کردستان در آخرین ماه‌های همان سال و باهدف تأمین امنیت منطقه که به دلیل حضور گروهک‌های تجزیه‌طلب با مخاطره جدی مواجه شده بود و همچنین حضور مؤثر در آزادسازی شهرهای دیواندره، سقز، بانه، مریوان و سردشت از دست افراد مسلح که مردم مظلوم آن منطقه را از زندگی ساقط کرده بودند، حاج حسین خرازی را استوارتر از سرو برای میدانی بزرگ‌تر ساخت محسن رضایی درباره فعالیت‌های او این‌طور می‌گوید: شهید خرازی در اوج درگیری‌های کردستان به آنجا رفت بعد از تسخیر کردن سنندج، همراه با علی رضاییان فرمانده قرارگاه تاکتیکی حمزه به عنوان فرماندهی گردان ضربت که از قوی‌ترین گردان‌های آن زمان محسوب می‌شد، وارد عمل شد. وی در تسخیر شهرهای دیگر کردستان از قبیل دیوان‌دره، سقز، بانه، مریوان و سردشت نقش مؤثری ایفا کرد.

پنج به شهادت رسید سردار رحیم صفوی در مراسم وداع با فرمانده لشکر امام حسین (ع) او را این‌طور توصیف کرد: این برادر عزیزمان حسین، ۲۳ بهمن آمد به کمیته دفاع شهری اصفهان و من به او گفتم نگهبانی بلدی و او گفت من سربازی هم رفته‌ام به هر حال او از یک روز بعد از انقلاب فعالیت نظامی خود را شروع کرد و در

علمدار لشکر امام حسین (ع)

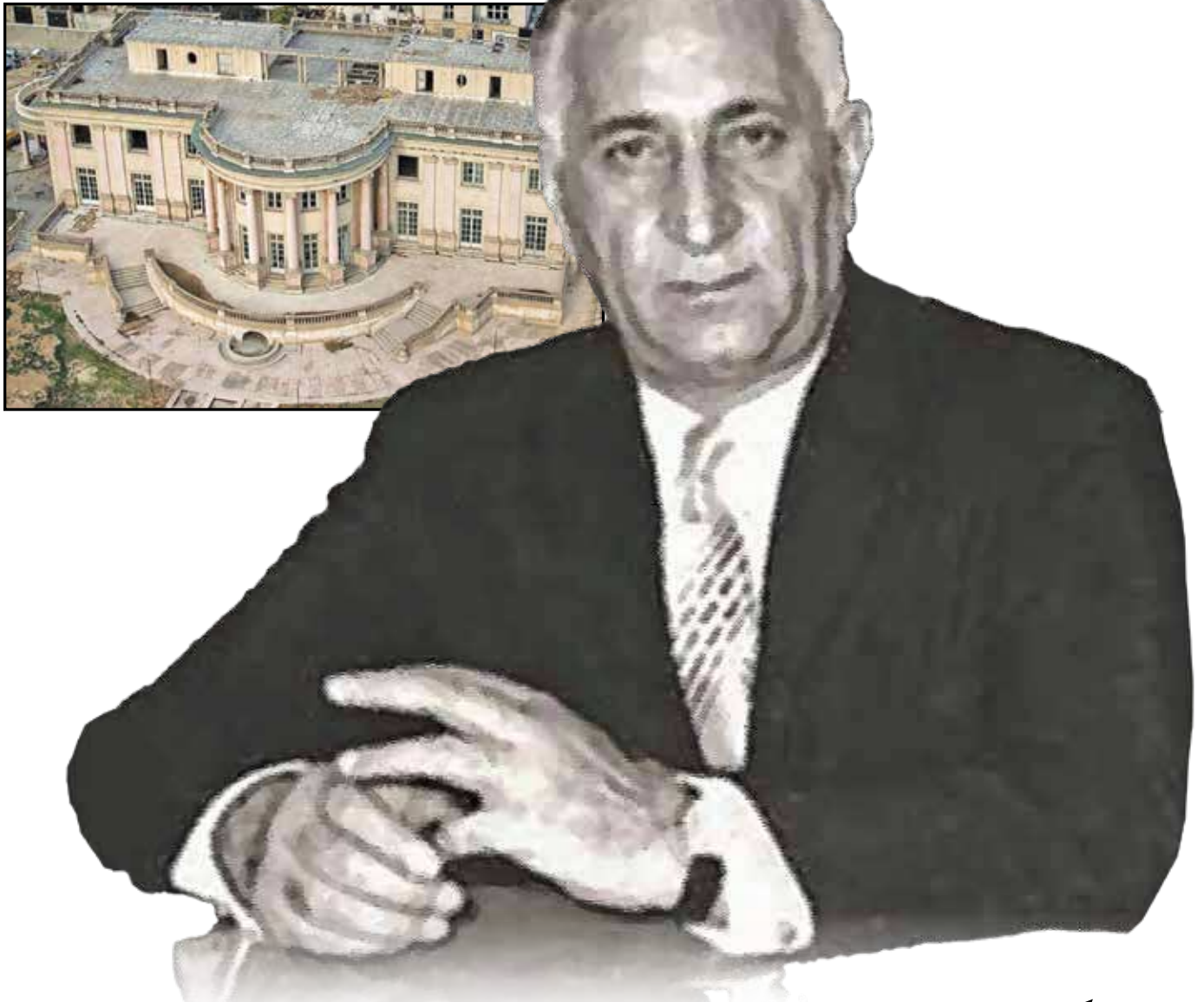
پیش‌تر از آنکه سراغ فرمانده دل‌نشین لشکر چهارده امام حسین (ع) را با جنب و جوش لهجه شیرین اصفهانی‌اش بین بچه‌های لشکر بگیریم باید از کوجه پس کوجه‌های کوی کلم اصفهان بگذریم، جایی که زندگی به دلیل تنگدستی خانواده‌ها دشوار اما دل‌ها به یاد خدا آرام و سرشار از آبی آسمان بود. مادرش می‌گوید: حسین درست در روز عاشورای سال ۱۳۳۶ به دنیا آمد و به خاطر همین اسمش را گذاشتیم حسین. از همان کودکی انگار آسمان اصفهان و سقف‌های گنبدی رو به خورشید برای او پلی به سمت خدا زده بود و او مکر مسجد سید شد، پدرش می‌گوید: موقعی که مدرسه بچه‌ها تمام می‌شد آنها را برای نماز به مسجد می‌برد. تربیت درست، حسین او را به محافل مذهبی کشاند.



سلام فرمانده

اولین گلوله که از دهان وحشی سلاحی سنگین به سوی سرزمین ما شلیک شد، حاج حسین مثل همیشه برای دفاع لباس رزم پوشید با شروع حمله بعثی‌ها عملاً هیچ خط دفاعی در منطقه نبود او با کمک نیروهای خود در حاشیه رودخانه کارون اولین خط دفاعی منطقه معروف به خط شیر را احداث کرد، حاج حسین خرازی در عملیات فرمانده کل قوا، ثامن الائمه، شکست حصرآبادان، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس حضور مؤثری داشت، اسفند ۶۲ و در جریان عملیات خیبر یک دست خود را از دست داد. سید مرتضی آوینی در وصف حاج حسین خرازی این‌طور می‌گوید: وقتی از این کانال که سنگرهای دشمن را به یکدیگر پیوند می‌داده‌اند، بگذری، به فرمانده خواهی رسید؛ به علمدار. او را از آستین خالی دست راستش خواهی شناخت. چه می‌گویم چهره ریزنقش و خنده‌های دل‌نشینش نشانه بهتری است. مواظب باش، آن همه متواضع است که او را در میان همراهانیش گم می‌کنی.





نگاهی به پرونده پرابهام حبیب ثابت پاسال؛

ترکیب یهود و بهائیت در ایران

محمد مهدی اسلامی
نویسنده و پژوهشگر

اول اسفند ۱۳۶۸، در حالی که آرزوهای سلطنت طلبان برای سقوط جمهوری اسلامی پس از ارتحال امام خمینی به شکست کامل انجامیده بود؛ مرگ حبیب الله ثابت معروف به ثابت پاسال که از چهره های برجسته حکومت پهلوی بود و ۸۶ سال در خدمت محافل فراماسونری و بهایی بود، غم دیگری برای پناهندگان لس آنجلس شد.

بهایی باریشه یهودی

حبیب ثابت از هر دو خانواده مادری و پدری از نژاد یهودی بود. اجداد او اهل شهر کاشان بودند، اما عبدالله ثابت پدر او در تهران به دنیا آمده بود. پدرش بیسواد اما از جمله تاجران پارچه یهودی در تهران بود. پدرش در اواسط عمر به فرقه جعلی بهائیت پیوست و در همین زمان، حبیب ثابت موفق شد دیپلم خود را از مدرسه سن لویی بگیرد. او بعداً راننده کامیون شد و سرانجام گارازی برای تعمیر اتومبیل

تأسیس کرد. پس از آن که توانست اعتماد ساواک را به دست آورد در همان ایام جوانی با آن که تا دیپلم بیشتر درس نخواند، اما از طریق نزدیک شدن به دربار و انگلیس توانست مدارج ترقی را خیلی سریع طی کند. برخی از شرکت ها و مؤسساتی که پاسال مالک آنها بود یا در آنها سهام داشت، عبارتند از: بانک ایران و انگلیس، بانک ایران و خاورمیانه، بانک صنعتی ایران، بانک توسعه صنعت و معدن ایران، سیمان مشهد، پلاسکوکار،

جنرال تایر و رابر، ایران فارواگ، سیکاب و فرانس پیک و... اما بیش از همه، تولید پیسی کولا او را در ایران به شهرت رساند. ثابت در سال های پس از جنگ جهانی دوم با این شرکت به توافق رسید تا ماشین آلات کارخانه بطری سازی در ایران راه اندازی کنند. بازدید شمس، خواهر بزرگ شاه از کارخانه او، مسیر را برای توسعه کارخانه های بیشتری برای تولید پیسی در خرمشهر، اهواز، رشت، مشهد، اصفهان، شیراز



جانسون معاون رئیس جمهور آمریکا و حبیب ثابت پاسال

و... فراهم ساخت. بعد از تحریم مراجع و اعلام عمومی که این نوشابه گازدار، متعلق به بهائیان است، وی نام نوشابه را به اسو (ESO) تغییر داد.

انحصار تلویزیون

در سال ۱۳۳۷ حبیب الله ثابت پاسال، تأسیس یک فرستنده تلویزیونی را به دولت وقت پیشنهاد داد و دولت نیز پیشنهاد او را پذیرفت و برای آن که کار جنبه قانونی داشته باشد، مجلس شورای ملی در ۲۹ تیر ماه سال ۱۳۳۷، ماده ای با چهار تبصره به تصویب رساند و تلویزیون او که نخستین شبکه تلویزیونی ایران بود در روز جمعه یازدهم مهرماه ۱۳۳۷ با پخش پیام شاه افتتاح شد.

راز این انحصار در آن بود که ایرج، پسر ثابت یک سیستم تلویزیون مدار بسته کوچک با خود از آمریکا آورده بود و برای مادر شاه، یک شبکه کوچک ایجاد کرد. پس از آن شاه به ثابت اجازه تأسیس تلویزیون داد و به مدیرعامل شرکت نفت نیز دستور داد تا از چنین اقدامی حمایت کند.

پس از یک سال از تأسیس، این تلویزیون برنامه های روزانه خود را به پنج ساعت در روز افزایش داد و در سال ۱۳۴۰، فرستنده دیگری در آبادان و یک فرستنده تقویتی هم در اهواز تأسیس کرد. دولت ایران ۶ سال پس از ثابت اجازه یافت تلویزیون ملی ایجاد کند.

افشاگری امام خمینی

پس از ارتحال آیت الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰، شاه تصور کرد شرایط برای اعطای بسط ید به بهائیان فراهم شده است. حکومت پهلوی به منظور اعطای قدرت به بهائیان در یکی از بندهای لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی قید اسلامیت و ذکوریت را از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان برداشت. با تصویب این لایحه اختیاری بسیاری از امور مسلمانان در دست فرقه هایی چون بهائیت قرار می گرفت و همین موضوع، یکی از اصلی ترین نقاط آغاز نهضت امام خمینی شد.

بدین ترتیب این امر منجر به واکنش خشن حکومت و برخورد سخت و نظامی با حوزه علمیه قم شد. در حالی که فضای مذهبی ایران همچنان در شوک فاجعه حمله خونین به فیضیه در سالروز شهادت حضرت امام صادق علیه السلام در فروردین ۱۳۴۲ بود که امام خمینی در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۲، با افشای اقدامات دولت برای تقویت بهائیت در ایران توسط حبیب ثابت، اسراری را فاش ساخت که کمتر مقام مسئولی در کشور از آن با خبر بود و گفت: «دولت شمامی خواهد به دست بهائی ها و اسرائیلی ها شما را از بین



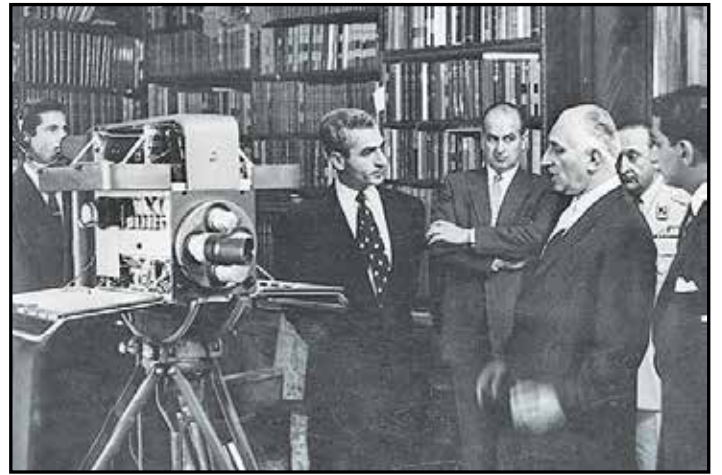
در سال ۱۳۳۷ حبیب الله ثابت پاسال، تأسیس یک فرستنده تلویزیونی را به دولت وقت پیشنهاد داد و دولت نیز پیشنهاد او را پذیرفت و برای آن که کار جنبه قانونی داشته باشد، مجلس شورای ملی در ۲۹ تیر ماه سال ۱۳۳۷، ماده ای با چهار تبصره به تصویب رساند و تلویزیون او که نخستین شبکه تلویزیونی ایران بود در روز جمعه یازدهم مهرماه ۱۳۳۷ با پخش پیام شاه افتتاح شد

ثمر حمایت از بهائیان

یکی از مصارف سرمایه‌های ثابت پاسال که همین هزینه‌ها موجب بسط پیدا و شده بود، تأمین نیازهای بهائیان و تحکیم پایه‌های آن بود. از جمله اقداماتی که ثابت پاسال در این مورد انجام داد، خرید تمامی املاک و خانه‌های اطراف حظیره‌القدس (مرکز سازمانی این گروه) در تهران بود که از شرق به خیابان نجات‌اللہی، از جنوب به خیابان سمیه، از شمال به خیابان طالقانی و از غرب به خیابان حافظ منتهی می‌شد.

او همچنین اطراف زمین‌های مشرق‌الاذکار در نزدیکی لویزان را که از جاده لشکرک تا قله کوه ادامه داشت، دیوارکشی کرد. اقدامی که هزینه آن در اوایل دهه سی چند میلیون تومان اعلام شد. ثابت پاسال در اواخر دهه ۱۳۴۰ به مرور خود را از برخی اقدامات بازنشسته کرد، برخی را به پسرانش سپرد و حمایت‌های خود از بهائیان را به هژبریزدانی واگذار کرد. او که یکی از اعضای اصلی‌ترین کانون‌های تصمیم‌گیری بهائیان ایران، تحت عنوان «مجلس ملی» بود، سال ۱۳۵۵ در پی دریافت اختراهایی در خصوص افزایش فشار به حکومت و امکان برخورد با او، از ایران به فرانسه گریخت، اما تا اسفند ۱۳۶۸ که در خاک آمریکا بود، حمایت خود را از بهائیان قطع نکرد. به عنوان نمونه در آبان ماه سال ۱۳۵۶ درست دو هفته پس از آن که در جریان سوگ عمومی انقلابیون برای فرزند فقید امام خمینی، شور انقلابی مردم شعله‌ای تازه‌ای می‌کشید؛ او از فرانسه طی نامه‌ای دو قطعه از زمین‌های خود به مساحت ۲۵۰۰ متر را به بهائیان منتقل ساخت.

پس از مرگ او، تشکیلات مرکزی بهائیان در حیف‌پایم تسلیتی به همسروی صادر کرد و او را «خادم متقدم» نامید و از کوشش‌های او در حمایت از بهائیان تقدیر کرد. ایرج و هرمز پسران او که خواندن فارسی نمی‌دانستند و هنگام فعالیت‌های او در ایران همراهش بودند، بعد از مرگ وی در حوزه سرمایه‌گذاری اقتصادی در آمریکا باقی ماندند.



بازدید شاه از تلویزیون ثابت پاسال

چنین شهرت دارد که در دوره زمامداری آقای علم امور مربوط به اقتصاد کشور طبق نظر حبیب ثابت تنظیم می‌شده. «از تداوم حمایت از او در دولت‌های بعدی خبر می‌دهد و از جمله متذکر می‌شود» در تاریخ ۱۳/۶/۴۴ اطلاعیه‌ای صادر شد که آقای حبیب ثابت عامل اصلی تقویت بهائیان می‌باشد و قرار شد یک میلیون تومان از طرف شرکت ملی نفت به نام اجرای برنامه‌های آموزشی از تلویزیون به وی داده شود. «گویا این توضیحات در پاسخ جامعه بهائیت از وی به دلیل اعلام تبریک نیمه شعبان در این شبکه بوده است؛ در حالی که از بدو تأسیس دقت شده بود تا در ایام محرم موسیقی شاد پخش شود و از هرگونه تبلیغ مسائل مذهبی اجتناب گردد و آن تبریک اقدامی غیرمترقبه بوده است.

سرانجام در ۱۳۴۷ به موجب قانونی که مالکیت فرستنده‌های رادیو و تلویزیونی را در انحصار دولت قرار می‌داد، فرستنده‌ها را به مبالغ هنگفتی به دولت فروخت و با آنکه هنگام تأسیس ایستگاه‌ها، زمین رایگان از دولت گرفته بود اما به هنگام فروش فرستنده‌ها چند میلیون تومان نیز از بابت فروش زمین‌ها از دولت دریافت کرد. در همان دوران ثروت او به حدی رسید که به دولت پیشنهاد داد امتیاز لوله‌گذاری سوخت قلم به تهران به وی واگذار شود و او با هزینه شخصی اش این کار را انجام دهد.

نفوذ اقتصادی گسترده

ثابت پاسال که می‌دانست راه نفوذ در ساختار قدرت، ایجاد رسانه و بانکداری است؛ پس از انحصار تلویزیون، با حمایت انگلیسی‌ها توانست به عضویت هیأت مدیره بانک ایران و خاورمیانه و بانک ایران و انگلیس انتخاب شود. همچنین سال‌ها نایب رئیس بانک ایران نیز بود.

یکی از عمده‌ترین عواملی که موجب ثروتمند شدن بیش از حد حبیب ثابت شد، بهره‌گیری از امکانات دولتی و وام‌های بانکی و اعتبارات داخلی و خارجی بود. کشورهای سرمایه‌داری بویژه دولت‌های آمریکا و انگلیس برای ایجاد شعبات و نمایندگی کارخانجات خود در ایران یا تأسیس مجتمع‌های مونتاژ، نیازمند مؤسسات و بانک‌های اعتباری و پشتیبانی آنها بودند و ثابت پاسال با مشارکت در بانک‌های مذکور و نیز بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، راه را برای خود باز کرده بود.

همچنین سبیطره او به صنایع پولساز تا به حدی بود که برای سکونت خود کاخی شبیه به کاخ ورسای فرانسه ساخته بود که با بیش از ۱۱ هزار و ۵۴۳ متر مربع مساحت، به عنوان گران‌ترین و بزرگ‌ترین خانه شهر تهران بود.

ببرد. شرکت نفت به ثابت پاسال بهائی، پنج میلیون تومان استفاده رسانیده که با این پول، مخارج اعزام بهائیان به لندن و تبلیغات بهایی تأمین بشود. به مردم بگوید از مالیاتی که دولت شما از شما مسلمان‌ها می‌گیرد، این مخارج را می‌کند و یهودی و اسرائیلی و بهایی را تقویت می‌کند.

این موضوع، به برنامه ثابت اشاره داشت که سفر حدود ۲ الی ۳ هزار نفر بهایی را برای شرکت در جشن‌های صدمین سال فرقه بهایی در لندن تأمین می‌کرد. حتی برای آن که مشکلی برای خروج این جمعیت بهایی از ایران وجود نداشته باشد، رئیس گمرک مهرآباد را از کار برکنار و یک نفر بهایی را به جای او گماشته بودند. در سند شماره «۱۲۸۴۴/س ت» ساواک در تاریخ دوم آبان ۱۳۴۱، درباره تدارک سفر این تعداد به لندن تصریح شده است که «جهت تسهیلات بیشتر برای رفت و آمد این اشخاص با اعمال نفوذ از طرف حبیب ثابت اخیراً رئیس گمرک مهرآباد تعویض گردیده و یک نفر بهایی به نام حصار امیری به این سمت منصوب شده است.»

جشن مزبور در ۷ اردیبهشت ۱۳۴۲ در لندن برگزار شده بود و دولت ایران به هریک از بهائیان پانصد دلار ارز از طریق بانک مرکزی داد و آنان را با هواپیما راهی لندن کرد. امام حتی این موضوع را نیز در سخنرانی خود فاش ساخته بود: «دولت شما به دو هزار نفر بهایی هریک پانصد دلار کرایه طیاره داده که به لندن بروند، جمع شوند و علیه قرآن و پیغمبر شما تصمیم بگیرند.»

هدف از تأسیس تلویزیون

هشت سال بعد از تأسیس تلویزیون و سه سال پس از افشاکری امام خمینی، در یکی از اسناد ساواک به تاریخ چهارم خرداد ۱۳۴۵، گزارش شده است که «حبیب فرزند عبدالله، شهرت ثابت پاسال، دارنده شناسنامه ۳۷۶ تهران، متولد ۱۲۸۲ [...] در تاریخ ۳۹/۱/۲۲ اطلاعیه‌ای با تقویم ب ۲ واصل شده که نامبرده در انگلستان درباره اخذ کمک برای تلویزیون ایران با مقامات انگلیسی مذاکره نموده است [...] در تاریخ ۴۴/۱۰/۴۴ نامبرده به مجلس ملی بهائیان ایران نامه‌ای نوشته و متذکر شده که هدف اصلی از تشکیل تلویزیون در ایران ایجاد کار برای جمعی از یاران (بهائیان) بوده تا به تدریج امکاناتی برای نشر افکار روحانی و معارف حکم‌اللہی (افکار بهایی) به وجود آید و به هیچ وجه برخلاف نظریات امرالہ (دستورات بهایی) اقدامی نخواهد شد.»

این سند با یادآوری اینکه «طبق اظهار یکی از بازگان بازار در محافل اقتصادی تهران



یکی از عمده‌ترین عواملی که موجب ثروتمند شدن بیش از حد حبیب ثابت شد، بهره‌گیری از امکانات دولتی و وام‌های بانکی و اعتبارات داخلی و خارجی بود. کشورهای سرمایه‌داری بویژه دولت‌های آمریکا و انگلیس برای ایجاد شعبات و نمایندگی کارخانجات خود در ایران یا تأسیس مجتمع‌های مونتاژ، نیازمند مؤسسات و بانک‌های اعتباری و پشتیبانی آنها بودند و ثابت پاسال با مشارکت در بانک‌های مذکور و نیز بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، راه را برای خود باز کرده بود



راز گنج کاخ ثابت

در آستانه چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، حسین برهمند سرپرست کل اموال منقول بنیاد مستضعفان پرده از رازی درباره کاخ متروک ثابت پاسال برداشت. وی در گفت‌وگویی با اشاره به مصادره خانه حبیب ثابت پاسال در خیابان آفریقا (جردن سابق) در اوایل انقلاب اسلامی و پیدا شدن یک مجسمه بسیار گرانبها در این محل گفت: وقتی که ما خانه این عامل صهیونیسم را در اختیار گرفتیم، سفارت رژیم عراق به ما مراجعه کرد و خواهان اجاره کردن این محل برای سفارتخانه شد و مرتب به عناوین مختلف برای اجاره کردن اصرار می‌کرد، البته یکی دو کشور دیگر هم در همین زمینه مراجعه کردند و وقتی که محل‌های مختلف پیشنهاد می‌شد، روی این خانه انگشت می‌گذاشتند که این موضوع توجه ما را جلب کرد. سرانجام مسأله خراب شدن شرفاژ پیش آمد و معلوم شد که در این خانه یک جاسازی وجود دارد که وقتی خرابش کردیم یک مجسمه طلایی بسیار گرانبها که هنوز نتوانسته‌اند قیمتی روی آن بگذارند و چند شیء دیگر که آنها هم در دنیا کم نظیر هستند، به دست آمد و معلوم شد که چارژیم [بعثی] خائن عراق آن موقع برای اجاره خانه اصرار داشت و قیمت زیادی هم پیشنهاد می‌کرد.

کتاب



اندر مصائب
یک ستون فسقلی!
چگونه از بحران
یادداشت دبیر جان
سالم به در ببریم؟

محمد علی یزدانیار
دبیر گروه کتاب

Mohammadaliyazdanyar@gmail.com

گاهی اوقات، این ستون، همین ستون فسقلی که شخصی ترین تریبون هر دبیر گروه در تمام هفته نامه است، برای من تبدیل به بحرانی بسیار بزرگ می شود. همین یادداشتی که در حال مطالعه آن هستم نتیجه هم نتیجه یکی از این بحران هاست و چون دوباره درگیر چنین موضوعی شدم، تصمیم گرفتم که یک بار هم شده از چنین درد اگر نه بی درمان حداقل سخت درمانی بنویسم که گهگاری یقه دبیر این گروه را می گیرد بنویسم.

بینید دوستان، دو دلیل عمده برای بحرانی شدن این ستون یکی آن است که واقعاً حس می کنم حرفی که دوست دارم بزنم، حرف خاصی نیست، یعنی دائم به خودم گوشزد می کنم که یک نفر، تا دکه رفته، روزنامه ایران را خریده، بعد هفته نامه ما را از میانش برداشته، چند صفحه را ورق زده و تا اینجا رسیده که من الان به او چه حرفی بزنم؟ نکنند بخوانند و بگویند این مهمالات که یزدانیار نوشته دیگر چه صیغه ای است؟ اینگونه می شود که تا بخواهم موضوعی برای یادداشت هفتگی خودم پیدا کنم، قیامتی را از سر می گذرانم. گاهی البته ماجرا از این هم بدتر است، اساساً حرفی برای گفتن ندارم، که حالا بخواهد به درد کسی بخورد یا نخورد! این اتفاق واقعاً دردناک، عمیقاً تأسف آور و به شکل غیرقابل تصویری زهرگون است! اینکه یک دست به قلم حتی «مزخرف» هم برای نوشتن نداشته باشد، اتفاقی است که هر دست به قلم فرضی ای را تا مرز جنون پیش می برد. حالت سوم که این یکی زیاد پیش می آید اما به اندازه قبلی ها دردناک نیست، این است که من موضوع دارم، مهم هم هست و اتفاقاً ذوق نوشتنش را دارم اما هرچه می نویسم خوب از آب در نمی آید. در این مورد حداقل چون اصل موضوع و محتوا فراهم است مشکل در اینکه چگونه اندیشه را به کلمه تبدیل کنم خلاصه می شود و چون ماجرا در همین حدود باقی می ماند، حل کردنش هم از دیگر موارد آسان تر است.

برای این شماره، با مشکل دوم مواجه بودم، واقعاً هیچ حرفی برای گفتن نداشتم و تصمیم گرفتم یادداشتی بنویسم که گرچه با شرایط مورد اول تطابق دارد و احتمالاً خواننده را از مطالعه اش مأیوس خواهد کرد اما حداقل صادقانه است و واقعاً بین من و شما چه چیز بهتر از صداقت؟ مگر نه؟

نیمه شعبان و دنیای کتاب

معرفی چند کتاب خوب در مورد امام زمان و زمانه ظهور

است که در زمینه امام شناسی می توان به آن رجوع کرد.

شهاب ثاقب

این کتاب که نوشته علیرضا رمضانیان است یکی از بهترین آثار منتشر شده در عرصه مهدویت است و مهم ترین هدف نگارش این اثر آسیب زدایی تحریف مفاهیم و آموزه های مهدویت و بررسی برخی آسیب هایی است که پیش از ظهور و در دوران غیبت رخ می دهد، زیرا آسیب های فرهنگ مهدویت موجب سستی اعتقاد مردم نسبت به اصل وجود امام زمان (عج) و گاهی سبب گرایش به افراد یا مجموعه های منحرف می شود.



به مناسبت میلاد امام دوازدهم ما شیعیان، برایتان فهرست جمع و جوری تدارک دیده ایم از کتاب هایی که به نوعی مرتبط هستند با امام زمان یا زمانه ظهور، امیدواریم بخوانید و لذت ببرید

آقا عید همه شما مبارک! تولد امام زمان (عج) هم مبارک! امیدوارم که این عید سعید فرخنده به شما خوش بگذرد و سالم و سلامت باشید. به مناسبت میلاد امام دوازدهم ما شیعیان، برایتان فهرست جمع و جوری تدارک دیده ایم از کتاب هایی که به نوعی مرتبط هستند با امام زمان (عج) یا زمانه ظهور، امیدواریم بخوانید و لذت ببرید.

رویای نیمه شب

ارائه اثری شده که در آن وقایع و حوادث شش ماه آخرین از سال ظهور امام مهدی (عج) را قابل بررسی و مطالعه کرده است. این کتاب هرگز وقتی برای ظهور امام زمان (عج) مشخص نکرده است، اما خوانندگان را متذکر حوادث مهم و جدی آخرین سالی می کند که امید می رود واقعه ظهور در آن اتفاق افتد. به گفته نویسنده این کتاب، نیمه دوم سالی را که آخرین سال غیبت است و به ظهور حضرت مهدی (عج) ختم می شود، به تصویر کشیده است. برای استخراج مجموعه این رویدادهای پی در پی، نویسنده به آن دسته از احادیث تمسک جسته که به تاریخ خاصی اعم از روز، ماه یا سال اشاره داشته اند که البته لازم است بگوییم که بسیاری از علائم ظهور امام مهدی را مشخص نمی کنند و از همین رو در این مجموعه چندان به آنها پرداخته نشده است.

امام مهدی (عج) موجود موعود

این کتاب که مجموعه مباحث گفتاری و نوشتاری استاد علامه جواد آملی درباره حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) است، با مقدمه ای ارزشمند از ایشان به دستداران امام زمان (عج) ارائه شده است. کتاب ذکر شده با

«رویای نیمه شب» یا نیمه شبی در حله داستانی است با صبغه دینی که با محوریت امام زمان (ع) نگاشته شده است. خلاصه داستان از این قرار است که پسری سنی به نام هاشم دل داده دختری شیعه به نام ریحانه می شود که در کودکی با یکدیگر همبازی بوده اند و از قضا ریحانه نیز دل در گرو عشق هاشم دارد. حالا پس از سال ها، در جوانی همدیگر را دیده و در پی فرصتی برای ابراز علاقه و عشق خویش هستند. پس از اتفاقاتی که برای آنها می افتد، بالاخره موفق به خواستگاری و ازدواج با یکدیگر می شوند. این داستان در کنار محور اصلی یعنی عشق هاشم و ریحانه، چند محور دیگر نیز دارد: ماجرای تشریف اسماعیل هرقلی به محضر امام زمان (علیه السلام)، گفت و گوی کلامی درباره اعتقاد شیعه به وجود امام زمان (عج) و پاسخ به چند شبهه در این زمینه، ظلم و ستم حاکمان وقت دنیای اسلام علیه شیعیان و مبارزه و مظلومیت شیعیان در دوران خلفان عباسی و اموی از دیگر مسائل چشمگیری است که در این داستان به آنها پرداخته شده است. از این منظر می توان گفت نیمه شبی در حله، یکی از موفق ترین داستان هایی است که «دین» و به طور خاص «تشیع» در متن آن قرار دارد و البته نویسنده به خوبی از عهده طرح مباحث اعتقادی و تاریخی برآمده است.

شش ماه پایانی

کتاب شش ماه پایانی ترجمه کتاب «الفجر المقدس المهدی علیه السلام وارهافات الیوم الموعود» است که نویسنده با مطالعه و تحقیق در منابع و تفحص در روایات، موفق به

یک پیشگفتار و در سه بخش کلی سامان یافته است. این کتاب یکی از مهم ترین و بهترین کتاب هایی



دائم به خودم گوشزد می کنم که یک نفر، تا دکه رفته، روزنامه ایران را خریده، بعد هفته نامه ما را از میانش برداشته، چند صفحه را ورق زده و تا اینجا رسیده که من الان به او چه حرفی بزنم؟



از منظر نسبت خریداران به جمعیت استان، استان قم با ۰٫۷۸ درصد در صدر جدول قرار دارد و تهران با ۰٫۴۴ درصد، سمنان با ۰٫۳۳ درصد و یزد با ۰٫۲۸ درصد به دنبال قم هستند. تأسّف آو اینکه هیچ استانی نتوانست نسبت خریدار به جمعیت کل خودش را به یک درصد برساند



آمار بازی با محبوب بهاره!

نگاهی به آمارهای منتشر شده از نمایشگاه مجازی کتاب ۱۴۰۲

یک نگاه کلی

اولین دوره نمایشگاه مجازی در بحبوحه کرونا و سال ۱۳۹۹ برگزار شد و حالا باور شد سخت است که اتفاق عظیمی که در سال اول افتاد در اکثر شاخص‌های آماری پایین‌ترین رتبه را در برابر سال ۱۴۰۲ دارد. محصولات عرضه شده در سال ۱۳۹۹ نزدیک به ۱۶۳ هزار و ۵۰۰ مورد بودند که این عدد در سال ۱۴۰۲ به حدود ۲۶۹ هزار و ۵۰۰ مورد رسید. تعداد خریداران هم با افزایش حدود ۱۹ هزار نفری از ۱۶۱ هزار نفر به ۱۸۰ هزار و ۵۰۰ نفر جهش کرد. در سال ۱۳۹۹ حدود یک میلیون و ۳۶۵ هزار نسخه فروش رفت و این عدد بعد از دو سال کاهش، در سال ۱۴۰۲ به حدود یک میلیون و ۳۷۰ نسخه رسید. همچنین تعداد سبدهای سفارش از ۲۲۴ هزار سبد به ۲۶۳ هزار و ۶۰۰ سبد خرید افزایش پیدا کرد. همچنین حدود ۱۱۰ هزار نفر از رفقای کتابخوان فقط در این نمایشگاه به شکل مجازی حضور داشته‌اند. نکته بسیار جذاب و جالب اینکه میان حدود ۴۹۵ هزار خریدار، تنها نزدیک به ۱۵ هزار نفر از هر چهار نمایشگاه مجازی خرید کرده‌اند و همان‌طور که حدس زده‌اید نگارنده این سطور خودش یکی از همین ۱۵ هزار تاست!

نگاهی جزئی به یک نگاه کلی

یک مرور خیلی فوری روی نمودارهای کتابچه نشان می‌دهد که گرچه آمار دو سال ۹۹ و ۱۴۰۰ در عمده موارد به هم نزدیک هستند اما در سال ۱۴۰۱ و با بازگشایی نمایشگاه حضوری، نمایشگاه مجازی بسیاری از جذابیت‌های خودش را از دست می‌دهد. در ادامه سال ۱۴۰۲ سال خیلی بهتری برای سایت فروش مجازی بود. احتمالاً یکی از دلایل اصلی افزایش اقبال به نمایشگاه مجازی باید این باشد که در این دوره کتابفروشی‌های محلی به سامانه نمایشگاه وصل شدند و موجودی آنها برای فروش در سایت عرضه شد که این خودش یعنی تقریباً تمام عناوین ناشرانی که در نمایشگاه شرکت نکرده بودند در بخش مجازی قابل سفارش و خرید بود. البته فرو نشستن ذوق حضور در نمایشگاه که دلایلش خود مقاله مفصلی می‌طلبد - هم در زمینه اقبال مجدد به سامانه فروش مجازی تأثیر درست و درمانی داشت.

چند تومان و در چه زمینه‌ای؟

این بخش را به شکل کامل و بدون کوچکترین

چند وقت پیش کتابچه‌ای با نام «اطلاعات بخش مجازی سی و چهارمین نمایشگاه کتاب تهران» منتشر شد. در این کتابچه اطلاعات مختلفی در مورد فروش بخش مجازی نمایشگاه ۱۴۰۲ منتشر شده بود، اطلاعاتی مانند میزان فروش، میانگین قیمت، فروشندگان و توزیع جغرافیایی یا مالی آنها، رویکردهای خریداران، میانگین قیمت ارائه و میانگین قیمت خرید و دریایی از آمارهای مشابه. برای این شماره برآن شدیم که نگاهی به برخی از این داده‌ها بیندازیم و البته چون ما دستمان به اینکه صرفاً برای شما خبر داده خشک بنویسیم نمی‌رود و اصلاً «پس ما اینجا چه کاره هستیم؟» در کنار این داده‌ها نیمچه تحلیلی هم برای شما خواهیم داشت که در جریان باشید چه فکری در مورد این آمار می‌کنیم و مایک موقع خدای ناکرده بابت نگفتن این حرف‌ها دچار مشکلات تنفسی نشویم. پس با ما همراه باشید.



خریدار کالای فرهنگی را حدس زد. خریدار کتاب افزایش قیمت تمام شده کتاب را با توجه به مسائل موجود دارای یک منطق مشخص نمی‌داند و به سمت کتابی گرایش دارد که قیمت بهتری را به او پیشنهاد دهد. در زمینه موضوعات، کمافی السابق «کتاب‌های عمومی» بیشترین میزان فروش را با حدود ۷۲ درصد در اختیار داشته‌اند و پس از آنها کتاب کودک با ۱۸٫۲ درصد قرار دارد. حالا اگر بخواهیم روی این آمار به شکل

دخل و تصرفی از کتابچه آماری نقل می‌کنم: «میانگین قیمت محصولات عرضه شده یک میلیون و ۶۳۰ هزار ریال و میانگین قیمت محصولات فروش رفته یک میلیون و ۲۳۰ هزار ریال است. به عبارتی میانگین ارزش محصولات عرضه شده، ۴۰۰ هزار ریال بیش از ارزش محصولات خریداری شده بوده است.» این اختلاف قیمت حدود ۲۵ درصد ارزش میانگین قیمت کتاب‌های عرضه شده است. احتمالاً بتوان از این اختلاف آماری رفتار

جزئی تری دقیق شویم، آن وقت است که کتاب کودک به صدر جدول می‌رسد و پس از آن نوبت گروه دوست داشتنی و خفن و همه چیز تمام ادبیات می‌شویم که ۱۵٫۵ درصد فروش را به خودش اختصاص داده است. رتبه‌های سوم و چهارم هم به دین و علوم اجتماعی تعلق دارد که هر کدام کمی بیشتر یا کمتر از ۱۳ درصد فروش نمایشگاه را به خود اختصاص داده‌اند.

چه کسانی خریده‌اند واقعاً؟

حالا این کتاب‌ها را چه کسانی خریده‌اند؟ طبق آمار کتابچه جوانان، که البته در کمال تعجب و احتمالاً برای راحت‌تر شدن دسته‌بندی بین ۲۰ تا ۴۰ سال در نظر گرفته شده‌اند با نزدیک به ۱۳۳ هزار نفر و ۸۹۷ هزار جلد در صدر مجلس نشسته‌اند. بعد عزیزان ۴۰ تا ۶۰ سال با ۳۱۱ هزار نفر و ۳۷۵ هزار جلد قرار دارند، بعد نوبت نوجوانان ۱۴ تا ۱۹ سال است با ۱۴ هزار نفر و ۷۱ هزار جلد. یکی مانده به آخر سالمندان عزیز بالای ۶۰ سال هستند که ۲۲۰۰ نفری شدند و روی هم ۲۴ هزار جلد هم کتاب خریدند تا نشان دهند شیر شیر است گرچه پیر بود. طبق اطلاعات کتابچه ۴۵۰ خریدار زیر ۱۳ سال هم داریم که ۳۶۰۰ جلد هم کتاب خریدند! این یکی دیگر از آن حرف‌هاست و جداناً!

مشتری‌ها کجا بودند حالا؟

آخرین آمار هم بگذاریم برای اینکه بفهمیم ساکنان چه استانی بیشتر خرید کرده‌اند. ۳۳٫۵ درصد کتاب‌های سفارش داده شده به مقصد تهران، ۹ درصد به قم، ۸ درصد خراسان رضوی، ۷ درصد اصفهان و ۴ درصد هم به کرمان ارسال شده‌اند. اما از منظر نسبت خریداران به جمعیت استان، استان قم با ۰٫۷۸ درصد در صدر جدول قرار دارد و تهران با ۰٫۴۴ درصد، سمنان با ۰٫۳۳ درصد و یزد با ۰٫۲۸ درصد به دنبال قم هستند. تأسّف آو اینکه هیچ استانی نتوانست نسبت خریدار به جمعیت کل خودش را به ۱ درصد برساند.

سخن آخر

این کتابچه اطلاعات جالب زیاد دارد، اما اینها چیزهایی بود که به نظر من دانستن‌شان بیشتر به دل می‌نشست. امیدواری شخصی من این است که نمایشگاه سال ۱۴۰۳ چه در کیفیت، چه در کمیت و چه در قیمت‌گذاری برای همه خوب و لذت‌بخش و به یادماندنی باشد!



میانگین قیمت محصولات عرضه شده یک میلیون و ۶۳۰ هزار ریال و میانگین قیمت محصولات فروش رفته یک میلیون و ۲۳۰ هزار ریال است. به عبارتی میانگین ارزش محصولات عرضه شده، ۴۰۰ هزار ریال بیش از ارزش محصولات خریداری شده بوده است



گذرا از مرز سایه خویشتن

عاشقانه‌ای در دنیای کتاب‌بازها

مصطفی جواهری

آموزگار



قصه ناتمام صدیقه

کلماتی که با شک و وضو گرفته‌اند

طاہره راہی

روزنامه‌نگار



نمی‌دانم چند ساله بودم که برای اولین بار کتابی درباره بزرگ بانوی اسلام، حضرت زهرا (س) به دست گرفته و خواندم، چیزی که بعد از گذشت این سال‌ها هنوز در ذهنم بال و پر دارد و مرا به کویچه‌های مدینه و حجاز می‌کشاند، کتابی به زبان عربی درباره اهل بیت که به زبان فارسی نیز ترجمه شده بود، کتابی با عنوان «و کانت صدیقه» به قلم «کمال السید ادیب» نویسنده توانای عرب که به اسم «بهشت ارغوان» توسط سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا) نویسنده، مترجم و شاعر، ترجمه و در سال ۱۳۷۵ توسط انتشارات پارسایان برای اولین بار در ایران چاپ و منتشر شده است.

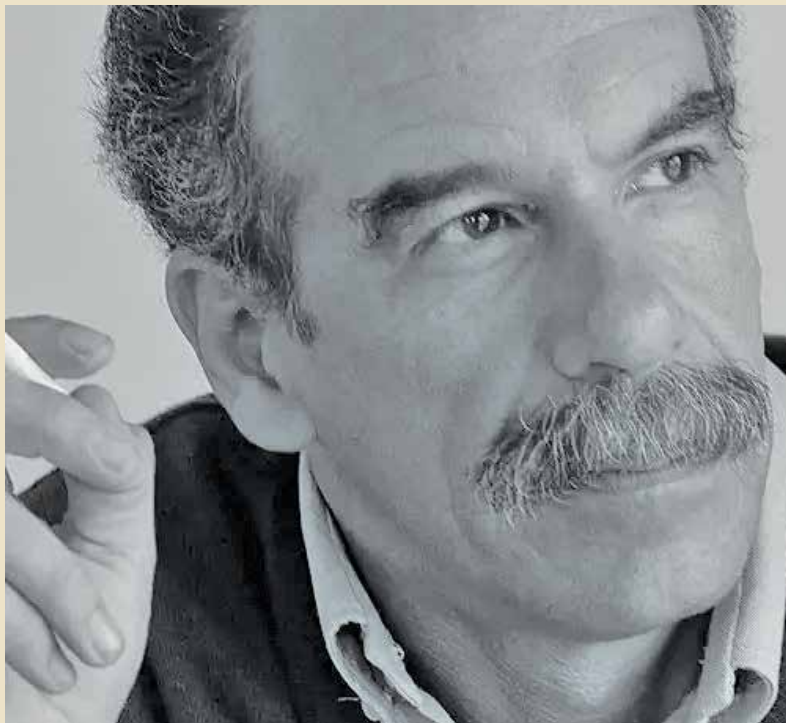
مترجم در سخن خویش که در طلوع کتاب آمده، بیان می‌دارد که «هدف نویسنده در این کتاب نه تاریخ پردازی است، نه داستان‌سازی و نه تکاپوی ادبی در هزارتوی واژه‌ها... هر چه هست، تصویر دردی است ناتمام که برای همیشه در سینه تاریخ باقی است؛ تصویر حماسه‌ای که بانوی بهشتی آفرید...» کتابی که واژه واژه بر پایه مکتوب‌ها و گفتارهای ثبت شده تاریخ نوشته، چنان که نویسنده نیز می‌گوید: این اثر واگویی‌ای سراسر حقیقی از رویدادهای تاریخی است که از مآخذی چون السیره النبویه ابن هشام، السیره النبویه ابن کثیر، المختصر فی احوال البشر ابن وردی، بحار الانوار علامه مجلسی و بیت الاحزان شیخ عباس قمی برگرفته شده است، کتابی که در ۴۰ فصل تنظیم شده و در پاورقی به برخی از منابع و عبارات عربی و... اشاره شده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «همان‌سان که شمع‌ها در دل تاریکی می‌سوزند و قطره قطره آب می‌شوند و اشک‌های سوزان خویش را جاری می‌سازند، فاطمه می‌سوخ و ذره ذره رو به خاموشی می‌رفت. اکنون، فاطمه با سکوت فریاد می‌کرد. او همانند «مریم» روزه سکوت را برگزید. علی دریافته بود که هنگامه رحلت نزدیک است و خانه‌ای که با شاخه‌های نخل در «بقیع» برافراشته بود، اینک پناهگاه فاطمه است؛ خانه‌اندوه و رنج. آن خانه به چشم خویش می‌دید شمع در حال افسردن است، ستاره در حال کوچیدن و آفتاب در حال افول...»

مخاطب در این کتاب، نه آنچنان از حقایق تاریخی دور می‌ماند نه دور از داستان و خیال است، بلکه از خیال‌انگیزی تا حدی اندک و آن هم در حاشیه اثر بهره برده است. «بهشت ارغوان» رمان گونه‌ای است که می‌کوشد تا در عرصه‌ای نوین، جنبه‌های انسانی شخصیت آن بهشتی بانوی زمینی را بازبشناساند؛ بهشتی ارغوانی که مجموعه‌ای دل‌انگیز از خاطره‌های شکوهمند و جاودانه حضرت زهرا سلام‌الله علیها را جلوه‌گر می‌سازد؛ جلوه‌هایی ژرف، تأثیرگذار و پرشور!



کتاب برای آدم کتاب‌باز، در حکم وسیله‌ای برای رشد و نجات و رستگاری است. اما همین کتاب‌ها، برای کارلوس در دسر درست می‌کنند و شخصیت مرموز داستان را به جایی می‌رسانند که برای رهایی از نگرانی‌ها و آسیب‌های روحی، دست به تصمیمی بی‌بازگشت می‌زند. والبتنه که باز هم پای عشق در میان است

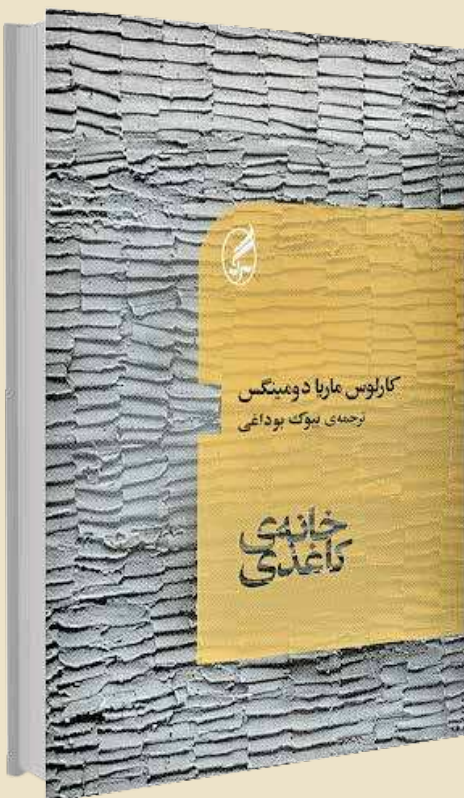


برای رشد و نجات و رستگاری است. اما همین کتاب‌ها، برای کارلوس در دسر درست می‌کنند و شخصیت مرموز داستان را به جایی می‌رسانند که برای رهایی از نگرانی‌ها و آسیب‌های روحی، دست به تصمیمی بی‌بازگشت می‌زند. والبتنه که باز هم پای عشق در میان است. خاطر هست کتاب را که تمام کردم، آن نیم‌بیت سایه آمد پشت زبانم که: «آه از آن رفتگان بی‌برگشت...»

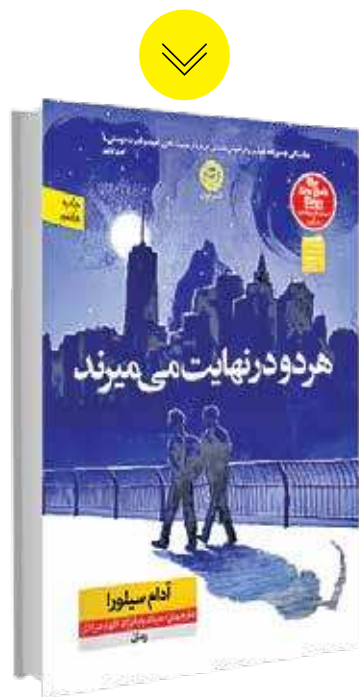
این کتاب حتماً برای من و شمایی که شیدای کتاب‌ها هستیم پیشنهاد خوبی است. خواندن از آدم‌هایی که شب و روزشان را لایبای کتاب‌ها می‌گذرانند شیرین است. آدم‌هایی که کتاب، نقش مهمی در زندگی‌شان، در عاشق شدنشان، در تعاملاتشان و حتی در مرگشان دارد.

مهم‌ترین دلیل برای برداشتن این کتاب از قفسه کتابفروشی اردیبهشت سعادت‌آباد، نام آقای مترجم یعنی بیوک بوداگی روی جلد آن بود. انتخاب‌هایی که بوداگی برای ترجمه از ادبیات لاتین داشته است، همیشه مرا راضی کرده بود. داستان بلند «خانه کاغذی» نوشته «کارلوس ماریا دومینگز» و منتشر شده توسط نشر آگه است. در اولین مواجهه با داستان زندگی زنی به نام «بلوما لئون» آغاز می‌شود، که استاد رشته ادبیات انگلیسی است. و روزی هنگام عبور از عرض خیابان، در حالی که مشغول خواندن شعری از «امیلی دیکنسون» بوده، با ماشینی تصادف می‌کند و می‌میرد. اما در واقع داستان از اینجا به آهستگی وارد زندگی دیگران می‌شود؛ استاد دیگری که جایگزین بلوما می‌شود. در دفتر کار بلوما ساکن می‌شود و کتابی مرموز به دفترش ارسال می‌شود. کتابی که از طرف بلوما به «کارلوس پروتر» اهدا شده بوده و حالا برای بلوما بازپس فرستاده شده است. کم‌کم با داستان زندگی مردی به اسم «کارلوس پروتر» آشنا می‌شویم که به گونه‌ای جنون آمیز، عاشق و دل‌مشغول کتاب خواندن است و با شوق بی‌پایان کتاب‌ها را می‌خواند؛ همین عشق بی‌پایان به مطالعه کتاب‌ها، زندگی او را دگرگون می‌کند.

کتاب، یک داستان بلند است. و یکی از ویژگی‌های درخشان این اثر، فشردگی آن است. تقریباً می‌توان به جرأت گفت که نمی‌توان هیچ جمله اضافه‌ای در کتاب پیدا کرد. داستان به طور مستقیم، در دنیای کتاب‌بازها و علاقه‌مندان به کتاب پیش می‌رود. در طول مطالعه کتاب، حتماً به کرات زیرلبی با خودتان زمزمه می‌کنید که: «راست می‌گی! دقیقاً همین‌طور...». در جایی از کتاب می‌خوانیم که: «معمولاً وقتی صاحب کتابی می‌شویم، دل‌کنند از آن برایمان سخت می‌شود. به عهدی می‌ماند که میان نیاز و فراموشی بسته شده باشد. کتاب‌ها پاره‌ای از وجود ما می‌شوند، مثل شاهدان لحظات بی‌بازگشت زندگی ما...». البته یک گره اصلی و اساسی در داستان به وجود می‌آید. کتاب برای آدم کتاب‌باز، در حکم وسیله‌ای



کتاب «بهشت ارغوان» زندگی پررنج حضرت فاطمه (س) را با زبانی داستانی و با نثری شیوا و روان به تصویر می‌کشد و به این طریق گذری هم به دل تاریخ اسلام می‌زند، رمانی دینی برپایه حقایق تاریخی که طراوت، نشاط و عاطفه‌انگیزی یک متن پرشور داستانی را نیز دربردارد



هر دو در نهایت می میرند

روایتی از کتابی که این روزها زیاد دیده می شود

کوثر باقری

روزنامه نگار



قاصد مرگ

پیغامی برای دو پسر نوجوان دارد، آنها فقط یک روز دیگر زنده هستند.

این کتاب روایتی از روز آخر زندگی متیو و روفوس است، که یکدیگر را نمی شناسند، اما با تماس قاصد مرگ، سرنوشت شان به یکدیگر گره می خورد...

این کتاب روایتی از روز آخر زندگی متیو و روفوس است، که یکدیگر را نمی شناسند، اما با تماس قاصد مرگ، سرنوشت شان به یکدیگر گره می خورد...

این کتاب روایتی از روز آخر زندگی متیو و روفوس است، که یکدیگر را نمی شناسند، اما با تماس قاصد مرگ، سرنوشت شان به یکدیگر گره می خورد...

این کتاب روایتی از روز آخر زندگی متیو و روفوس است، که یکدیگر را نمی شناسند، اما با تماس قاصد مرگ، سرنوشت شان به یکدیگر گره می خورد...

این کتاب روایتی از روز آخر زندگی متیو و روفوس است، که یکدیگر را نمی شناسند، اما با تماس قاصد مرگ، سرنوشت شان به یکدیگر گره می خورد...

این کتاب روایتی از روز آخر زندگی متیو و روفوس است، که یکدیگر را نمی شناسند، اما با تماس قاصد مرگ، سرنوشت شان به یکدیگر گره می خورد...

این کتاب روایتی از روز آخر زندگی متیو و روفوس است، که یکدیگر را نمی شناسند، اما با تماس قاصد مرگ، سرنوشت شان به یکدیگر گره می خورد...

این کتاب روایتی از روز آخر زندگی متیو و روفوس است، که یکدیگر را نمی شناسند، اما با تماس قاصد مرگ، سرنوشت شان به یکدیگر گره می خورد...

است، این داستان نتواند برای ما تأثیرگذار و آموزنده باشد.

البته باید گفت که بخش مرگ متیو، واقعاً تأثیرگذارترین بخش داستان است، زیرا شاید من انتظار داشتم که این دو تا پایان داستان راهی برای فرار از این مرگ ناگهانی پیدا کنند، ولی مردن متیو هم به روفوس و هم به همه خواننده ها ثابت کرد که راه فراری از مرگ وجود ندارد.

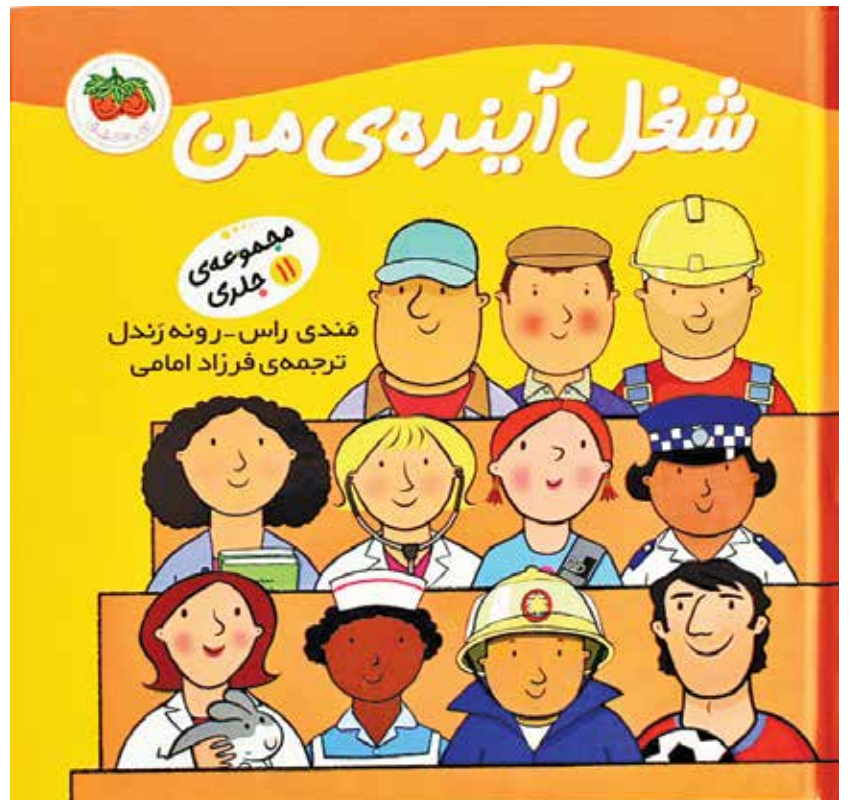
یکی از موارد دیگری که باعث شد من نتوانم از خواندن این کتاب لذت ببرم مربوط به صفحات آخر کتاب می شود. اواخر کتاب بود که نویسنده ناگهان تصمیم گرفت رابطه عاشقانه ای بین این دو پسر ایجاد کند که البته واضحاً در نسخه ترجمه حذف شده است. اما از نظر من بشدت بهوده بود و لزومی نداشت، چون از ابتدای داستان ما با یک روایت دوستانه مواجه شده بودیم و این دوستی و رفاقت بسیار طبیعی و زیبا بود و به عنوان خواننده احساس نمی کردم احساسات عاشقانه ای بین این دو نفر وجود دارد! روفوس هم از ابتدای داستان به طور واضحی هنوز عاشق دوست دختر سابقش بود، بنابراین متوجه لزوم و منطق این ماجرا نمی شوم و البته احساس می کنم با توجه به شرایط فرهنگی برخی از کشورها، این مسأله تأثیر بسزایی بر فروش این کتاب داشته است!

به طور کلی به دلیل تمام نکاتی که گفتم نتوانستم خیلی با این کتاب ارتباط برقرار کنم و هنوز هم معتقدم این ماجرای رابطه عاشقانه می تواند یکی از مهم ترین دلایل پرفروش شدن کتاب باشد. من نمی توانم خواندن این کتاب را به امثال خودم پیشنهاد بکنم، اما اگر از خواندن داستان هایی با روند آهسته و مستندگونه زندگی کردن با احساسات افراد لذت می برید، شاید خواندن آن برای شما آتقدرها هم بد نباشد.

قاصد مرگ پیغامی برای دو پسر نوجوان دارد، آنها فقط یک روز دیگر زنده هستند. این کتاب روایتی از روز آخر زندگی متیو و روفوس است، که یکدیگر را نمی شناسند، اما با تماس قاصد مرگ، سرنوشتشان به یکدیگر گره می خورد...

این کتاب روایت روز آخر زندگی دو پسر نوجوان است. اولین چیزی که در این داستان توجه من را جلب کرد ایده قاصد مرگ بود و تا به حال داستانی با این موضوع نخوانده بودم. چون این داستان، یک رمان فانتزی و تخیلی نبود و تنها یک ایلمن فراتراز از واقعیات داشت و همین مسأله توجه را جلب می کرد. داستان حدوداً سیصد صفحه تنها در یک روز اتفاق می افتاد و به شیوه ای مستندگونه تمامی احساسات درونی و افکار این دو پسر نوجوان، حتی کوچک ترین آنها را با خواننده در میان می گذاشت. این مسأله باعث شد این داستان از نظر من روند بسیار کند و گزارش گونه ای داشته باشد و اصلاً آن طور نبود که بگویم نمی توانم کتاب را زمین بگذارم اما می توانم گفت شخصیت پردازی، حداقل دربارۀ شخصیت های اصلی، نسبتاً خوب بود؛ یعنی بعد از سیصد صفحه خواندن داستان از زبان همان دونفر، می توانستی شناخت خوبی درباره شخصیت هاییشان پیدا کنی.

مسأله دیگری که مرگ در فرهنگ ما بسیار با فرهنگ غرب متفاوت است و درک برداشتی که ما از مرگ و پس از مرگ داریم، قابل مقایسه با درک آنها نیست. من احساس می کنم برای خود آنها، که شاید کمی با مرگ بیگانه هستند، دانستن این احساسات، کم بودن زمان پیش از مرگ و دانستن قدر لحظات باقی مانده می تواند بسیار مفید تر از ما باشد. ما به جهت شرایط فرهنگی و اعتقادی مان شناخت و آگاهی نسبتاً جامع تری نسبت به مرگ داریم و شاید آنطور که مد نظر نویسنده



شغل آینده من

آشنایی کودکان با شغل ها

زهرا بزرگ زاده

روانشناس کودک

با تصویرگری مناسب و متن قابل فهم و بسیار مثبت، به معرفی شغل های پلیس، آتش نشان، پرستار، پزشک، بنا، معلم، فوتبالیست، دامپزشک، راننده و... می پردازد. شیرینی این مجموعه آنجاست که همه این مشاغل با هم در یک شهر هستند؛ شهر داستانی! و شما در هر داستان نقش آفرینی چند نفر از آنها را می بینید. اتفاقاتی که در شهر می افتد و مشکلاتی که پیش می آید همگی بسیار ساده هستند و کودک را مضطرب نمی کنند. از این رو این کتاب برای سنین ۳ تا ۵ سال مناسب است و کودکان آن را بسیار دوست دارند!



چرا باید کودکان مان را با شغل ها و حرفه ها آشنا کنیم؟ شاید خیلی از شما فکر کنید، برای اینکه راه شغل آینده شان را زودتر پیدا کنند یا شناخت بیشتری نسبت به جهان اطرافشان داشته باشند. اما شاید شناخت مشاغل داده مهمتری را نیز به کودکان مان بدهد. در این نوشتار می خواهیم چند کتاب خوب برای معرفی مشاغل به کودکان ارائه کنیم و بگویم چرا باید با کودکان مان در مورد شغل ها حرف بزنیم؟

جهانی که کودک ۴-۵ ساله ما دارد در آن زندگی می کند پر از عجایب است. پراز سازه های دست بشر که کودک اگر کنجکاوی اش را از دست نداده باشد در مورد همه آنها سؤال دارد. به علاوه کلی از محصولاتی که می خوریم یا خدماتی که دریافت می کنیم در زندگی شهری کنونی، حاصل زحمت آدم هایی است که آنها را شاید هیچ وقت نمی بینیم پس این دست سؤالات باید برای کودکانمان و حتی ما به وجود آید: این بطری شیراز کجا آمده؟ این میوه ها چه طور پیش ما می آیند؟ زباله های ما کجا می روند؟ اینجاست که آشنایی با مشاغل اهمیت می یابد. وقتی کودک می داند که آدم های زیادی در شهر و روستا در حال تلاش هستند تا محصولاتی را تولید یا خدماتی را عرضه کنند، متوجه رابطه علت و معلولی میان آنچه در دست دارد و آن سلسله کارهایی که باعث شده این محصول به دستش برسد می شود و درک این مفهوم او را قادران و آگاه می کند.

مجموعه کتاب های شغل آینده من که انتشارات فندق به چاپ رسانده است، یک مجموعه ۱۱ جلدی است که



جهانی که کودک ۴-۵ ساله ما دارد در آن زندگی می کند پر از عجایب است. پراز سازه های دست بشر که کودک اگر کنجکاوی اش را از دست نداده باشد در مورد همه آنها سؤال دارد. به علاوه کلی از محصولاتی که می خوریم یا خدماتی که دریافت می کنیم در زندگی شهری کنونی، حاصل زحمت آدم هایی است که آنها را شاید هیچ وقت نمی بینیم

زنان

جشنواره فجر با عینک زنانه

بررسی آثار جشنواره فجر بانگهای به موضوعات و شخصیت‌های زنانه

نقیسه طهوری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی

شبنم قربانی برنده سیمرغ بهترین بازیگر نقش مکمل زن به همراه فرزندش روی صحنه گرفته تا شعر خوانی مارال بنی آدم با مضمون زن و مادری هنگام دریافت جایزه، همگی حاوی این پیام برای مخاطب است که خانواده برای ما مهم و ارزشمند است.

در جشنواره فجر امسال اگرچه حضور زنان فیلمساز از همیشه کمتر بود و آنسبه شاه حسینی با فیلم «دست ناپیدا» تنها کارگردان زن حاضر در جشنواره چهل و دوم بود، اما اختتامیه جشنواره پر بود از سکانس‌هایی که زنان بداهه و بدون کارگردانی آن را خلق کردند. از حضور

از یک پرونده قضایی واقعی به مضامینی چون آسیب‌های اجتماعی دوران جوانی، فروپاشی خانواده، لزوم توجه خانواده به ارتباط صمیمی با فرزندان و نیز دقت به روابط آنها در خارج از خانه می‌پردازد.

در این فیلم همزمان که تلنگری به نقش عاطفی پدر در ارتباط با خانواده می‌زند ما را با زنانی مواجه می‌کند که تصمیمات شخصی‌شان، زندگی فرزندان‌شان را تحت الشعاع قرار داده؛ از مادری که در زمان کودکی فرزندش طلاق گرفته و حالا پسرش به جرم قتل محکوم به اعدام است، تا مادر مقتول که روابط فرزندش را از همسر پنهان می‌کند و بعد از کشته شدن دخترش، همسرش را ارمقصر همه مشکلات پیش آمده می‌داند.

مرور فیلم‌های جشنواره فجر حاکی از آن است که در سال‌های اخیر بستری از سینمای اجتماعی با

خویشترن. استقلال کلید واژه‌ای است که شخصیت زن فیلم مرتب تکرار می‌کند اما با انتخاب مسیر اشتباه هرچه پیش می‌رود از آن دورتر می‌شود. رها شدگی و نادیده گرفته شدن کودک تا جایی که در آخرین سکانس فیلم وقتی پدر و مادر شب هنگام به خانه برمی‌گردند حتی متوجه نبودن او در منزل نمی‌شوند؛ گویا فیلمساز قصد دارد به مخاطب بگوید این است سرنوشت پدر و مادرهایی این چنین که برای ساختن آینده فرزندانشان، نیاز اکنون آنها را فراموش می‌کنند.

زنان خنثی در فجر

میان دو سرطیف خانواده از «آغوش باز» تا «نپتون» در سایر فیلم‌ها، زنانی را می‌بینیم که عمدتاً نقش‌های خنثی دارند.

نقش همسر شهید زین الدین در فیلم «مجنون» که

فیلمساز از فضای زنانه است. اینجا است که می‌توان به این نتیجه رسید که به تصویر کشیدن فضای زنانه لزوماً با فیلمسازی زنان محقق نمی‌شود. کما اینکه تصویری که تنها فیلمساز زن حاضر در جشنواره فجر امسال از زن به روی پرده می‌برد تصویری مطلوب از زن ایرانی نیست و صرفاً با دیالوگ‌های شعار زده و اغراق آمیز شبیه به رویکرد فمینیسم ایرانی تقابلی زنانه - مردانه ساخته است و با وجود دغدغه مند بودن کارگردان اما چندان قابل دفاع از آب در نیامده است. فیلم «آغوش باز» از این منظره که برخلاف بسیاری از فیلم‌هایی که در ژانر اجتماعی ساخته می‌شوند و با تمرکز بر معضلات خانواده مانند خیانت، ازدواج سفید، طلاق عاطفی و... تصویری سیاه، مخدوش و غیر قابل اصلاح از جامعه امروز نشان می‌دهند، نگاهی سالم و در عین حال آسیب شناسانه به مسائل خانواده داشته

آغوش باز برای خانواده

فیلم‌های جشنواره امسال اما روایت‌های متفاوتی از زن، خانواده و مادری داشتند. فیلم «آغوش باز» ساخته بهروز شعبانی را شاید بتوان به لحاظ مضمون، خانواده محورترین فیلم جشنواره چهل و دوم دانست. «آغوش باز» روایتی است از سه زوج در سه فصل از زندگی خانوادگی، یکی در بهار و آغاز زندگی، دیگری در میانه راه و تابستان و زوج دیگری در پاییز زندگی مشترک را تجربه می‌کنند. دوربین مدام بین این سه فصل در رفت و آمد است و تقابل و تفاوت فضای آشفته زندگی جوان تر و آرامش حاکم بر زندگی سال خورده تر را به نمایش می‌گذارد، تقابلی که خودش رانه تنها در فضای کار و زندگی، که در کنش و تعهد آنها به یکدیگر نشان می‌دهد. کارگردان با کنار هم قرار دادن و ایجاد تقابل در عشق به عادت تبدیل شده در زوجی که در میانه راه هستند با رابطه



موضوع زنان توجه بسیاری از سینماگران را به خود معطوف کرده است. جشنواره فجر امسال نشان داد که سینمای ایران ظرفیت پرداختن عمیق به موضوعات مهمی مانند زن و خانواده را دارد. اما آنچه به صورت ویژه باید مورد توجه قرار گیرد، سهم و تأثیر «نگاه زنانه» در این آثار است. چرا که به شناخت نزدیک تری از واقعیت زندگی زنان در جامعه و فهم نیازهای آنان کمک می‌کند. همچنین می‌تواند به آگاهی بخشی در مورد مسائل زنان و خانواده و ایجاد زمینه گفت و گو و تبادل نظر منجر شود و مسئولان را به اتخاذ تدابیر لازم برای حل این مشکلات ترغیب نماید و در سیاستگذاری‌ها در مورد زنان و خانواده تأثیرگذار باشد.

چهل و دومین جشنواره فیلم فجر، دریچه‌ای به سوی تنوع روایت‌ها و نگاه‌ها به زن و خانواده در سینمای ایران و فرصتی برای بازاندیشی در مورد نقش و جایگاه زنان در جامعه و خانواده بود. با وجود همه کاستی‌ها و چالش‌ها، امید به آینده‌ای روشن برای فیلم‌های خانواده محور در سینمای ایران وجود دارد.

در چند سکانس محدود از او عبور می‌شود متأسفانه تصویری سطحی و حاشیه‌ای است. او در ابتدا زنی شیفته و عاشق و مطیع همسر است که بعضاً حتی جلوه‌های اغراق آمیزی از محبت از او به تصویر کشیده می‌شود. اما ناگهان به شکلی غیرمنطقی از شهید زین الدین طلبکار می‌شود. در فیلم «احمد» نیز تنها زنی که در فیلم نقش قابل توجهی دارد پزشکی است مستأصل و در مانده که مشغول مداوای بیماران زلزله زده است و در اواخر فیلم مشخص می‌شود همسر و فرزندش زیر آوار مانده‌اند و او به خاطر اولویت دادن به وظیفه شغلی اش آنها را رها کرده است! این شکل از به تصویر کشیدن مادری نه تنها برای بیننده پذیرفته نیست و به آنچه از عواطف و احساسات و حتی تعهد مادری سراغ دارد شباهتی ندارد بلکه شاید آدرس غلطی از زن متعهد انقلابی و الگوی سوم به مخاطب ارائه می‌دهد.

پدران مهم در «بی بدن»

فیلم «بی بدن» اما در ژانر اجتماعی، در ورای اقتباس

است؛ یکی از نکات ارزشمند فیلم توجه به نقش مردان در ساخته شدن زنان است با این مضمون که برای داشتن خانواده مطلوب و زنان متعهد و مسئولیت پذیر، نیازمند مردان متعهد و تربیت پسران مسئولیت پذیر برای آینده خانواده هستیم.

سرد و بی روح مثل نپتون

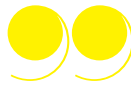
اما آن سوی دیگر طیف فیلم‌های جشنواره امسال از منظر خانواده محوری، فیلم «نپتون» است. روایت زوج جوانی که یک فرزند دارند و هر روز از یکدیگر دورتر می‌شوند، درست شبیه نپتون که دورترین سیاره از خورشید است. سرد و دور افتاده از منبع حیات. نه خبری از عشق و عاطفه است و نه ایفای نقش پدر و مادری مسئولانه. نه روابط زوجی نه تعهد و نه درک متقابل وزن بودن خلاصه می‌شود در آرایش و سالن زیبایی و مسابقه با مردان در کسب و کار، حتی بی توجه به علایق و احساسات خود، در انکار کامل زنانگی حقیقی، خشک و بی روح و خالی از احساس و گویی در حال فرار از روبه‌رو شدن با

زوجی که در ابتدای راهند و به نظرمی رسد آنچه میان آن‌هاست بیشتر فریب است تا عشق، گویی به مخاطب می‌گوید که تنها عشقی حقیقی است که انگیزه و قدرت عبور از مصایب را به انسان می‌بخشد.

زنان نقش اول

از طرفی «آغوش باز» را می‌توان فیلمی زنانه به حساب آورد و مادرانه‌های فیلم بیش از هر چیز به چشم می‌آید؛ قسمتی که پیام برای خوشحالی مادر بیمارش برای اجرای کنسرت می‌رود و هاتک که در زمان مسابقه با فکر کردن به مادرش زهره، بر ترس و اضطرابش غلبه می‌کند و حتی اعتراض زهره، به نادیده گرفته شدن توسط همسرش، همگی رنگ و بوی زنانه دارند. جالب است که با وجود اینکه رد پای زهره را در همسری، مادری، تربیت و عشق به فرزندانش و حتی در رسیدگی به خانواده همسر در همه جا می‌بینیم اما خودش را نمی‌بینیم، همگی رنگ و بویی زنانه دارند. هوشمندی کارگردان در نامرئی نشان دادن او تا انتهای فیلم حاکی از شناخت

به نظر من، رهبر انقلاب از یک وضعیت واقعی صحبت می کنند. مد نظر رهبری زنی است که قدرت انتخاب دارد و این انتخاب گری منجر می شود به اینکه هم در فضای خانوادگی و هم در فضای اجتماعی آن رویکردی را که فطرتش و عقلانیتش نزدیک تر است انتخاب کند



الگوی سوم واقعیت یا انتزاع

گزارش نشست تأملی بر بیانات رهبری حول هویت زن در انقلاب اسلامی

سیده نرگس حسینی

فعال حوزه زنان

انقلاب اسلامی کرد. در ابتدای نشست، زهرادانش طلب، پژوهشگر اندیشکده افرا به بررسی پژوهش های انجام شده در حوزه زنان و در ادامه دکتر حمیده طائب عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس، دکتر فاطمه دلاوری پژوهشگر فرهنگ و فلسفه و معصومه زورمند پژوهشگر حوزه زنان به بیان دیدگاه های خود پرداختند که خلاصه ای از آن را در این گزارش می خوانید.

در سال های اخیر رهبر انقلاب درباره ویژگی های هویتی الگوی سوم زنان مسلمان نکات جدیدی مطرح کردند که ابعاد ماهیتی آن بیشتر روشن شد. به نظر می رسد اجرای الگوی سوم زن مسلمان فاصله زیادی با ساختارهای فعلی جامعه دارد. در جهت مشخص کردن این الگو و ایجاد گفتمان الگوی سوم زنان مسلمان در جامعه، اندیشکده افرا اقدام به برگزاری نشست با موضوع بیانات رهبری حول هویت زن پس از



باشند. در سخنرانی اخیر رهبری به این نقش فراتر نیز اشاره کرده اند، آنجا که درباره انتخابات صحبت می کنند. امام خمینی نیز به این موضوع اشاره کرده اند که زنان در مقدرات اساسی کشور بیش از مردان نقش دارند.

معصومه زورمند: در بحث الگوی سوم یک نگاه فرمولی به موضوع نباید داشته باشیم. زمانی که ما درباره دوگانه زن آگاه و فعال و وزن منفعل صحبت می کنیم باید بتوانیم شاخص های زن الگوی سوم را به دست آوریم. زنان در طول جنگ تحمیلی نقش جدی برعهده داشتند اما با گذشت زمان این نقش متناسب با شرایط جامعه همچنان پررنگ نمانده است. جنس چالش ها و مشکلات دنیای مدرن و حاکمیتی نیازمند نگاه زنانه است چرا که آن نگاه چند بعدی که خانم های توانمند داشته باشند، مردها ندارند. در بحث های حاکمیتی ساختار باید به این نتیجه برسد که نگاه زنانه می تواند بسیاری از مسائل را حل کند. به طور مثال در بسیاری از مجامع ولایی اسم خانم دباغ می آید اما مردان او را نمی پذیرند و به عنوان الگو قبول ندارند و استثنای می دانند. خانم دباغ همسر و فرزندانش را گذاشتند و فرمان امام را اجرا کردند. در صحبت های اخیر رهبری در دو سال گذشته در دیدار با زنان مباحثی مطرح شد که برخی آنها را تکراری دانستند و برخی به صحبت های مهم رهبری در خصوص مباحث حقوقی بانوان یا فعالیت های سیاسی بانوان توجه نکردند و فقط به کار کردن آقایان در خانه تقلیل داده شد، متأسفانه، زن مسلمان ایرانی در جریان مشروطه در نهضت تنباکو همیشه نقش فعالی در تاریخ ایران داشته اند. اما نقش زنان در حال حاضر مانند طول تاریخ کامل نشده است.

خرافات که دوستان نادان و آخوند های بی اطلاع از مصالح مسلمین ایجاد کرده بودند، رها کردند. یعنی امام در اینجا دو تیپ مانع را مطرح کردند، یکی دشمنان و دیگری متحجرین که همان نفی الگوی شرقی و غربی زن می شود. بنابراین ما شاهد تحقق الگوی سوم زن بوده ایم ولی بنا به دلایلی هنوز در لایه گفتمان و ادبیات و فراقیری به طور شایسته وارد نشده است.

دکتر فاطمه دلاوری: درباره الگوی سوم زن به نظر من، رهبر انقلاب از یک وضعیت واقعی صحبت می کنند. مد نظر رهبری زنی است که قدرت انتخاب دارد و این انتخاب گری منجر می شود به اینکه هم در فضای خانوادگی و هم در فضای اجتماعی آن رویکردی که فطرتش و عقلانیتش نزدیک تر است را انتخاب کند. کما این که در تاریخ داریم؛ همان گونه که در شاهنامه، فرانک مادر فریدون را می بینیم که همزمان با پرورش فرزندش، او را برای آینده ایران تربیت می کند یا برخی مادران شهدا را می بینیم که آگاهانه از ابتدا فرزندشان را در یک مسیری تربیت می کنند. در تاریخ نیز امام حسین (ع) را می بینیم که واقعه کربلا را به زیباترین شکل کارگردانی می کنند. اما آن کسی که آن پیام را به دیگران می رساند و جنگ نرم را رهبری می کند، حضرت زینب (س) است. پس نقش زنان لزوماً شبیه مردان نیست. باید به این موضوع توجه کنیم که نباید انواع زنان را از دایره الگوی سوم خارج کنیم و فقط آن زنانی که دکتری دارند، استاد دانشگاه هستند و ۶ بچه دارند در دایره الگوی سوم قرار بگیرند. اینگونه ما این الگو را خیلی محدود کرده ایم. زنان هر کاری که مردها انجام می دهند را می توانند انجام دهند، اما به نظر من زنان کاری واری آن می توانند داشته

و محدودیت هایی است که تعیین کننده چگونگی تحقق الگوی سوم و تنوع بروز آن است. حضرت زهرا به عنوان الگو و قله هستند و بقیه قرار است شبیه به ایشان بشوند. در ادبیات قرآنی درباره الگو این گونه بیان شده است «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْفَرَاتِ فِرْعَوْنَ». بارویکرد الگوی سومی اگر نگاه کنیم، همسر فرعون خودش مادر نشده است یا حضرت مریم که در نقش همسری نبودند ولی قرآن اینها را به مثابه الگو معرفی می کند. بنابراین حضرت زهرا، سیده نساء العالمین به مثابه قله و دارای جمیع نقش ها هستند و بقیه ذیل این الگو قرار دارند. هر قدر که افراد توانایی داشته باشند به این الگو نزدیک تر می شوند. به این ترتیب، وجه متمایز و اصل در الگوی سوم زن، هویت هدفمند و توحیدی اوست که زن مجاهد مسلمان را اساساً الگوی غربی و شرقی متفاوت می کند. از سویی، متأسفانه همان رفتاری که برخی با سیره اهل بیت دارند با الگوی سوم هم دارند. به تعبیر شهید مطهری نگاه سیرگونه دارند نه سیره ای. یعنی در سیره قالب زنی نیست، اصول شناسی می شود و مطابق با تغییرات زمانه طبق اصول حرکت می کنیم اما در نگاه سیرگونه نگاه می کنند که حضرت زهرا به طور مثال چند سالگی ازدواج کردند یا چند فرزند داشتند یا خانه شان کجا بود و به دنبال اجرای دقیق این ظواهر و جزئیات هستند. حال با این اوصاف، الگوی سوم از زمان انقلاب و دفاع مقدس محقق شده است.

امام خمینی در وصیتنامه شان به دو گروه از زنان افتخار می کنند؛ گروه اول زنانی که در دفاع مقدس مشارکت نظامی داشتند و گروه دوم زنانی که در پشت جبهه به دفاع مقدس کمک کردند. امام در این جامی فرمایند: زنان شجاعانه خودشان را از قید

زهرا دانش طلب: با بررسی مراکز پژوهشی که در حوزه زنان کار می کنند متوجه شدیم، که بیشتر این مراکز با مدیریت مردانه بدون در نظر گرفتن جزئیات روحی و فیزیکی و ذهنی بانوان و بیشتر با تفکر مردانه مدیریت می شود و موضوعات بررسی شده در حوزه زنان نیز از این امر متأثر می شود. این موضوعی است که باعث شده تفکر سنتی یا شرقی در حوزه بررسی موضوعات زنان غلبه پیدا کند، به طوری که حضور خانواده و زن خانه دار بدون در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی بیشتر دیده شود. گروه دیگر از زنان که در پژوهش های مرتبط با زنان شرکت می کنند در تفکر مدرن یا فمینیسم گرفتار شده اند که با ویژگی ها و ساختار جامعه ایرانی مطابقت ندارد و طبیعتاً نمی تواند بر شخصیت زنان در جامعه ایرانی غالب باشد. از نظر رهبری شخصیت والای زن هنوز آن طور که باید و شاید در جامعه ترسیم نشده است. ایشان وضعیت کنونی زنان مسلمان ایرانی را به رغم توسعه حضور اجتماعی، دارای حد متوسطی از پیشرفت می دانند و معتقدند زنان ایرانی هنوز در اول راه پیشرفت قرار دارند. رهبر انقلاب تأکید می کنند که نگاه اسلام به زن نقطه قوت آن است چرا که عروج معنوی فارغ از جنسیت است. در دیدگاه رهبر معظم انقلاب در درجه اول، این زنان هستند که باید برای حل مشکلات قشر خودشان اقدام کنند. به همین دلیل به دنبال ایجاد گفتمان الگوی سوم در جامعه هستیم.

دکتر حمیده طائب: اشتباه رایجی که درباره الگوی سوم در جامعه وجود دارد، این است که تصور می شود این الگو مانند یک کارخانه قرار است افراد مشابه را قالب بزند و تحویل جامعه بدهد، که قطعاً این طور نیست. شرایط زمانی و مکانی، امکانات و استعدادها

فناوری و رسانه

پاسخ‌های دیجی کالا به گلایه‌های شهروندان

خطا را قبول داریم

قطع همکاری با ۶۰۰ فروشنده در کمتر از یک سال



صورت می‌گیرد و یک مورد نیز ارسال از انبار مرکزی است. ما برای انبارداری و سایر هزینه‌های نگهداری سوبسید هم در نظر گرفتیم تا هزینه پرداختی مشتری کاهش یابد. به عنوان مثال در دیجی کالا جت هزینه ارسال ۹ هزار تومان است.

در نظر داریم ارسال سوپرمارکتی را از یک رقم خاص به بالا رایگان کنیم.

● یعنی سال آینده ما به جای افزایش قیمت ارسال با برخی تخفیف‌ها مواجه می‌شویم؟

خیر. ما برای حفظ مشتری تا حد امکان هزینه‌های ارسال را کاهش دادیم اما هر سال هزینه‌ها افزایش دارد. در وضعیت فعلی ۱۰ میلیون تنوع کالایی داریم که به دلیل افزایش هزینه‌ها، سال آینده هزینه‌های ارسال افزایش خواهد داشت.

● در پوشش جغرافیای شهرها برخی پلتفرم‌ها مانند اسنپ مدعی اند خوب عمل کرده‌اند. ارجحیت چنین پلتفرم‌هایی را قبول دارید؟

با توجه به اینکه دیجی کالا هر جایی که پست فعالیت دارد، فعال است می‌توانم بگویم حدود ۷۰ میلیون جمعیت کشور را پوشش دادیم.

به ندرت ممکن است جغرافیایی وجود داشته باشد که ما دسترسی نداشته باشیم. از سویی خدمات پس از فروش را هم به عهده داریم

● دیجی کالا مدعی است که ارسال زود هنگام دارد و حتی هزینه اندکی برای تحویل کالا در درب منزل دریافت می‌کند. با وجود این شهروندان می‌گویند گاهی قیمت کالا کمتر از هزینه پرداختی برای تحویل آن است و زمان درخواستی برای دریافت کالا نیز رعایت نمی‌شود. چه پاسخی به مشتریان خود دارید؟

تمایز دیجی کالا با سایر پلتفرم‌های مشابه این است که عمده سفارش‌گیری و ارسال توسط نیروهای خود مجموعه انجام می‌شود و درصد کمی از ارسالی‌ها از طریق پست صورت می‌گیرد. ما تقریباً دو سال است ارسال فوری داریم و برای سفارش‌هایی که کالا در انبار موجود باشد و مقصد نیز در شهر تهران تعریف شود، حتی بازه زمانی ۴ ساعته را تعریف کرده‌ایم. در نظر داریم تحویل فوری را به شهر کرج هم توسعه دهیم.

در مورد هزینه‌های ارسال کالا نیز باید گفت، هزینه برای کاربران عادی ۸۰ هزار تومان و برای کاربران پلاس رایگان است. در ارسال عادی نیز هزینه‌ها بین ۴۴ تا ۴۹ هزار تومان تعریف شده است.

در عین حال برای کالای سوپرمارکتی هزینه ارسال به مراتب کمتر و در حدود ۱۹ هزار تومان است. در محصولات سوپرمارکتی دو مدل فروش داریم که یک مدل لوکیشن محور است و ارسال از فروشگاه‌های اطراف

و نوس بهنود
روزنامه‌نگار



ما کالایم

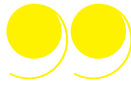
پلتفرم دیجی کالا که بیش از دو دهه است به عنوان یکی از سکوه‌های فروش اجناس در ایران فعالیت می‌کند اخیراً با گلایه‌های متعددی مواجه شده و شهروندان می‌گویند کارکرد قبلی را ندارد. خرید و فروش آنلاین یکی از عادت‌های اکتسابی در شرایط دیجیتالیزه شدن است. پلتفرم‌های متعددی تلاش کرده‌اند از این شرایط به نفع خود استفاده کرده و کسب و کاری مجازی را همه‌گیر کنند. نمونه آن دیجی کالا است که مدعی است هر قلم کالایی از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را در مدت کوتاهی به درب خانه شما می‌رساند. روندی که البته با گلایه‌های شهروندان مواجه شده است. مردم می‌گویند سفارش ثبت شده از سوی دیجی کالا لغو می‌شود و یا کالای نامرغوب و شکسته تحویل می‌گیرند. نه زمان ارسال رعایت می‌شود و نه کیفیت کالاها و در مقابل هزینه تمام شده هم بالا است. در پاسخ به این مشکلات گفت‌وگویی داشتیم با مدیر تجربه مشتریان دیجی کالا، مهرداد محمدی.



ما برای حفظ مشتری تا حد امکان هزینه‌های ارسال را کاهش دادیم اما هر سال هزینه‌ها افزایش دارد



کل کنسلی ما زیر ۲۰ درصد فروش تمامی کالاهاست و کنسلی برای کالاهایی که خودمان تأمین می‌کنیم به مراتب کمتر است. دیجی کالا به دلیل گران شدن کنسل نمی‌کند و این فروشگاه‌های فعال در دیجی کالا هستند که ممکن است دست به چنین کاری بزنند



دیجی کالا

نمی‌توانست تا ابد یک خرده فروش باشد. ما شش سال است سکوی فروش هستیم و از ۱۰ میلیون کالایی که اعلام کردم حدود ۱۰۰ هزار مورد را خودمان تأمین کرده‌ایم. بنابراین لازم است فروشگاه‌های پای کار باشند تا تنوع کالایی بیشتر شود. ما فروشندگانی متعددی داریم که از طریق دیجی کالا درآمدزایی خوبی دارند

رجیستری شده پذیرفته نمی‌شود. اگر بسته‌بندی کالا یا خود آن تغییر یابد، پس نمی‌گیریم.

● اما کالاهایی که بسته‌بندی تغییر نکرده هم تحویل نگرفته‌اید.

درصدی از خطا هم داریم. تیم کنترل کیفی به همین دلیل فعال شده تا درصد خطاها را کاهش دهد. قبول داریم که از ۴ درصد مرجوعی که پذیرش نشده بخشی ناعادلانه و خطای ما بوده است. مشتری می‌تواند تماس بگیرد و شکایت خود را مطرح کند.

● برای حفاظت از داده‌های مشتریان چه تدبیری دارد که به سرنوشت اسنپ گرفتار نشوند؟

تیم ایمنی ما استانداردی که لازم است تا با هر گونه حمله اینترنتی و هک مقابله شود اجرا می‌کند. اما واقعیت این است که همه شرکت‌ها حتی همین گوگل و مایکروسافت نیز ممکن است گرفتار هک شوند و همه هم تلاش می‌کنند که این موضوع پیش نیاید. ما تلاش مان را کرده‌ایم تا از آخرین نسخه‌های استانداردهای ایمن سازی داده استفاده کنیم اما این تلاش به معنی به صفر رسیدن احتمال بروز یک اتفاق نیست. همچنین با نهادهای نظارتی همکاری داریم تا امنیت داده‌ها حفظ شود.



داشته باشیم که داریم طبیعتاً با افزایش کل سفارش گیری، مرجوعی هم افزایش می‌یابد. اما می‌توانم همین جا اعلام کنم که برگشتی ما از ۳ درصد به کمتر از یک و نیم درصد کاهش یافته است.

● برخی مشتریان می‌گویند کالای آسیب دیده از سوی دیجی کالا پس گرفته نمی‌شود.

می‌توانم بگویم چهار درصد از مرجوعی‌ها پذیرفته نمی‌شود. دلیل آن استفاده کالا و خارج کردن از وضعیت آکبند و تبدیل شدن به کالای دست دوم است. مثلاً گوشی همراهی که خریداری شده و سپس کارت به آن اضافه شده و سپس

فروشگاه‌ها است. به اعتقاد شما این سیاست درست بود و آیا قبول دارید که میزان نارضایتی مردم از خدمات دیجی کالا بعد از این اتفاق بیشتر شده است؟

دیجی کالا نمی‌توانست تا ابد یک خرده فروش باشد. ما شش سال است سکوی فروش هستیم و از ۱۰ میلیون کالایی که اعلام کردم حدود ۱۰۰ هزار مورد را خودمان تأمین کرده‌ایم. بنابراین لازم است فروشگاه‌های پای کار باشند تا تنوع کالایی بیشتر شود. ما فروشندگانی متعددی داریم که از طریق دیجی کالا درآمدزایی خوبی دارند.

● برخی فروشگاه‌ها عنوان

می‌شود موجودیت ندارند

و در واقع ساختگی

هستند. این دلالت

فروش هستند که یک

فروشگاه کذایی تعریف

کرده‌اند و می‌فروشند.

نظر شما چیست؟

ما مانیورینگ خودمان را آغاز

کردیم و معتقدم فروشگاه‌هایی

که قیمت رقابتی نداشته باشد

نمی‌تواند به فعالیت ادامه دهد.

اگر چنین فروشگاه‌هایی شناسایی

شود قطع همکاری می‌کنیم.

● کالاهای مرجوعی دیجی کالا

افزایش یافته است؟

سال به سال سفارش گیری ما

افزایش دارد. اگر فقط یک درصد خطا

و هر کجا ارسال به مشکل خورد، نیروهای خودمان رسیدگی می‌کنند.

● چرا سفارش ثبت شده لغو می‌شود؟

ما دو مدل فروش داریم. درصدی از فروش توسط خود دیجی کالا انجام می‌شود و بخشی از طریق فروشگاه‌هایی که ما سکوی فروش آنها هستیم. در مدل اول نرخ کنسلی کم است و تنها در صورتی اتفاق می‌افتد که کالا آسیب دیده باشد و یا گم شده باشد. در مقابل کنسلی‌ها از طریق فروشگاه‌ها صورت می‌گیرد. فروشگاه یا کالای خود را در انبار مرکزی ما دارد و یا در انبار خودش.

● این میزان کنسلی به دلیل ضعف

نظارت بر فروشگاه‌ها نیست؟ آیا با

فروشگاهی که به ثبت سفارش مشتری

اهمیتی نمی‌دهد برخورد نمی‌شود؟

برای فروشگاه‌هایی که کنسلی زیادی داشته باشد به ازای هر کنسلی جریمه نقدی دریافت می‌کنیم. این جریمه درصدی از قیمت کالا از ۵ تا ۲۰ درصد است. از طرفی امتیاز عملکرد و رتبه‌بندی فروشگاه کاهش یافته و ممکن است همکاری خود را با آن قطع کنیم. ما از ابتدای سال جاری با ۶۰۰ فروشنده به دلیل کنسلی بالای کالا قطع همکاری کردیم. آن هم در شرایطی که حدود ۱۰۰ هزار فروشنده با ما همکاری دارند.

در واقع سه عمل موجب قطع همکاری ما با فروشگاه می‌شود: نرخ کنسلی بالا، نرخ کالای آسیب دیده بالا و نرخ تأخیر در ارسال کالا.

● برخی مشتریان می‌گویند دلیل

کنسلی افزایش قیمت کالا بوده و

دیجی کالا تا دیده کالایی گران شده

سفارش را لغو کرده است.

کل کنسلی ما زیر ۲۰ درصد فروش تمامی کالاهاست و کنسلی برای کالاهایی که خودمان تأمین می‌کنیم به مراتب کمتر است. دیجی کالا به دلیل گران شدن کنسل نمی‌کند و این فروشگاه‌های فعال در دیجی کالا هستند که ممکن است دست به چنین کاری بزنند.

این موضوع هم قابل رسیدگی است و مشتری می‌تواند تماس گرفته و شکایت خود را مطرح کند.

● موضوع دیگر عدم همخوانی قیمت

و کیفیت کالا است. برخی مشتریان

می‌گویند کالایی که تحویل گرفته‌اند

کیفیت نداشته و یا متوجه شدند در

بازار و سایت‌های دیگر به مراتب ارزان‌تر

بوده است.

ما نزدیک ۱۰ هزار فروشنده و ۱۰ میلیون کالا داریم و تلاش مان بر این است تصویر درستی از رقابتی بودن داشته باشیم و قیمت رقابتی اعمال کنیم. این حجم از کار، پیچیده است و مشابه کار شما را دیوار هم انجام می‌دهد.

چرا مشتری باید از شما خرید کند و سایت‌های دیگر را ترجیح ندهد؟

دیوار صرفاً یک واسطه فروش است و مسئولیتی در قبال قیمت، اصالت، کیفیت و زمان ارسال و حتی خدمات پس از فروش ندارد و در مقابل دیجی کالا خود را صرفاً یک واسطه نمی‌داند و در تمامی موارد ذکر شده مسئولیت را به عهده گرفته است. بنابراین قیاس ما با دیوار مع الفارق است.

● یکی از اشکالات وارده به دیجی کالا

تبدیل شدن به سکوی فروش

گزارش

محمد حسین طارمی / سید پویا هاشمی



در نتیجه تلاش‌ها و مجاهدت‌های همه بخش‌های ذی‌ربط، اموال «بابک زنجانی» در خارج از کشور شناسایی و به تهران منتقل شد و بنا بر کارشناسی‌های اولیه صورت گرفته، این اموال، کفاف بدهی‌ها و خسارت‌های او را، خواهد داد.

پردامنه‌ترین
اختلاس یک دهه اخیر
به بیت‌المال بازگشت

تسویه تا دلار آخر

پرونده بابک زنجانی رتبه اول فساد مالی را در تاریخ ایران داشته است. بابک زنجانی در نهم دی ۱۳۹۲ یعنی تقریباً در یک دهه پیش، که از او به عنوان یکی از «بازوهای اجرایی وزارت نفت» در دور زدن تحریم‌ها و فروش نفت ایران یاد می‌شد، اما وزارت نفت از وی با این عنوان شکایت کرد که «وی ۲ میلیارد فروخته شده را به خزانه کشور یا به عبارت بهتر به مردم ایران بدهکار است.»

بابک زنجانی تاجر دور زدن تحریم‌ها

پس از آنکه در دولت دوم محمود احمدی‌نژاد، در جریان پرونده هسته‌ای ایران، فروش نفت از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل تحریم شد، افرادی برای دور زدن تحریم‌ها فعال شدند؛ این افراد غالباً تاجران بودند که نفت را از دولت ایران می‌گرفتند و به عنوان شرکت‌های خصوصی نفت ایرانی را در بازارهای جهانی به فروش می‌رساندند و سود خودشان را از روی پول فروش نفت برمی‌داشتند و مبلغ باقیمانده را به حساب‌های بانکی وزارت نفت در خارج از کشور منتقل می‌کردند. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ میلادی یعنی یک سال پیش از بازداشت بابک زنجانی، نام او را به دلیل «کمک به دور زدن تحریم‌ها از طریق داشتن نقش کلیدی در تجارت نفت ایران و انتقال پول مربوط به فروش آن به دولت ایران» در فهرست تحریم‌ها قرار داده بود. از آن زمان مشخص شد که بابک زنجانی، یکی از تاجران بوده که تجارت‌شان دور زدن تحریم‌ها بود.

بزرگ‌ترین پرونده فساد اقتصادی

سوم دی‌ماه سال ۱۳۹۲، یعنی ۶ روز قبل از بازداشت زنجانی، جمعی از نمایندگان مجلس نهم نامه‌ای خطاب به حسن روحانی، علی

لاریجانی و صادق آملی‌لاریجانی نوشتند و خواستار برخورد با بابک زنجانی شدند. امضاکنندگان این نامه خطاب به سران قوا از ایجاد «فساد سیستمی» انتقاد کردند و گفتند: «هنگامی که وزارت اطلاعات و نهادهای اطلاعاتی دیگر به پشتیبانی از زنجانی متهم می‌شوند ولی به جای توضیح به مردم سکوت می‌کنند؛ هنگامی که چنین عنصری امین وزارت نفت شناخته شده و پول نفت فروخته شده را برای مدت‌ها پس نمی‌دهد و کسی هم با او کاری ندارد و چرا متهم نشویم؟»

چند روز بعد از این نامه، بابک زنجانی بازداشت شد؛ دو سال بعد از بازداشت، وقتی ابعاد پرونده‌ها و ارتباطات مالی زنجانی بررسی شد، دادستان تهران عنوان کرد: «پرونده وی بزرگ‌ترین پرونده فساد اقتصادی در سال‌های بعد از انقلاب است.»

بابک زنجانی و این همه کارآفرینی!

بابک زنجانی خود را کارآفرینی می‌خواند که ۶۴ شرکت ایرانی و خارجی دارد و در کشورهای مختلف به ۱۷ هزار نفر حقوق می‌دهد. اما مشهورترین شرکتی که نام بابک زنجانی در آن برده می‌شد، «هلدینگ توسعه سورینت قشم» نام دارد. «بابک زنجانی»، «حمید فلاح‌هروی»، «فواد شکوری گنجوی» از اعضای هیأت مدیره و مؤسسان این شرکت بودند.

شرکت «هرم تراک قشم» دیگر شرکتی است که توسط وی در سال ۱۳۹۰ به ثبت رسیده است. در هیأت مدیره «هرم تراک قشم» غیر از بابک زنجانی، «صفرعلی عزیزآبادی فراهانی» به عنوان عضو هیأت رئیسه و همچنین مدیرعامل انتخاب شد. فرد دیگری با نام «فواد شکوری گنجوی» نیز عضو هیأت مدیره شد.

حوالی پاییز سال ۹۱، بابک زنجانی یک شرکت با نام «صنایع غذایی فرزا نمونه قشم» را نیز به ثبت رساند. غیر از بابک زنجانی که گرداننده این شرکت‌ها بود، «بهارک زنجانی»، خواهر بابک زنجانی نیز در این شرکت سهیم شد، «حفظ‌الله آطه‌ریان» عضو دیگر این شرکت صنایع غذایی بود؛ او که زمانی مدیرعامل قشم‌ایر، خط هوایی بابک زنجانی بود، اکنون مدیرعامل خط هوایی «سپهران» است که

با اینکه ده سال از زندانی شدن بابک زنجانی می‌گذشت حتی در اقدامی از سوی دستگاه قضایی حکم اعدام نیز برای وی صادر شد. حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای (سخنگوی وقت قوه قضائیه)

روز یکشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۴ شمسی اعلام کرد که دادگاه بدوی، بابک زنجانی به همراه دو متهم دیگر این پرونده را به اعدام محکوم کرده است. همچنین این سه متهم به رد مال مربوط به شاک (که همان شرکت ملی نفت ایران است) و جزای نقدی معادل یک چهارم پولشویی نیز محکوم شده‌اند. روز دوشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۹۵، حکم اعدام بابک زنجانی ابلاغ شد. اما اولویت بازگشت دارایی‌ها آن قدر اهمیت داشته که وی تا به این لحظه در زندان مانده است.

دوراهی مرگ و زندگی

مالک این خط هوایی، «علی درویشی» مالک هتل درویشی مشهد است.

در سال‌های ۹۴ و ۹۵ اعلام شد که اموال زنجانی قرار است به مزایده گذاشته شود؛ از جمله شرکت هواپیمایی قشم‌ایر، شرکت فراز نمونه قشم (کترینگ)، شرکت آرایشی و بهداشتی سورینت، شرکت تجار کیش (پروژه دهکده ساحلی کیش)، شرکت بازرگانی توسعه پایدار آسمان کیش، اس‌سی‌تی بانکرز کیش، مجتمع تفریحی و تجاری تهران قدیم کیش، گروه بین‌المللی هتل‌های سورینت، هایدرپونیک مهستان کیش و سرمایه‌گذاری توسعه ساختمان آماج قشم.

شرکتی با نام توسعه پایدار آسمان کیش، به عنوان شرکت امین وزارت نفت مسئولیت مزایده این شرکت‌ها و ساختمان‌ها و آنچه از اموال زنجانی به وزارت نفت منتقل شده بود، را برعهده داشت. تا آخرین اظهارات، فروش این اموال نتوانسته بود کمبود بدهی چندین میلیارد دلاری زنجانی را بدهد.

زور عدلیه چرید!

اکنون در دهمین سالگرد بازداشت وی، خبر رسیده که بدهی‌های زنجانی پرداخت شده است. مسعود ستایشی، سخنگوی قوه قضائیه، درباره پرونده بابک زنجانی توضیح داد و افزود: در دهه ۹۰ برای فرد مورد نظر پرونده تشکیل شد و بعد از رسیدگی‌ها با وجود پیچیدگی‌هایی که این پرونده داشت، در سال ۹۵ رأی شرعی و قانونی صادر و در محکمه عالی نیز تأیید شد و مرجع عالی قضایی به مرجع بدوی توجه داد تا موضوع این پرونده با توجه به ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مطمح نظر قرار گیرد یعنی اگر فرد نادم و پشیمان بود و از مردم عذرخواهی واقعی داشت و در خصوص رد مال به عنوان بخشی از مجازات نیز اقدام لازم را انجام داد، مرجع قضایی بتواند از تأسیسات ارفاقی برای وی استفاده کند.

امساین انتهای کار بابک زنجانی نبود و دوشنبه (۳۰ بهمن ۱۴۰۲) حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در نشست شورای عالی قوه قضائیه گفت: در نتیجه تلاش‌ها و مجاهدت‌های همه بخش‌های ذی‌ربط، اموال «بابک زنجانی» در خارج از کشور شناسایی و به تهران منتقل شد و بنا بر کارشناسی‌های اولیه صورت گرفته، این اموال، کفاف بدهی‌ها و خسارت‌های او را، خواهد داد.

وی افزود: این محموله از اموال شناسایی شده «بابک زنجانی» در خارج از کشور که به تهران منتقل شده، بنا بر کارشناسی‌های اولیه، تکافوی بدهی‌ها و خسارات نامبرده خواهد بود؛ حالا اگر اموال بازگشته قبلی را هم اضافه کنیم؛ اضافه می‌آید؛ البته تأکید کرده‌ام که باز هم کارشناسی در این خصوص صورت بگیرد.

حالا بعد از یک دهه به نظر می‌رسد پرونده سنگین و پرحاشیه‌ای که می‌رفت تبدیل به یکی از پاشنه آشیل‌های جمهوری اسلامی و نظام عدلیه آن محسوب شود تبدیل به نقطه عطف شده و یک تهدید بزرگ، تبدیل به یکی از موفق‌ترین پروژه‌های فسادستیزی و مبارزه با فساد شده است. در روزهایی که افکار و اذهان عمومی با اخبار منفی متعدد مورد مبارزان رسانه‌ای و تبلیغاتی قرار گرفته است، وصول کردن بدهی آقای «ب.ز.» حتماً یک خبر خوش محسوب می‌شود به خصوص که بعد از یک دهه کش و قوس حاصل شده است.

همه چیز درباره فیلمی که تبدیل به یک «پدیده» در جشنواره چهل و دوم فجر شد

مثل لذت گاز زدن «موز» با پوست!

یکی از ویژگی‌های قابل توجه درباره ترکیب فیلم‌های رونمایی شده در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر، تنوع ژانری و موضوعی این آثار بود. جشنواره فیلم فجر که یک دهه پیش تر به دلیل سیطره فیلم‌های اجتماعی، از منظر فقدان تنوع ژانری مورد انتقاد رسانه‌ها و منتقدان قرار می‌گرفت، در گام چهل و دوم توانست حداقل‌هایی را از آنچه به عنوان تنوع ژانر آن توقع می‌رود برآورده کند. فارغ از کیفیت آثار، در این دوره هم فیلم کم‌دی و اکشن داشتیم و هم فیلم ملودرام، فانتزی و حتی دفاع مقدسی. به همین دلیل هم می‌توان معدل این جشنواره را از منظر تنوع، قابل قبول دانست. اما از منظر همین تنوع، اتفاق ویژه دیگری هم در جشنواره چهل و دوم رقم خورد. اگر کمی به عقب بازگردیم، یکی دیگر از انتقاداتی که به صورت جدی در مورد سبک محصولات سینمای ایران مطرح می‌شد، فراموشی برخی گروه‌های سنی و به‌طور خاص و ویژه «نوجوانان» بود. تولیدات سینمای ایران در طول سال‌ها، متمرکز بر گروه سنی بزرگسال بود و هرگاه هم گروهی تصمیم به برهم زدن این قاعده می‌گرفتند، سراغ کودکان می‌رفتند. درست در میانه این دو طیف، اما سینمای ایران از یک خلأ بزرگ و جدی رنج می‌برد. در ترکیب فیلم‌های جشنواره چهل و دوم، این فقدان تا حدود زیادی برطرف شد و شاهد رونمایی از چند اثر ویژه و قابل دفاع بودیم که مشخصاً گروه سنی نوجوان را نشان گرفته بودند و احتمالاً در فرایند اکران هم این گروه سنی را به سالن‌های سینما فراخوانند خوانند. یکی از شاخص‌ترین این آثار که به زعم برخی اصحاب رسانه و منتقدان، می‌توان آن را پدیده این دوره از جشنواره هم دانست، فیلم «باغ کیانوش» بود، اما چرا؟



ایده «باغ کیانوش» از کجا آمد؟

«باغ کیانوش» که امروز نام یکی از مطرح‌ترین فیلم‌های رونمایی شده در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر است، تا همین سال گذشته، معرف یک کتاب بود. بله، این فیلم سینمایی، در واقع اقتباس از رمانی به همین نام است که پیش‌تر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن را منتشر کرده بود. برای گروه سنی نوجوان، راهی بازار کتاب کرده بود. علی‌اصغر زرتی پاک، نویسنده این رمان است که پیش‌تر هم تجربه‌هایی در زمینه رمان‌نویسی برای نوجوانان داشته و در این کتاب، سراغ روایتی متفاوت از سال‌های جنگ رفته است. «باغ کیانوش» روایتی مرتبط با سال‌های جنگ تحمیلی در ایران دارد اما نشانه مستقیمی از میدان جنگ در آن وجود ندارد و بیشتر شاهد روند ساده زندگی انسان‌هایی هستیم که روزمرگی‌هایشان متأثر از سایه شوم جنگ، دستخوش تلاطم

و بحران شده است. قهرمان اصلی این رمان یک نوجوان است که با همراهی دوستانش تصمیم می‌گیرد همزمان با برگزاری مراسم ازدواج خواهر کیانوش، به باغ او در روستا دستبرد بزنند. حین انجام همین عملیات نوجوانانه، ناگهان هواپیمایی عراقی که برای بمباران مناطق مسکونی به خاک ایران آمده، از سوی پدافند مورد اصابت قرار گرفته و خلبان آن با چتر نجات، خود را راه می‌کند. سقوط ناگهانی این خلبان عراقی به باغ کیانوش، نقطه شروع سلسله اتفاقات ماجراجویانه‌ای است که نوجوانان روستا را درگیر خود می‌کند. این رمان که برای اولین بار در اواخر دهه ۸۰ روانه بازار کتاب شد، حالا با تبدیل شدن به یک روایت سینمایی، مخاطبان بیشتری را فراگیری پیدا کرده است. یکی از ایده‌های جذاب که در روایت سینمایی «باغ کیانوش» مورد تأکید قرار گرفته، مربوط به هیجان اولین

مواجهه با موز در میان نوجوانان دهه ۶۰ است. میوه‌ای که در آن سال‌ها آنقدر لاکچری و خاص محسوب می‌شد که اسم رمز برخی رؤیایابی‌ها محسوب می‌شد و کارگردان این فیلم، بهترین استفاده را از این رؤیای موزی کرده است، رؤیایی که شاید برای نوجوانان امروز چندان قابل درک نباشد اما درست در لحظه گاز زدن این میوه آن هم با پوست، توسط یکی از نوجوانان فیلم، لبخندی شیرین را به لب بسیاری از بچه‌های دهه ۶۰ می‌نشانند.

خالق «باغ کیانوش» چه کسانی بودند؟

همان اولین باری که رضا کشاورز حداد رمان «باغ کیانوش» را به دست گرفت، ایده ساخت نسخه‌ای سینمایی از آن در ذهنش جرقه زد. کشاورز از کارگردان جوانی بود که سینما و فیلمسازی را در باشگاه فیلم سوریه مشق می‌کرد و در همین مرکز هم تجربیات متنوعی را امضای خود در قالب فیلم کوتاه و کلیپ، به تولید رساند. در ادامه همین مسیر کسب تجربه، او یکی از قسمت‌های سریال اپیزودیک «تازه وارد» به تهیه‌کنندگی محمد جواد موحد را کارگردانی کرد و همین همکاری پشتوانه‌ای برای دورخیز آنها برای ساخت یک فیلم سینمایی شد. قبل از توضیح بیشتر درباره تیم تولید «باغ کیانوش» بد نیست مروری بر جایگاه این فیلم در فهرست مأموریت‌های «باشگاه فیلم سوریه» داشته باشیم.

باشگاهی که از زیرمجموعه‌های سازمان سینمایی سوریه و وابسته به حوزه هنری محسوب می‌شود و در یک دهه گذشته، تمرکز ویژه‌ای بر تربیت و معرفی فیلمسازان جوان به سینمای ایران داشته است. بعد از «بیست و یک روز بعد» به کارگردانی محمد رضا خردمند، «دیدن این فیلم جرم است» به کارگردانی رضا زهنابچیان و «مصلحت» به کارگردانی حسین دارابی، که همگی اولین ساخته‌های بلند سینمایی کارگردانانشان بودند، حالا «باغ کیانوش» به کارگردانی رضا کشاورز را هم می‌توان به فهرست تولیدات سینمایی این باشگاه افزود که معرف یک استعداد جدید به سینمای ایران شده است. باشگاه سوریه در اولین همکاری خود با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان این فیلم را به مرحله تولید رساند و می‌توان در انتظار همکاری‌های موفق بعدی آنها در همین فضا و بستر باشیم. از طرف دیگر رضا کشاورز حداد هم با همین اولین تجربه خود، ثابت کرده است که انگیزه بالایی برای فیلمسازی در حال و هوای سینمای نوجوانانه دارد و اولین تجربه‌اش هم توانست سیمرغ بلورین دستاورد فنی را در جشنواره چهل و دوم شکار کند.

چرا «باغ کیانوش» نادیده گرفته شد؟

با نظر هیأت انتخاب جشنواره چهل و دوم، بعد از چند دوره، بار دیگر بخش مربوط به

فیلم اولی‌ها به جشنواره فیلم فجر افزوده شد و این طور به نظرمی رسید که این تمهید فرصتی را ایجاد می‌کند تا فیلم‌های ساخته شده توسط کارگردانان فیلم اولی، بهتر دیده شود اما در اجرا، این تصمیم تأثیر عکس گذاشت! حضور برخی فیلم‌های بی‌کیفیت در بخش سودای سیمرغ، ثابت کرد که بخش عمده‌ای از ۱۲ فیلم قرار گرفته در بخش «نگاه نو» استاندارد بالاتری داشته و می‌توانستند در همین بخش اصلی پذیرفته شوند و با محدود کردن آنها در بخشی مجزا، فرصت داوری و ارزیابی بخش‌های فنی، از آنها دریغ شد.

در کنار فیلم‌هایی مانند «آپاراتچی» و «بی‌بدن» فیلم سینمایی «باغ کیانوش» هم یکی از فیلم‌هایی بود که به دلیل حضور در بخش نگاه نو، امکان داوری در بخش اصلی را به دست نیآورد. هر چند این فیلم در اختتامیه توانست سیمرغ خلق الساعه «بهترین دستاورد فنی» را از آن خود کند اما واقعیت این است که هیچ دلیلی برای غیبت آن در بخش «سودای سیمرغ» قابل پذیرش نیست. این فیلم هم از نظر موارد فنی مانند کارگردانی و جلوه‌های ویژه و هم از منظر ترکیب بازیگران، می‌توانست به صورت جدی‌تر مورد داوری قرار بگیرد. حضور شهرام حقیقت دوست و عباس جمشیدی‌فر در نقش‌های اصلی فیلم، قابل تحسین است و جذاب‌تر از آن می‌توان به درخشش بازیگران نوجوان در این فیلم اشاره کرد. بازیگرانی که هر یک به درستی در نقش خود ظاهر شده و بخش عمده‌ای از بار جذابیت فیلم را به دوش کشیده‌اند. به این موارد موسیقی جذاب



باشگاه سوریه در اولین همکاری خود با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان این فیلم را به مرحله تولید رساند و می‌توان در انتظار همکاری‌های موفق بعدی آنها در همین فضا و بستر باشیم.

بامداد افشار و طراحی انیمیشن‌های میلاد محمدی را هم بیفزایید که تأثیر ویژه‌ای بر خلق فضای رؤیایگون فیلم داشته‌اند.

«باغ کیانوش» چه سرانجامی دارد؟

وقتی فیلم سینمایی «باغ کیانوش» در روزهای پایانی جشنواره چهل و دوم در برج میلاد روی پرده رفت، فهرست برترین‌های خیلی از اصحاب رسانه و منتقدان، دستخوش تغییر شد! فیلمی که فصل مشترک واکنش‌ها به آن غافلگیری بود. فیلم هر چند پشتوانه‌ای غنی از منظر اقتباس داشت اما در اجرا هم فراتر از انتظار بود و توانست روایت ساده خود را به شکل‌ترین شکل، به تصویر درآورد. کارگردان فیلم درک درستی از فضای فانتزی و مهم‌تر از آن ظرفیت انیمیشن در روایت رزال خود داشت و به همین دلیل توانست یکی از فیلم‌های غافلگیرکننده را به جشنواره امسال برساند. فیلمی که متأسفانه از سوی هیأت انتخاب و داوری جشنواره، با غفلت مواجه شد و ظرفیت‌های آن نادیده ماند.

با این همه اما سؤال اصلی‌ترین این است که «باغ کیانوش» چه سرانجامی پیدا خواهد کرد؟ با توجه به ظرفیتی که انیمیشن‌های سینمایی طی سال‌های اخیر برای جذب مخاطبان گروه سنی نوجوان به سالن‌های سینما فراهم آورده‌اند، می‌توان از امروز «باغ کیانوش» را یکی از شانس‌های اصلی برای عرض انعام در چرخه اکران سال آینده به حساب آورد. فیلمی که بخوبی می‌تواند گروه‌های مختلف نوجوانان را به سینما فراخواند و بخش دیگری از مخاطبان خاموش سینمای ایران طی سال‌های اخیر را به خود جذب کند. این اتفاق البته دو پیش شرط مهم دارد. اول اینکه باید دید مسئولان باشگاه فیلم سوریه، چه برنامه‌ریزی‌ای برای اکران عمومی این فیلم نوجوانانه دارند و نکته مهم‌تر برای کار آمدن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نهاد بالادستی آن یعنی وزارت آموزش و پرورش برای هر چه بهتر دیده شدن این فیلم است. میزان حمایت و همراهی سازمان صداوسیما در فرایند تبلیغات و اطلاع‌رسانی اکران فیلم «باغ کیانوش» هم قطعاً در میزان توفیق آن در گیشه، تعیین‌کننده خواهد بود.



نگاهی به سریال در حال پخش «بیست کووید» روایت کووید نوزده در «بیست کووید»

بمناز شریفی

روزنامه نگار

سراغ داریم، در این سریال هم مشاهده می شود؛ حتی نویسنده به خوبی توانسته رابطه میان داماد و برادر زن را نشان دهد و در بخش هایی از قصه به اختلافات ظاهری آنها هم اشاره کند. تلاش خواهرها برای سرو سامان دادن تنها برادرشان هم محور اصلی شکل گیری داستان «بیست کووید» است و انگیزه‌ای برای حضور نقش اول داستان در گروه جهادی و فعالیت داوطلبانه وی در زمان اوج گیری کروناست. آن چه که نمونه اش را در سریال های طنز دفاع مقدس هم دیده بودیم.

روزهای سخت کووید نوزده برای بینندگان تداعی شود. قصه زندگی خانواده محمد جواد در «بیست کووید» مشابه همان است که دور و بر خودمان و در خانواده های اطرافمان دیده ایم؛ داستان به ما بسیار نزدیک است و در برخی سکانس ها با آن همذات پنداری می کنیم. همچنین از این حیث می توان «بیست کووید» را در رده سریال هایی چون «پایتخت» و «نون خ» قرار داد. صمیمیت موجود در میان اعضای خانواده و جر و بحث ها و کل کل هایی که در هر جمع خانوادگی نمونه اش را

قصه «بیست کووید» نام سریال جدید کانال سه تلویزیون است که به روایت آنچه بر همگان در دوران جنگ تمام عیار همه گیری کووید نوزده گذشته، می پردازد تا مروری بررنج و سختی ها و گرفتاری هایی باشد که گریبانگیر هموطنان شد. قصه از بیان روزمرگی های یک خانواده مذهبی و نسبتاً متوسط ساکن مشهد آغاز می شود و پس از آن به مرور از طریق نشانی هایی که به زبان بازیگران نشسته است، موضوع کرونا هویدا می شود و داستان را وارد فصل جدیدی می کند تا



خانواده ای با سبک پدرسالاری

اعضای خانواده هنگام صرف صبحانه، ناهار و شام به جای نشستن پشت میز غذا خوری، روی زمین دور سفره می نشینند و دختر متاهل خانواده که به همراه شوهر و دو فرزندش در واحد مجاور زندگی می کند، همیشه در خانه پدری دیده می شوند تا سبک پدرسالارانه و دورهم نشینی خانوادگی را به رخ بکشد. گلابه های همیشگی پدر خانواده نسبت به تعمیر صندلی میز ناهارخوری خانه توسط پسر و داماد که در کارگاه کوچک مجاور منزل به شغل شریف نجاری مشغولند هم تمامی ندارد و با همه این اختلافات و بگومگوها، ارتباط صمیمی و دلسوزانه شان با یکدیگر می تواند به عنوان الگوی آشنای خانواده ایرانی معرفی شود.

حتی در این سریال گریزی هم به تفاوت سطح اجتماعی خانواده محمد جواد با خانواده فرزانه زده شده و سبک زندگی ساده و متمول دو خانواده را در لایه های مختلف داستان نمایش داده و به تفاوت سلیقه فرهنگی دو خانواده نیز پرداخته است تا بتواند نحوه رویارویی با آن را هم بیان کند.

اشاره سریال به وضعیت گرانی بخصوص در حوزه فرهنگی که نمونه بارز آن را برای خرید تابلوی نقاشی فرزانه توسط محمد جواد می بینیم و دوندگی های بی نتیجه او و دوستش برای اخذ تسهیلات، از دیگر ظرافت های نویسنده است که می تواند تلنگری به مدیران باشد تا برای بهبود آن چاره اندیشی کنند.

قهرمانی بی شیله پيله!

بی شیله پيله بودن محمد جواد را می توان به عنوان محوری ترین موضوع قصه مورد توجه قرار داد؛ بدین ترتیب که نقش اول داستان وقتی آگهی درگذشت فردی را بر ديوار بانک می بیند و متوجه شباهتش به کارمندی که چند روز پیش با او سرد عود داشته است می شود، به جای فرار به سراغش می رود تا ابعاد قضیه روشن شود.

قصه وقتی تماشایی تر می شود که فردی برای جلوگیری از پخش خارج از عرف فیلم درگیری محمد جواد با کارمند بانک از او طلب پول می کند و نقش اول سریال به جای تسلیم شدن، مقابل آن می ایستد و حاضر به پذیرش حرف زور نمی شود و برای روشنگری ماجرا اقدام می کند.

اگرچه داستان کرونا برای مخاطب تا زگی ندارد و قبل از «بیست کووید» هم آثاری با همین سبک و سیاق و در همین حوزه ساخته شده است، اما در این روایت موضوع متفاوت تر است و نویسنده تلاش کرده قصه ای جدید را در دل ماجرای کووید نوزده پیش چشم مخاطب بیاورد.

«بیست کووید» قرار نیست به مخاطب القا کند که محمد جواد برای خدمت به خلق و نجات جان انسان ها عازم جنگ تن به تن با کرونا شده است، بلکه می گوید اینجا فردی هم پیدا می شود که برای رسیدن به خواسته های شخصی خود که دریافت وام و راه اندازی کارخانه است، به سمت فعالیت های جهادی رفته است.

اگرچه در میانه های قصه و با حضور بیشتر محمد جواد در جریان کرونا شاهد دلواپسی ها و از خودگذشتگی های او در



سازندگان بیست کووید ضمن توجه به موضوعاتی که در بسیاری از خانواده های ایرانی به عنوان قانون و مقررات تعریف شده است، مشکلات و مسائل پیش روی خانواده ها هنگام اشتغال و ازدواج جوانان را با زبان طنز بیان کرده و در ادامه، ورود ویروس کرونا از چین و ابتلای عمومی به کووید نوزده را مطرح می کنند



داستان کرونا در «بیست کووید» به موضوع تولید واکسن و تزریق واکسن ایرانی نیز پرداخته و بدگمانی برخی هموطنان به واکسن تولید داخل را هم به نمایش گذاشته و ماجرای اعزام پزشکان به مناطق محروم را به شیوه‌ای جدید روایت کرده است



زارعی، فرزاد جمشیدی، اسدالله یکتا، جواد سلطانی، بهار نوحیان، صفر کشکولی، حسام خلیل‌نژاد، علی ذکریایی، محمد دلگشا، فاطمه مقدس، پانته‌آکیقبادی، فهیمه مؤمنی، بهار داورزنی، سعید ولی‌زاده، ابتهسلام بغلانی، مرتضی شریف، یاسر حمزه، سارا سراجی، مرجان علوی از جمله بازیگرانی هستند که در این اثر به ایفای نقش می‌پردازند.

«بیست کووید» راه‌آبی حاجتمند و رشید حاجتمند به ترتیب کارگردانی و تهیه‌کنندگی کرده‌اند؛ این سریال خانوادگی که محتوای اجتماعی و کم‌دی دارد، هم‌زمان با شب‌های زمستان ۱۴۰۲ از شنبه تا چهارشنبه هر شب ساعت ۱۹ از شبکه سه سیما پخش می‌شود.

زحمات کارکنان بیمارستان و کادر درمان را دارد که به موضوع استمرار کرونا در سال جدید می‌پردازد.

داستان کرونا در «بیست کووید» به موضوع تولید واکسن و تزریق واکسن ایرانی نیز پرداخته و بدگمانی برخی هموطنان به واکسن تولید داخل را هم به نمایش گذاشته و ماجرای اعزام پزشکان به مناطق محروم را به شیوه‌ای جدید روایت کرده است. علی‌علاوه هاشمی، علیرام نورایی، آریتا ترکاشوند، میرطاهر مظلومی، حسن

صحنه‌های اجتماع داوطلبان در مسجد و کمک به بیماران کرونایی و پس از آن همراهی کادر درمان با بیماران را روایت می‌کند که هیچ وقت تکراری نمی‌شود.

اگر بخواهیم به وجوه تمایز «بیست کووید» با سایر سریال‌های طنز و اجتماعی بپردازیم، باید به بخش‌هایی از سریال که سادگی و بی‌ریایی محمد جواد را نمایش می‌دهد، اشاره کنیم؛ مواردی که برخلاف سایر آثار، مخاطب به صورت غیرمنتظره متوجه واکنش متفاوت بازیگر اصلی داستان می‌شود.

دوستی‌هایی که در استمرار قصه شکل می‌گیرد و دشمنی‌هایی که از دید نقش آفرینان پنهان می‌ماند هم از دیگر پلان‌های تأثیرگذار و تماشایی «بیست کووید» است. درست مثل زندگی واقعی که هر کدام از ما به گونه‌ای آن را در طول عمر تجربه کرده‌ایم.

کلک‌های ریز و درشت رفیق شفیق محمد جواد و پیشنهادهای خلاف عرف و سوسه‌انگیز او هم از دیگر بخش‌های داستان است که در پی بروز هر مسأله و ماجرای، رخ جدیدی نشان می‌دهد و در دوران کرونا و اوج نیاز مردم به امکانات بهداشتی، با احتکار ماسک توسط او اوج می‌گیرد.

رفیق صمیمی و پایه محمد جواد در طول قصه به هر چیزی به چشم دلالتی نگاه می‌کند و سعی دارد با بهره‌گیری از هر موضوعی سود ببرد؛ حتی در بخش‌هایی از داستان موضوع دریافت رشوه توسط او مطرح می‌شود و نشان می‌دهد وی قصد دارد از هر آب‌گل آلودی ماهی بگیرد.

نگاهی به فضای مجازی و دنیای بلاگری

اشاره‌های متعدد سریال به زیارت حرم حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام و مدد گرفتن از دیگر نقوش اول پس از رویارویی با هر مشکل، از دیگر جذابیت‌های داستان است که حال و هوای ارتباط با امام هشتم (ع) را در بهشت ایران برای مخاطب به نمایش می‌گذارد.

پرداختن به مسأله روز از قبیل فضای مجازی و دنیای بلاگری هم از جمله مواردی است که به چشم نویسنده آمده و بر اهمیت آن در سریال از طریق دنبال کردن اخبار توسط داماد خانواده یا معرفی پدر خانواده به عنوان نقالی‌خوان و هنرمند پیشکسوت در شبکه‌های اجتماعی افزوده است.

حتی در زمان اوج‌گیری کرونا هم محمد جواد با تصویربرداری موبایلی و پخش زنده تصاویر بیماران، ضمن بیان توصیه‌های ضدکرونایی به دنبال کننده‌های خود، قصد نمایش

مورد بی‌مهری اطرافیان‌ش قرار می‌گیرد.

بیان مکرر عنوان جنگ در بخش‌های مختلف سریال و دیالوگ‌های بازیگران هم از جمله مسأله‌ای است که نشان می‌دهد سازندگان قصد دارند با ایجاد شباهت‌های میان مقابله با کرونا و خط مقدم جبهه، به نوعی سختی‌های طاقت‌فرسا و ایثارگری داوطلبان و کادر درمان را نمایش دهند.

بجوبه‌های مختلف می‌شویم، اما هدف اصلی نقش اول داستان پنهان نمی‌ماند و او همچنان برای آنکه از کسوت یک خواستگار ساده به فرد موردپسند فرزانه تبدیل شود، تلاش می‌کند.

ابتلائات یک خانواده ایرانی

«بیست کووید» را باید مصداق «هدف وسیله را توجیه می‌کند» دانست؛ وقتی که نقش اول داستان برای تحقق هدفش که رسیدن به خواسته‌های دختر مورد علاقه‌اش است، در مسیری قرار می‌گیرد که نگاه او را به اطراف تغییر می‌دهد. مسأله‌ای که در میانه‌های قصه بارها به آن برمی‌خوریم.

ملاقات بازیگران ثابت سریال با آدم‌های متفاوتی که از پیرو جوان و معلم و پزشک و پرستار را شامل می‌شوند، دریچه‌ای را به زندگی آنان باز می‌کند که مهاجرت خانواده امید به جنوب و دل‌تنگی فرزندان زوج کادر درمان را می‌توان به‌عنوان نمونه‌های آن ذکر کرد. سازندگان این اثر ضمن توجه به موضوعاتی که در بسیاری از خانواده‌های ایرانی به‌عنوان قانون و مقررات تعریف شده است، مشکلات و مسأله‌های پیش روی خانواده‌ها هنگام اشتغال و ازدواج جوانان را با زبان طنز بیان می‌کنند و در ادامه، ورود ویروس کرونا از چین و ابتلای عمومی به کووید نوزده را نشان می‌دهند.

مادر و دختران با ورود میهمان که پسر عمه پدری‌شان است، چادر به سر می‌کنند و وقتی صحبت خواستگاری پسر خانواده از دوست خواهرش به میان می‌آید، پای خانواده‌ها هم به موضوع باز شده و به صورت کاملاً غیرمستقیم مسأله مراجعه به روانشناس پیش از ازدواج بیان می‌شود. حتی در بچوبه کرونا هم به مسأله‌ای چون رعایت مسأله بهداشتی و امکانات موجود در مراکز درمانی و کمبود اعضای کادر درمان که در دهان بازیگران گذاشته شده است، اشاره می‌شود. به عبارتی، کوشش نویسنده بر آن بوده است تا پیام‌ها را در قالب دیالوگ به گوش مخاطب برساند.

بیان نگرانی‌ها، اضطراب و حساسیت‌های خانواده‌ها هنگام مواجهه با کرونا هم بخش مهمی از قصه را تشکیل می‌دهد که بر جنبه کم‌دی و طنز آن افزوده و آن را دیدنی‌تر کرده است و می‌توان گفت بازیگران به‌عنوان نقش آفرینان و سازندگان قصه به خوبی از پس آن برآمده‌اند.

در جزء به جزء داستان نمی‌توان از نقش مؤثر داماد خانواده که به‌طور پیوسته توصیه‌های کرونایی را یادآوری می‌کند نیز غافل شد. او پیش از همه‌گیری کرونا مرتباً به اعضای خانواده هشدار می‌دهد که نکات بهداشتی را رعایت کنند و از دوره‌های و برگزاری میهمانی پرهیز کنند؛ توصیه‌هایی که عمدتاً مورد بی‌مهری اطرافیان‌ش قرار می‌گیرد.

بیان مکرر عنوان جنگ در بخش‌های مختلف سریال و دیالوگ‌های بازیگران هم از جمله مسأله‌ای است که نشان می‌دهد سازندگان قصد دارند با ایجاد شباهت‌های میان مقابله با کرونا و خط مقدم جبهه، به نوعی سختی‌های طاقت‌فرسا و ایثارگری داوطلبان و کادر درمان را نمایش دهند.

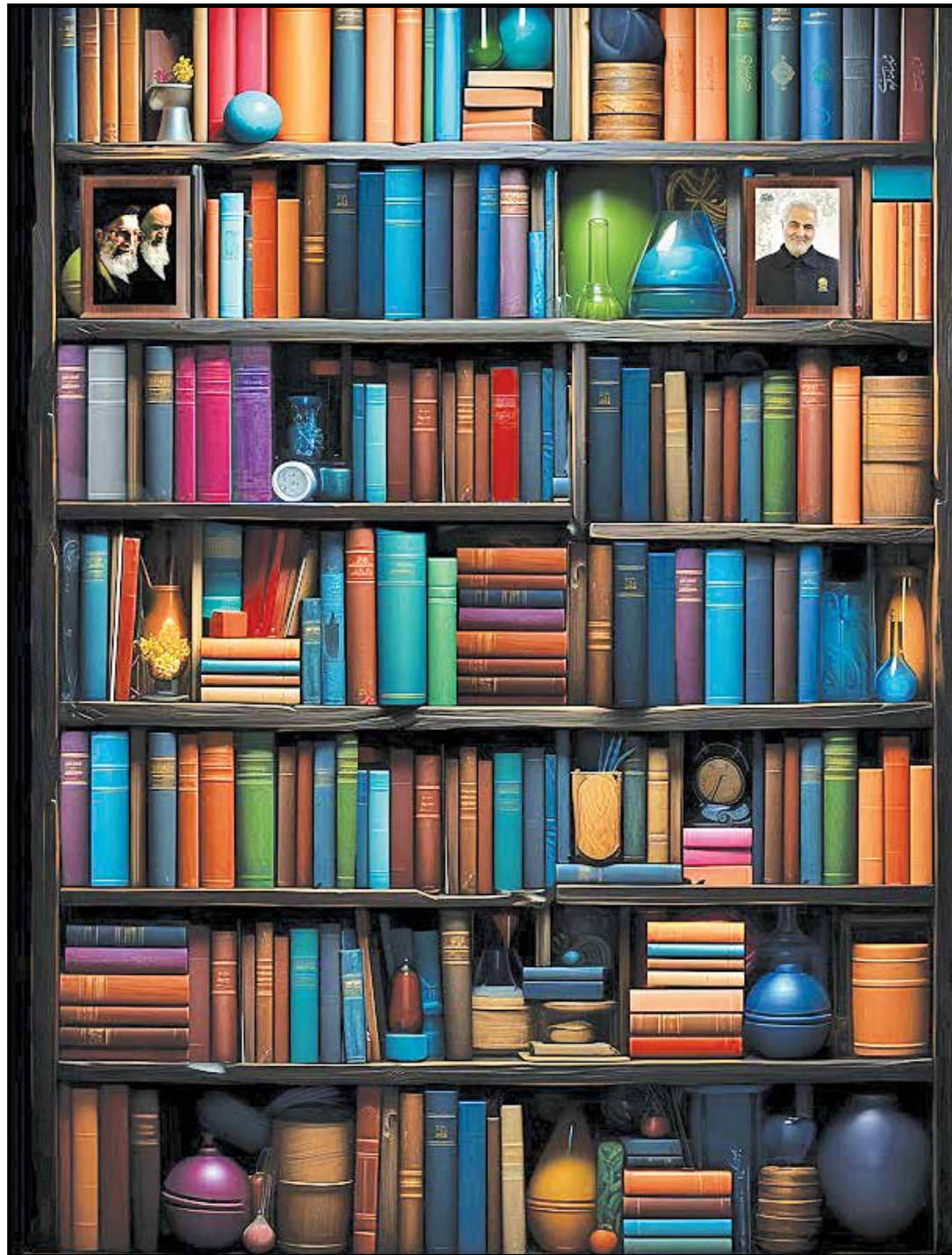
روایت یک زندگی واقعی و معمولی

«بیست کووید» که تا لحظه تحویل سال جدید هم ادامه پیدا می‌کند، برای بینندگان که از تماشای اتحاد و همدلی مردم لذت می‌برند،





کتاب واصله به جشنواره متأثر از جریان نشر داخلی کشور است. اگر جریان نشر بهتر شده است، پس کتب بهتر و کیفی تری داریم. آنچه دریافت می شود این است که کتب واصله به جشنواره بهبود کیفی دارد. مادر سال های اخیر فراخوان برای محورهای ویژه داشتیم که موجب شد کیفیت آثار بویژه در حوزه نوجوانان بهبود یابد. در فراخوان اخیر هزار اثر دریافت شد که کیفیت آثار را بهتر نشان می داد



به بهانه جشنواره ملی کتاب رشد

شاخه های تنومند درخت «رشد» در شبکه نشر کتب آموزشی

و نویسنده
روزنامه نگار



دهه قدمت دارد، چیست و نهایت دآوری کتب چه تأثیری در روند آموزش و پرورش کودکان دارد. برای پاسخ به این سؤالات پای صحبت های ابودر حسام پور، دبیر بیست و یکمین دوره جشنواره ملی کتاب رشد نشستیم.

رشد با محور بررسی آثار ناشران، نویسندگان و مترجمان در محورهای هویت دینی، هویت ملی و انقلابی، هویت خانوادگی و کسب شایستگی های فردی و اجتماعی در تربیت نسل آینده ساز ایران اسلامی رقم خورد. اما اساس کار جشنواره ای که بیش از یک

جشنواره ملی کتاب رشد در حالی هر سال با حضور ناشران کتب تربیتی و آموزشی برگزار می شود که خود را مقید به یک جشنواره ندانسته و هدف متعالی خود را اعتماد سازی در ارائه معتبرترین منابع آموزشی می داند. بیست و یکمین دوره جشنواره ملی کتاب

یکی از ظرفیت های جشنواره رشد ارتباط دهی طیف تولید و نشر کتاب با متولیان آموزشی است. چقدر این هدف را محقق شده می دانید؟

اگر مروری بر فلسفه کتاب رشد داشته باشیم، این جشنواره بر اساس یک مصوبه قانونی و مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش تعریف شده است که در سال ۱۳۸۹ ابلاغ شد. تمامی محتوای آموزشی و تربیتی از جمله کتاب، فیلم، بازی ها و محتواهای چند رسانه ای و بسته های آموزشی و تربیتی باید از مسیرهای ارزیابی، کنترل کیفی شود که اصطلاحاً گفته می شود نشان رشد و منابعی که این نشان را دریافت می کنند، اجازه نشر گسترده و ورود به بازار را دارند. آموزش و پرورش از مسیر سازمان پژوهش این مأموریت را انجام می دهد. در عین حال در حوزه منابع مکتوب و کتاب ها سالانه یک جشنواره برگزار می شود؛ کتاب هایی که در واقع ناشران در طول یک سال منتشر کرده اند. گروهی که قادر به دریافت نشان رشد نیستند از چرخه خارج می شوند و گروه دوم در سه دسته یک و دو و سه دسته بندی شده و گروه های یک و دو دارای نشان رشد وارد چرخه جشنواره می شوند.

در نتیجه جشنواره یک جشنواره دائمی است و این طور نیست که فراخوان داشته باشد و ناشران مرتب، آثار خود را در طول سال و پس از تولید و تدوین، ارسال می کنند که این آثار کتب مرتبط با گروه سنی صفر تا ۱۸ سال یعنی آموزش عمومی است.

در وضعیت فعلی هزار و ۵۰۰ ناشر با جشنواره ارتباط دارند که شامل ناشران کودک و نوجوان و کتب درسی و در واقع مطرح ترین ناشران کشور در این حوزه است.

سالانه بیش از چهار هزار کتاب جدید دریافت می شود که متقاضی دریافت نشان رشد هستند. گروهی از کتاب ها توسط ناشران با این نشان معرفی می شود و حجمی از این کتاب ها نیز با همکاری فی مابین کانون پرورش فکری، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و معاونت پرورشی و معاونت ابتدایی به عنوان متولیان کتابخانه های مدارس از سبد کتب بزرگ جشنواره رشد آن ها را انتخاب می کنند.

پس از تأیید کتاب ها، کتاب های برتر وارد چرخه اصلی آموزشی و مابقی برای کتابخانه های مدارس انتخاب می شود.

به اعتقاد شما کیفیت کتب واصله به دبیرخانه جشنواره مطابق جلسات و نظرات داوران روند صعودی دارد یا نزولی و به چه دلیل؟

کتاب واصله به جشنواره متأثر از جریان نشر داخلی کشور است. اگر جریان نشر بهتر شده است، پس کتب بهتر و کیفی تری داریم. آنچه دریافت می شود این است که کتب واصله به جشنواره بهبود کیفی دارد. مادر سال های اخیر فراخوان برای محورهای ویژه داشتیم که موجب شد کیفیت آثار بویژه در حوزه نوجوانان بهبود یابد. در فراخوان اخیر هزار اثر دریافت شد که کیفیت آثار را بهتر نشان می داد.

چند درصد از کتب برگزیده جشنواره در سیستم آموزشی کشور مورد حمایت بوده یا استفاده شده است؟

کل کتاب های خریداری شده در آموزش و پرورش از سبد کتب های دارای نشان رشد است. آموزش و پرورش چند مسیر حمایتی تعریف کرده است. برای کتب برتر و درجه یک به غیر از معرفی در فهرستگان، کتب برای مدارس ارسال می شود تا از این کتب خریداری کنند. به غیر از آن در مجلات رشد و کتب درسی نیز معرفی می شوند. برای کتب درجه دو و یک همزمان توسط حوزه ستادی به صورت سیستمی، شاید



رشد، یک جشنواره اجتماعی است و زمانی می تواند اثربخش باشد که خانواده ها به آن توجه و اعتماد داشته باشند. اگر به این مهم دست نیافته ایم پس هنوز اثربخشی خود جشنواره اتفاق نیفتاده است

همچنان تمرکز بر منابعی که استفاده می شود داشته باشیم و در حوزه کودک و نوجوان به سمت مصرف کننده اصلی برویم تا به نحوی این محدودیت منابع پوشش داده شود، موفق عمل کرده ایم.

بر اساس تقاضای که بین دو وزارتخانه منعقد شده بوده قرار بود در تجهیز کتابخانه های مدارس و کلاسی ۵۰ درصد آموزش و پرورش و ۵۰ درصد ارشاد اسلامی مشارکت کند که آموزش و پرورش سهم خود را ایفا کرده و اگر ارشاد نیز سهم خود را محقق سازد، اقدام قابل توجهی را شاهد خواهیم بود. دسترسی نداشتن به کتاب در مناطق محروم یکی از مشکلات جدی است که انتظار می رود به صورت ویژه مورد توجه قرار گیرد.

در پایان لازم می دانم اضافه کنم یکی از رویدادهای نشان رشد برای اینکه بتواند به نحوی اجتماعی شود، پوییش کتابخوانی کتاب های دارای نشان رشد بود که در سامانه شاد و خود کانال های ارتباطی جشنواره رشد جانمایی شده تا دانش آموزان بعد از مطالعه یک تصویر نگاشت، عکس، فیلم و غیره را برای جشنواره ارسال کرده و مورد تقدیر قرار گیرند.

لازم به ذکر است در این دوره از جشنواره تمامی آثار دریافتی علاوه بر رقابت برای کسب جایزه ویژه، در فرایند ارزیابی جهت دریافت نشان رشد نیز قرار خواهند گرفت.

طبق اعلام دبیرخانه جشنواره: امتیازات دریافت نشان رشد عبارتند از:

- تقدیر ملی از ناشران و نویسندگان برگزیده در جشنواره
- حضور قانونی در بازار محصولات فرهنگی و تربیتی مدارس و مراکز آموزشی و تربیتی
- معرفی کتاب های برتر در کتابنامه و فهرستگان سالانه رشد
- معرفی کتاب های برتر در کتاب های درسی
- بهره مندی از ظرفیت اطلاع رسانی و ترویجی مجلات رشد
- معرفی در سامانه های رشد و شاد وزارت آموزش و پرورش
- امکان حضور در نمایشگاه های کتاب، جشنواره ها و مسابقات و پوییش های کتابخوانی مدارس
- افزایش اعتماد خانواده ها به مفید و مناسب بودن اثر.

علاوه بر جوایز بخش عمومی که مطابق برنامه سالانه جشنواره اهدا می شود، جوایز ویژه این دوره از جشنواره به این ترتیب تعریف شده است.

- جایزه ویژه «دست بوسیدنی»: فرهنگ قدرشناسی؛ احترام به پدر و مادر؛ احترام به ایثارگران و خانواده معزز شهید؛ احترام به معلم و بزرگ تر؛ احترام به تلاشگران و خادمان فرهنگ.
- جایزه ویژه «ایران و افتخار»: پاسداشت مفاخر، الگوها و قهرمانان ملی، انقلابی و اسلامی؛ روایت دستاوردهای انقلاب اسلامی؛ وحدت و انسجام ملی؛ اهتمام به مصرف تولیدات ملی؛ امیدآفرینی و عزم ساختن آینده؛ تمدن سازی؛ کودک و وطن دوستی، حوادث درس آموز تاریخی؛ پاسداشت زبان و ادبیات پارسی؛ خودباوری.
- جایزه ویژه «روشنا»: ولایتمداری؛ قانونمداری؛ آرمان فلسطین، جهاد و مقاومت؛ حق طلبی و استکبارستیزی.

- جایزه ویژه «معنای زندگی»: جهان بینی توحیدی؛ سیره امامان؛ آزادی؛ حیا و غیرت؛ معناداری زندگی، ارزشمندی وقت.
- جایزه ویژه «رسم زندگی»: سبک زندگی ایرانی-اسلامی؛ خانواده محوری؛ پایداری خانواده؛ الگوی دختر/پسر مسلمان ایرانی؛ مهارت های زندگی؛ فرهنگ عفاف و حجاب؛ کسب و کار حلال؛ الگوی شادی؛ مهارت حل مسأله، اندیشه ورزی و خلاقیت؛ تقدم منافع جمعی بر فردی؛ تربیت در عصر فناوری های جدید.



هم دهند و کتب جشنواره بهتر معرفی و تبلیغ شود از جمله صداوسیما و شهرداری ها که می توانند یاریگر ما باشند.

به مرور چنین وضعیتی مسیر رقابتی برای ناشران نیز تعریف می کند که اگر ببیند از طریق این کتب می تواند ضریب اقتصادی بهتری داشته باشد به سمت آن و توجه به مؤلفه های لحاظ شده در تولید محتوا، گام بر خواهد داشت.

● اغلب دانش آموزان از محتوای کتب درسی خود رضایت ندارند. آیا این جشنواره در ارائه پیشنهاد برای تغییر محتوا اقدامی داشته است؟

خود ارزیابی آثار جشنواره توسط مؤلفان و کسانی که درگیر تولید و تدوین و برنامه ریزی کتب درسی هستند، اتفاق می افتد. نمایشگاهی از کتب برتر هم تدارک دیده شده که افراد فعال در این حوزه بتوانند تولیدات جدید و فرم و قالب جدید ببینند. این فرم ها با توجه به ذائقه سنجی معرفی شده و می توانند به افراد فعال مسیر راهی را معرفی کند.

● در حمایت از دانش آموزان و معلمان نویسنده چه تمهیداتی دارید؟

جشنواره کتاب رشد لزوماً این مأموریت را ندارد و جشنواره های دانایی، توانایی و معلمان پژوهشگر معمولاً مأموریت اینچنینی دارند. در عین حال برخی فرایندهایی مانند رویداد کتاب نما ایجاد کردیم. در پنج پژوهش به نحوی محتوای فرامتنی حوزه کتاب را ارزیابی می کند. قالب های عکس، تصویر، فیلم کوتاه، پویانمایی و ویدئو پردازی که هر چه بهتر بتواند کتب را معرفی کند و در این بخش بیشتر نویسندگان و معلمان درگیر می شوند. اگر خود نویسنده و معلم هم کتاب معرفی کنند به صورت ویژه مورد تقدیر قرار می گیرند.

● به اعتقاد شما مهم ترین مشکلات محتوای آموزشی مادر مدارس و کتابخانه ها چیست؟ کمبود منابع یا کیفیت منبع؟

ما هم کمبود دسترسی به منابع داریم و هم کیفیت مطلوب نداریم. اما بیشتر با معضل کمبود منابع روبه رو هستیم. با توجه به گرانی کاغذ و وضعیت اقتصادی خانواده ها، کتاب به مرور از سبب خرید خانوار کنار زده می شود. چنین وضعیتی مطلوبیت ندارد چرا که سواد خواندن و نوشتن از مهارت های پایه ای است که دانش آموز باید به آن مسلط شود. نباید فشار اقتصادی به نحوی باشد که اولین محصولی که کنار گذاشته می شود، کتاب باشد. اگر بتوانیم



تربیتی و آموزشی مؤثر بوده و موانعی اگر هست بفرمایید.

سازمان پژوهش و وزارت آموزش و پرورش درگیر تدوین و تولید کتب درسی است و ارتباط گیری با این حجم از ناشران که با تکنولوژی و شیوه های جدید آموزشی ارتباط دارند خیلی کمک می کند که این ظرفیت در کتاب های درسی ارتقا یابد. در مجموعه ای از کتب برگزیده سعی شده که ارتباط فرایندی با برنامه ریزان کتب درسی ایجاد شود و بخشی از آن توسط دفتر تألیف و برنامه ریزی کتب درسی سازمان پژوهش مورد ارزیابی قرار می گیرد تا به نحوی در جریان فرم و قالب از لحاظ تصویرگری قرار گیرند و سعی می شود آخرین شیوه ها در کتب درسی به کار گرفته شود.

بنابراین قرار است کتب برگزیده هم در کنار کتب درسی معرفی شود و مرتباً در مجلات رشد کتاب های دارای نشان رشد به مرور معرفی بشوند. در خصوص موانع باید گفت با توجه به اینکه کیفیت آنها ندارد هم خود کتب باید فرایند صعودی کیفی داشته باشند و هم خود آموزش و پرورش اقداماتی را جهت معرفی و تبلیغ کتب روز به روز ارتقا دهد. رشد، یک جشنواره اجتماعی است و زمانی می تواند اثربخش باشد که خانواده ها به آن توجه و اعتماد داشته باشند. اگر به این مهم دست نیافته ایم پس هنوز اثربخشی خود جشنواره اتفاق نیفتاده است. با توجه به اینکه مصوبه رشد یک مصوبه فرادستی است، باید همه دستگاه های مأمور در حوزه کودک و نوجوان دست به دست

از طریق معاونت پرورشی و ابتدایی انتخاب و از این دو دسته استفاده کنند. برای کتب درجه سه نیز به اتفاق کتب درجه یک و دو کتابنامه هایی به خانواده ها معرفی می شوند. <https://samanketab.roshd.ir> یکی از سامانه هایی است که خانواده ها و مربیان و معلمان می توانند با توجه به دسته بندی و معرفی جامع کتب، آنچه مورد نیازشان است را خریداری کنند.

یک کتابنامه الکترونیکی سالانه هم داریم که با توجه به مقاطع تحصیلی و دسته بندی شده به مدارس معرفی می شوند. نمی توان به درصد مشخصی اشاره کرد اما در مجموع کتب خریداری شده برای مدارس یا کتابخانه ها از محل کتاب های رشد است. در صورتی که آماری از نویسندگان شرکت کننده در جشنواره طی دوره های قبل و اینکه چند درصد مربی، معلم و دانش آموز است دارید، بفرمایید.

سالانه بیش از چهار هزار کتاب دریافت می شود. اگر اشتراک نویسنده ها را حذف کنیم، باز هم این تعداد کتاب، تعداد قابل توجهی نویسنده را شامل می شود. معمولاً به دلیل اینکه رشد به دنبال ارائه نمونه های برتر نشر است، شکل و شمایل استعدادیابی یعنی همان موضوع حمایت از دانش آموزان نویسنده را ندارد.

در حوزه معلمان هم بیشتر تمرکز ما بر محتوا بوده نه معلم نویسنده. اگر مشخص می شده که نویسنده معلم است، تقدیر متمایزی داشتیم اما تمرکز ما بیشتر بر محتوای کتب است.

● به اعتقاد شما جشنواره رشد چنانکه از نامش پیداست در رشد دادن شیوه های

ایران

جمعه

• مدیر مسئول: محمدحسن روزی طلب
• سردبیر: محمدصادق علیزاده
• معاون فنی: محمدملاعلی اکبری
• دبیرتحریریه: ونوس بهنود
• دبیران:
• سید پویا هاشمی (گزارش و گفت‌وگو)
• صادق رخ‌فرد (تاریخ)

• محمدعلی یزدانبار (کتاب)
• آیه طائبی (زندگی)
• فاطمه سادات رضوی (طنز)
• فرناز اینانلو (زنان)
• زینب فروزنده (زوم)
• فاطمه کهریایی (فرهنگ)

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط
• مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
• ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

کوروش کمپانی ترازی برای عیار پول پرستی!



مریم اسدزاده
نویسنده و پژوهشگر

همه می دانند و بدیهی است که تبلیغات لازم کارهای اقتصادی و فروش محصولات مختلف است؛ البته این فقط مختص فروش کالاهای اقتصادی نیست. عرضه هر چیزی با تبلیغات میسر می شود. از برنامه های تلویزیونی گرفته تا مسائل سیاسی و حتی کاندیدای ریاست جمهوری. سالهاست که این موضوع در تمام دنیا باب شده است. اما آیا قواعد و قوانینی در این باره وجود دارد؟ در خارج از ایران هم مشکلاتی شبیه به آنچه در کوروش کمپانی دیدیم، اتفاق افتاده است. اشکال از کجاست؟ خریداران ساده لوح یا فروشندگان متقلب یا مبلغان نادان!

کمترا کسی است که این روزها درباره کلاهبرداری شرکتی کذایی بانام کوروش کمپانی نشنیده باشد. میزان کلاهبرداری کوروش کمپانی براساس برآوردهای غیررسمی، حدود دو هزار میلیارد تومان تخمین زده شده است. اگر فرض کنیم قربانیان برای خرید آیفون، نفری ۲۰ میلیون پرداخت کرده باشند، تعداد مالباختگان کوروش کمپانی به حدود ۱۰۰ هزار نفر می رسد. البته که این تعداد، تخمینی است و عدد واقعی کمتر است زیرا با توجه به گزارش ها، افرادی بالای ۲۰۰ میلیون تومان سرمایه گذاری کرده اند و در گزارشی یک فرد ۶۰۰ میلیون تومان سرمایه گذاری کرده است. یعنی یک فرد، برای خرید بیش از یک گوشی ثبت نام کرده است.

اثبات اینکه یک شرکت تازه تأسیس، صد درصد موفق عمل خواهد کرد، چیزی است که از عهده خیره ترین کارشناسان اقتصادی هم بر نمی آید و فقط آمارهایی تقریبی بیان می شود و برای همین است که کمتری بینیم محصولی جدید را یکی از شهرگان غربی تبلیغ کند و همواره اگر تبلیغی هم از سوی سوپراستارهای غربی برای کالایی صورت می پذیرد آن کالا محصولی است که سالها امتحان خود را پس داده است.

چرا بی این مطلب هم امری بدیهی در زمینه قانونمندی و رعایت حقوق شهروندی است. ستارگان غربی، تبعات قانونی چنین اقدامی و برعهده بودن جریمه و تاوان ضرر و زیان مالباخته را می دانند و چنین خطری نمی کنند.

اما متأسفانه برخی شهرگان (سلبریتی ها) ایرانی، منفعت خویش را بر هر چیزی ترجیح داده و آبروی پیشکسوتان خود را در این رشته هم برده اند؛ به صورتی که در فضای مجازی دیگر مخاطبان نشان به آنها اعتمادی نداشته و ایشان را مقصر این واقعه می دانند، البته که این نظر هم از منظر قانونی و هم از منظر

با توجه به شرایط مالباختگان و اینکه برخی دار و ندار خود را در این سرمایه گذاری بی بازگشت از دست داده اند، برخی سلبریتی ها اشک ندامت ریخته و خود را طرف مردم می دانند و در حال اعلام پیگیری شکایت خود هستند. اما جالب اینجاست که هیچ کدام از ایشان، از بازگرداندن دستمزدی که برای این تبلیغات گرفته اند، حرفی به میان نمی آورند و این در حالی است که امیرحسین شریفیان در اولین گفت‌وگوی خود پس از فرار از کشور گفته است که به حدود ۵۰۰ سلبریتی مجموعاً ۱۰ میلیارد تومان بابت تعریف و تمجید از این کمپانی پول پرداخت کرده است

هم از سوی ستارگان غربی صورت می گیرد اما تبلیغ کالا یا خدماتی که پیش از این امتحان خود را پس داده باشد.

حال با توجه به شرایط مالباختگان و اینکه برخی دار و ندار خود را در این سرمایه گذاری بی بازگشت از دست داده اند، برخی سلبریتی ها اشک ندامت ریخته و خود را طرف مردم می دانند و در حال اعلام پیگیری شکایت خود هستند.

اما جالب اینجاست که هیچ کدام از ایشان، از بازگرداندن دستمزدی که برای این تبلیغات گرفته اند، حرفی به میان نمی آورند و این در حالی است که امیرحسین شریفیان در اولین گفت‌وگوی خود پس از فرار از کشور گفته است که به حدود ۵۰۰ سلبریتی مجموعاً ۱۰ میلیارد تومان بابت تعریف و تمجید از این کمپانی پول پرداخت کرده است.

سلبریتی های باهوشی که اکنون برای شکایت دست پیش گرفته اند تا خودشان را در کنار این کلاهبرداری، مظلوم ماجرا و آبرو باخته نشان دهند، آیا به فکرشان هم خطور نکرده بود که چگونه می توان آیفون ۳۰ میلیون تومانی را ۲۰ میلیون تومان فروخت؟! به نظرمی رسد گزاره ابتدای مطلب درست نباشد و به جای مبلغان نادان باید آنان را منفعت طلبان بی وجدان نامید!

سلبریتی های باهوشی که اکنون برای شکایت دست پیش گرفته اند تا خودشان را در کنار مال باختگان این کلاهبرداری، مظلوم ماجرا و آبرو باخته نشان دهند، آیا به فکرشان هم خطور نکرده بود که چگونه می توان آیفون ۳۰ میلیون تومانی را ۲۰ میلیون تومان فروخت؟! به نظرمی رسد گزاره ابتدای مطلب درست نباشد و به جای مبلغان نادان باید آنان را منفعت طلبان بی وجدان نامید!

که شبیه یک سلبریتی هستند، هنگام خروجشان از یک شرکت، از طرف آن شرکت و ایرال و پخش شده تا نشان دهند این فرد هم مشتری ماست و این نوع شکایت از سوی سلبریتی های غربی در مرتبه دوم شکایات تبلیغات است. علت چیست؟ قطعاً اینکه جایگاه اجتماعی و داشتن پایگاه مردمی مستحکم برای آنها مهم تر از دریافت مبلغ دستمزدشان برای تبلیغات است، البته که همان طور که پیش تر گفته شد، تبلیغات

احساسی (که کارکرد تبلیغات بر این اساس است)، صحیح است. در دیگر کشورها آن قدر قوانین و مجریان قانون، سختگیر هستند، که دست و پای شهرگان برای این گونه بی توجهی ها به حقوق مخاطب کاملاً بسته اند و در این کشورها به جای چنین اخباری که مبنی بر کذایی بودن، تبلیغات یک شرکت یا محصول باشد و شکایت شهروندان را به دنبال داشته باشد.

کذایی بودن تبلیغ به علت بردن نام یک سلبریتی و سوءاستفاده از نام او یا حتی استفاده از تکنیک دیپ فیک (Deep Fake) که یک تکنولوژی مبتنی بر هوش مصنوعی است و قادر است به طور خودکار صورت یک فرد را در یک ویدیوی دیگر جایگزین کند و حتی صدای او را نیز تغییر دهد، مشکل اصلی سلبریتی هاست و شکایت ها عموماً از سوی سلبریتی ها از این شرکتهاست که با اینکه آنها قبول نکرده اند در تبلیغاتشان شرکت کنند و حتی به صورت طنز و کمدی اجازه استفاده از تصویرشان را نداشتند، باز هم با تصویری جعلی از چهره یا صدای آن فرد مشهور در تبلیغات خود استفاده کرده اند.

سختگیری بازبگاران غربی در این زمینه به حدی رسیده که اکنون تصاویری از افرادی